

۳
 قمت اول - کردستان و اراد
 فصل اول خوافی کردستان

مکن است ای خود روزی کوی خوافی
 شود بخوار کوی ۵۳
 ۲۲. ۱. ۱۹۴۴

کردستان قمت اول خوافی را می بیند. در قمت اولی صخره واقع شده و مسافت کرمانشاه از آن که کوه های سیاه است
 بین انزلی و واد آن قمت اولی تا قلات ایران ادامه دارند. (۱) اشغال مکنه. برای تعیین حدود خوافی آن بین قمت اول
 عمل نمود:

۴
 ۱. مارانی ۲
 ۳
 ۴
 ۵
 ۶
 ۷
 ۸
 ۹
 ۱۰
 ۱۱
 ۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

۱- حکای کونز

- 1- Killis
- 2- Marache
- 3- Allustan
- 4- Duzik
- 5- Kelkit
- 6- Olty
- 7- Kizilirmaci (Kizilirmaci)
- 8- Kizilirmaci
- 9- Djerablous

بجای آمادیا که ... خفیه برادر تو می باشد ...
 خوافی آمادیا که ... کوی سنجاق است

و مصادف نفت از دست دادن آن شرکت
 و در آن طرفی بخلافی در دسترس بقیه می بینم که یک رسته کوچه ها در سال غریب
 آنها تا طبع فارسی گشته بود، از روی خوفاً می ترسیدند و از آن بترسیدند که مباح نفس آن در طول همین
 رسته کوچه ها است که از غریزه قهر و خشم در هیچ درسی از خوب ایران شروع شده و پس از عبور از مباح
 نفت نیز سال غریب ایران که شرکت نفت انگلیس و ایران آنرا استیلا می کند، مباح نفس عوان - انگلیس
 در برابر برصل و کرکوت و از آنجا به سمت در فوف و کوه منتهی می شود.
 با نظر بر دولت و کوه رسیده بعد از شناسان معلوم کرده مصادف نفت در فوفی کرکوت آن در حدود ۴۴
 موی همین مباح بودی است که مازود بالیون کنوالتی در ۱۶ ادرس در ۱۹۴۲ در لندن داد
 وانی در انگلیس بخوبی به نفت چگونه شنودگان خود را میبرد و بنامه .

فصل سوم - افراد

سابقین چنین مملکت وسیع و حاصلی را از شخصی شیخ و خوشحال - کوه نفس، شبان، زارع گنبد می بیند که
 اغلب زبانی بود و می دانند . او با بی تردید و زبانان منته و دارد و با مکتب که باز این فارسی خوشی نزدیک
 در رسته و بعد از آن ساز است . گویا بی از شرف می آید است که اغلب بی این حرف میزند
 و مشخصه با آنجا ساختار داشته اند او صاف متعده آنرا را میبرد اند . در زیر قفله و عقیقان لغوی
 فصل درونی با یک هفته و در عینی حال برادر زده های اینست . تکلیفات شاعانه ، روح انتقادی ،
 ضرب التعلیمی بر معانی که در صفا به کوه میزند ، همه و همه قابل ستایش است و آواز خواندن را در شب
 داشته و کوه های طلالی بدون احساس خستگی حاضرند که انسان سران بر آن که از کوه گشته آنرا صحبت می کند
 گوش دهنده . کوه های من که در آنه خوف کرد بودن آن است . کوه را می بیند که بی خود بر سر آواز
 خود استفاده کرده و کوه بی کوه است ام آینه است . حاصل مکتوب با توصیف افراد لغتال بود
 نظاری می شود است . با همه اینها علاوه ای مکتب آبادی که از صفات و مکتب است
 است در آن کوه زیبا و کوه چاق ماهری است که در صفا به کوه اغلب صبا و صفا را به راه میزند
 و از راهی راه او حله ای میگزیند در ضمن این عمل از مهارت خود در آب کاری لذت میبرد . در سوره
 و مصادف به شرف تعالی را در اعانت مکتبه . همان روزی که ضرب التعلیم بوده و شرف آن که از
 همان نوازی حکم طایفه است با این وقت که در خانه افراد همان خودش را راحت و خوش مکتبه و
 این را حتی ام با هیچ کجایی ای قابل تعویض نیست
 بر عکس آنچه که در مابده زن ترقی و مخصوصاً مکتوب میگویم . زن بود ، مرد مصادف کامل دارد
 زن اجاره می آید بیادش می آید و او است که کارهای خنکی را اداره مکتبه ، زنهای کرد و بنامه

Kurde de paris

مسرور بوده و حتی در وضع باطنی حکیم می زیستای خود نیز از تمام دست بردارفته. در حان جوانان
طنناز و حالی از کودکی است اندک با کس دوست بقوند که جسم به اندک روزی با او شکل خانوادگی خواهد
در روز جنگ و حیران ام نوبه خود شرکت کرده و در واقع مردم در راس بریده دار گرفته و کارهای بسیار
باید برود بسیاری صحبت گفته ای اداره نیامده.

بغیر از جنبه جسمی و غیره نیز نفی که نموده است گفته اند که او را ای دین اسلام و نهیب سخن می شنید
و در ایران همه جنبه کرد از نهیب شنید و خود دارد. نهیب خود علامه دوستی و می هم این خوانده
شروع خود را می شنید و در عمل، تقبی که می شنید شده اند. نهیب و نهیب گمراه از آنجی
پس با مشهور است خوانده است.

من دست نظر آنها را احتیاج و با همه روزی از جوانان و کرامت، رکاب داد کسی. همه سخن فر
و بلاغه سوانی که در دعوت و شهرت برانگیز شده و نفوذ بسیار بی دلی دارند و آینه را در جوان
خانه بی سنبل روزگار می بیند. مصاحبه کرده ام، در بی آنها اشک می زاری است که بغیر از آنکه
عربی، ترکی، فارسی، بنگالی، چینی، اردو، هندی، فرانسه، انگلیسی، آلمانی، روسی، آلمانی
کامل دارند. در موقع مصاحبه و صحبت با آنها بهت خشمگین بوده ام زیرا آنقدر عربی تمام
واقع بیس، اقتصاد، بی میلی بوده و با وزارت زاهد از این مسائل حرف نمی شنید.

فضل چهارم - مسند کرد

حالا در وضع جوانی در میان و شیخ بودی و خصوصیت زاری سابقین این را فهمیدم سخن حکیم قضیه او
را در وقت که زاری مسند کرد بسیار داده ای بین فضل دیگر وجود دارد، ساده بی
دین مسند در میان است که در دستان ای وجود خدای ندارد ولی حق دارد و می خواهد که در درگاه
و حقیقت، خود در دستان، نظر به در آیه ای این کتاب شرح داده شده. کلاماً تخلی است و خود در
که است بگویند را که شکل مسند ای را به همه احاطه کرده ولی به تقصیر مسند است که مسند
تقسیم شده (تورک، اروان، عوان)

نه ملوک جمعیت که تمام عادات و اخلاق، لباس، زبان، نهیبشان مشترک است
نمی توانند همه بر نزار شوند. علاوه بر ذل توکل است سخن می کنند که آنها را با زاری بر سر زاری
در بین ملایک در مشیت سازند، تا به نقد سخن می شنید که زبان اممادی خود حرف می شنید
می خوانند زبان آنها را طبع زبان در کلماتی با حکم آورفته، که تربیت ذل آنها خود را
می کنند تا به برانند آنها را طبع خود سازند، در خلاف آنها از حق راه، در همه طرف
خود را می شود در صورت مسند اعظم عبادت این دولت و در دین تواری استوار شده است

Digitized by Kurde de Paris

۷

امروزه عده آزاد معتمد شوروی مختلف راتن سینه به :

اسم محلت	جمعیت کل	عده آزاد	نسبت
رکته	۱۹۲۰۰۰۰۰	۴۰۰۰۰۰۰	% ۲۵
ایران	۱۵۰۰۰۰۰۰	۳۵۰۰۰۰۰	% ۲۳
عراق	۳۵۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰	% ۲۸

ملازمه ۲۵۰۰۰۰۰ نفوذ کوریه و ۱۹۰۰۰۰۰ نفوذ روسیه شوروی می کنند
 برای انشاء استقلال آزاد را در کرده باشند، با این جواب سینه به که نفوس کافی ندارند
 بدون نفت دول صاحب بازار و معنایه و موجودت نخواهند اند، اما صحت از جمعیت آزاد
 سینه به، عده آزاد شونده: فرض کنیم بی باقیهای دول اردو میانی که از کیم و چین صحتی دارند
 صحت ما از چه بیرون بگذرند، با این جمعیت ما از عراق و کوریه و لبنان و آن کشور
 مطلقاً رها و از آنها رها در خواهم بود.

اگر کم بودن تعداد سیاسی و اجتماعی آزاد را در مقابل تعدادی آنها ماضی و آری سینه به، مگر می کشم
 تمام خواننده گان، و خواننده اطلاعات را جمع کردن زمین ضعیف باشد، نخواهد دانست
 از چیزی که این «مانع» در نسبت آن بوجود می آید خود داری تا سینه به، بزرگواران لبنان و
 سوریه و عراق (که آزاد در نفس صحت این را می سرزند) می توان بر روی دولت ماضی را در آزاد
 حرکت سینه به نشان داد.

آیا عراق لقب و کوریه و ایران هر دو از انواع اقتصادی خود را بر آورد؟ اگر نظر از این است
 که در زمان ماضی صحت از خودی ماضی دولت نبود، قبول می کشم، ولی اگر نظر این است که منابع خودی
 کوریه و عراق صحت خود این را بر آورد را بیلند کرد مگر می کشم و استبدادیم:

در مثنی که دلالت شرقی کرده و حوضه حاصلخیز و در حدی که در کوه و کوه میوه های عراق و ایران را تمام
 معدنی آن اشغال شده، اگر کم زمین مثنی خواهد داشت اقتصاد خود را بر آورد، همچون سینه به
 بر مبنی و باطنی خواهم بود، در صورتیکه منابع خودی ما با این صورت در آن بوده در حال حاضر
 زمین های حاصلخیز ما بهترین زمین های عراق را اشغال می کنیم.

تقریباً است که ما در حالت اجتماعی و اقتصادی اولیه زمین می کشم، زیرا دولت ما با حکومت می کشد
 سینه به و نخواهد آمد راه شرقی را می بیند و در آن زمین می کشد که در آن ماضی ما خواهد آمد

« برای سزای و کشتن خودمانی که
مسئله اردو و جغرافیای هند است »

فصل اول - اراد در مساجد صلح

چون نصف بیشتر از اراد در کشور گرفته سالن اند به نتیجه باطلات خود را از این کشور خارج کرد
در عقیده خلیفه بنی الملق اول شروع شده و گفته که این عقیده از زمانه معاصر برای اراد برود ، اراد را خود
در جنبه مشرکی وارد او و در صد تبلیغات و آنترنگ خویشت با او چنین فهمیده که وطنه وطن برکی
آزادیت که رعایت درها که مشول بود بر اقامه بودند و انصافها که اعلا را تحریک می کردند ، بحقیقت
اراد روش دولتی و گاه دار و خجسته شدند . خلفه سلطان شد که خلا در حدود یک مملکت ایران را
بر جهان از دم تیغ که زاننده و در دول برای این که انصاف میبردانند قانونی انصاف کرده بود که
آن اراد را بدین آری خود کوچ رسیده و بواسطه تحلف مهندسان کرد ، مفاد این قانون به این
آن مملکت که حافظ بیان در سال ۱۸۳۸ انصاف کرده بودند که ۷۰۰۰۰۰ کرد در راه اردو منسلی
و سرما و بیخاری تلف شده بودند .

پس از صلح سردس امرای عربی تجزیه شده و دول عربی که از آن جدا شده بودند برای ولایت
بدول معتد رفاه داده اند .

اراد که فارانه در ۲۵ دسامبر ۱۹۱۹ مسموم ای انصاف کرده و تمام مسائل را به این حل کرده بودند
در سده نهمه خود شرف یافت ، تصانیف خود را بعنوان صلح رسانده بودند . مصلحت آن بود که در
دوم مه اوست ۱۹۲۵ بین تقاضای دولت انصاف شده بود ، در وقت سوم مه ۱۹۲۲ و ۶۴
انصاف شده با اراد پیدا که متن آن چنین است :

۱- مه ۱۹۲۲ - بمسئولین حرکت از خانه کان سر دولت عراق ، انگلیس ، ایتالیا ، فنلند
و در استانبول مقرر شده . بر طرف است در مدت شش ماه از این تاریخ بقیه این نامه بر طرف
مؤدیان محلی ، واصل اراد و اراد در ای اوست کرده همه در این مملکت . حدود این برای محلی
خواهد بود : از مشرق کویت : در جنوب حدود عراقی از مسلمان که این حدود بعد از این تعیین شود .
و در شمال حدود ترکیه و کوردستان عراق .

۲- ماده ۶۴ - اگر در مدت تعیین بعد از تاریخ این نامه ملت کرد که در مه ۱۹۲۲ حدودش مشخص شده

و تا مجموع ملل متفقین تمام به هم که اوست آنها نامه از ترکیه خواسته و مستقل باشند و همچنین از مجموع
ملل متفقین تعیین به هم که این عهد است تعیین استقلال را دارند ، دولت ترکیه از حال است
میگرد که با مجموع ملل اوست کرده و از تمام حقوق خود در برای نگه گرفته و بر طرف نامه
خویشات و اندازی حقوق ترکیه با اراد چنین معاهده خواهد بود این بین متفقین و ترکیه تعیین خواهد شد .

Kurde de Paris

از مشرق کویت تا اقصای شرق عراق
و جنوب حدود عراقی از مسلمان
و در شمال حدود ترکیه و کوردستان عراق

از واداری نامبرده نقل داشته باشند و در صورت ايجاب آن مجوزی نمی‌باشد از طرف مسئول برای
پروسی از اراد و لایحه بر وصل بدولت مستقل کرد ، عمل نخواهد آمد .»
الته به طوریکه در هر مسئله استقلال کردستان علت شناخته شده بود ولی تعدادی مشابه
بر آن موقع او نگذاشته شد .

مصطفی کمال پاشا که از همان اوان علم می‌تافت با این تصمیم متفق شده بود و وقتی شد
با یکی در اختلاف نظر ، بعد از دهمی در نوران در تاریخ ۲۳ ژوئن ۱۹۲۳ متفقین حاضر شدند
صل میان قومی که از ادبیت می‌تلفظ تجویز شده و دینی به ندرت کردستان مستقل در جمهوری
ارائه وجود خود می‌خواستند در آنست . سلامتند . سلامت یافت خواهد بود !

با اینهمه دولت بزرگ انصاف کننده که سرخوش بوده ام به ال ای زیبا و بی‌گناهی بود ، برای
رهائی از عذاب و حرمان ، در اموش نکردند که هر وقت کرم شماره ۴۴ ، ۳۷ ، ۴۴ آوا
تخص حفظ حقوق اقلیت و نماند .

آیا مصطفی کمال علاقه شدیدی به تعهدات دیگری داشت ؟ خواهش ... خواهش ...
لا ۳۸ - دولت ترکیه بعهده می‌گردد که حقوق تمام اقلیت را در ایران تأیید نماید و دینی
وزارتی ، دینی ، مراعات نموده و در دینی آزادی گوناگون است .

لا ۳۹ - دولت ترکیه بهیچ وجه حق ندارد بر این بچک از او ادوات کند و اجمع زبان و کلام
چون در کارهای تجاری ، چو در کارهای خصوصی ، چو در مسائل مذهبی و چو در امور اداری و ...
بلافاصله در اجابت ، محرومیت قابل شود .»
در «عم» «کامنه یاره» نام شده بود !

فصل دوم - وطن پرستی با تعصب ملی
العلاجه التاسع لعدد ۱۹۲۵

وقته باغ بنی المللی از بین رفت ، مصطفی کمال خواست مستأجران را ، بنحویکه سلطان عبدالمجید مستأجران
را با نقل ریاست آنها حل کرده بود ، فصل دهم ، زیرا امروزه کسی کول ظاهر «حفظ حقوق اقلیت»
را نمی‌گوید .

حزب اتحادیه مخالف انضامی خود از همان ۱۹۲۴ طرف زبون زبان کردی را قدغن کرده
و شخصیت های مشهور کرد و او منتظرانی را که بر او خواه آزادی دولت بودند تبعید نموده بود .
دینی چو در تمامه به بنیاد خود عکس العمل داشت . بدینصورت مسلمانان سیر و پستی سرنگ خاکی
دین قبیله جبران به آنکه یک سری افسران در او منتظران بوجود آمد . تاریخ انقلاب اجتماعی

Digitized by Kurde de Paris

که در میان برسد این دانش به لایحه برانگشت ، مردم بجزایات رسیده و گفته شده - دعات راطع
 حسن ، مزاج و اخواب ، زن ریخته رانده و تفکک قتل عام کرده - و کما فی مصطفی حال لغوی
 استقامت اراد را با جوش گری و خوارگی قتل عام کرده ، بقصد که ترکان سلطان عبدالحمید علی ابن
 بلاهت را بر بونانی ؟ - ارانیه ، مغزیه آدرده برود ، مصطفی حال قضات نظامی ، که نه آ
 لغضات استقلال مشهور شده ، برای کسی که بگردد آن درانه کرد ، که اراد را با محک نظامی
 محوس ، بقصد بجزایات کرده ، مدارا گفته . قضات نامروده با خورزی و خشکی نام کرده را
 بابت کرده ، مردم را بیگانه نمی گویند ، برای تاخر در او ای می اندازند ، برای بد استقامتی
 برای ادای صحت بیا ، هر چه در دار درانه کرده ، اگر حدیث قضات مسخر ای می کردند ، مصطفی
 حال با امر تمام آنها را تهدید می نمود ، به ترتیل بزجر ، صبر ، چه دار ، مصطفی حال و اولت

اسم خود را در ترکیه سر لوحه افتخارات سازد (صفحه ۲۴۹) «
 برای آینه خواننده آن از حیثیات این تمدن ، بمقوم اطلاعی داشته باشند ، از زور آمدن در تاریخ
 در کتابتین کرد (در صفحه ۵۲ در سال ۱۹۵۰ در مصر منتشر کرده است قتل میام :

اسم محل	دعات	فشار لایحه	جمعیت قتل عام شده
لیما	۳۰	۱۲۸۴	۶۴۷۰
در پینی	۵۴	۲۱۹۷	۱۳۵۷
اردو شین	۱۲۷	۱۴۵	۲۹۵
چایک چور	۱۱	۵۷۶	۳۵۰
نصیبین	۱۰	۴۴۰	۳۸۴
حبیب	۲۱	۹۰۵	۹۰۲
علین	۱۹	۷۹۰	۱۷۰۶
مسید یا	۶	۴۵۰	۶۱۳
باوین	۱۵	۵۴۸	۹۷۸
کروردان	۳	۷۲	۱۷۲
حسن کیف	۳	۱۳۸	۱۷۶
کلیج	۱۶	۶۴۳	۲۰۹۴
القیو	۱۳	۵۹۰	۱۰۹
دیار کرم	۹	(۱۳۸)	(۱۷۶)
جمع	۲۰۶	۸۷۵۸	۱۵۲۰۶

Institut kurde de paris

۱۴
از اسب سوال کردم بعد از این سخنان و با مال کردن حقوق مردم و همچنین عهدنامه توران در قیاسه
اوانه خود که در ۳۰ اردت ۱۹۳۵ در توران نشر شده است تحت اثر آن آمده بود (ص ۱۰۰ شماره ۴)
که متن آن از این قرار است:

« قوه اجرائیه از اسب سوال کردم نظر به این را چنان که در عهدنامه توران در قیاسه آمده است
لا برای آزادی خود قیام کرده اند اعمال بسیار در سلسله در باره آنهایی که میگویند شکرش در این مقام
« اینها را در عین رویت و اطمینان کرده و در سلسله مس دارد که اگر در اسب دولت از آنجا در خارج
« در در این ضمن عمل کاملاً تعریف هم با عین عینی قضایا غایب است که در این خصوص
تک تا گوشتی باقی و در این باره باقیست و خوبی به آنکه این امر از اداره مطبوعات کویا شده
در همان تاریخ حضرت امینوز تحت در وقت (در این مورد) در ضمن که باقی است اوضاع خط این
سوال بر بسته بود به سلسله تور را ابراد کرد:

« این تعلاتی که از هیچ سال با بیطرفی در لایحه شرفی گوید ما بر بسته و در سلسله است که در این سلسله در سلسله
لا در سلسله در سلسله و ای خود را از دست داده است... معنی است که در سلسله است که در سلسله
لا حقوق را در این آب و خاک داشته و هیچ فرد دیگری نخواهد توانست از این حقوق
« در این سلسله بود و در این راه این سلسله ما بر بسته تمام بود که بر طرف شده و این سلسله در سلسله
« این سلسله بود و در سلسله است که در سلسله است که در سلسله است که در سلسله است که در سلسله
در فرورداد که در وقت محمود است در سلسله است که در سلسله است که در سلسله است که در سلسله
در اردیبهشت ۱۹۳۵ در اردیبهشت ۱۹۳۵

« ما در سلسله کردیم از آزادی کامل برخوردار است زنی میگویم... سلسله است که در سلسله است که در سلسله
« در سلسله است که در سلسله است که در سلسله است که در سلسله است که در سلسله است که در سلسله
« که در سلسله است که در سلسله است که در سلسله است که در سلسله است که در سلسله است که در سلسله
« عبارت از این است که در سلسله است که در سلسله است که در سلسله است که در سلسله است که در سلسله
لا در سلسله است که در سلسله است که در سلسله است که در سلسله است که در سلسله است که در سلسله
« سلسله است که در سلسله است که در سلسله است که در سلسله است که در سلسله است که در سلسله

« معنی سلسله است که در سلسله است که در سلسله است که در سلسله است که در سلسله است که در سلسله
« در سلسله است که در سلسله است که در سلسله است که در سلسله است که در سلسله است که در سلسله
« سلسله است که در سلسله است که در سلسله است که در سلسله است که در سلسله است که در سلسله

این نامه است که در سلسله است که در سلسله است که در سلسله است که در سلسله است که در سلسله
« در سلسله است که در سلسله است که در سلسله است که در سلسله است که در سلسله است که در سلسله
« در سلسله است که در سلسله است که در سلسله است که در سلسله است که در سلسله است که در سلسله

Library of the
Musée de la Ville de Paris

مستطاب کرده و از آنها هموطنانی بطبع مجبور می‌تواند موجود آورد و تنها دست در راه چاره‌ای بود که آنها را از تحمل کوششانی خود برشته‌های آنادولی که بهر کوشش این ناحیه ترک بودند، کوچانند تا صدها در صدها نفر ندرت آنرا اطمینان حاصل کرد.

موجب قانونی در تاریخ ماه مه ۱۹۳۲ در اعلان شده بود که به هر منطقه تازه قابل سکونت تعیین شده که قسمت آن شامل اردستان می‌گشت، و قسمتهای کردستان کاملاً اعلام شده و نقل باوی، فرنگی، مسیسی، سون الجیش، و نظم، فداحق منبع الوردی تعیین شده بودند. اینها همهم قانون صادره را که راجع به کارهای مربوطه در اعلان می‌باشد:

- « این قانون بچگونگی مشخص اخلاقی برای قابل قابل نخواهد شد. تمام حقوقی که از طرف قابل تعیین شده»
- « حتی اگر این حقوق بشکل بدلالی و بهر آن رسمی ام باشد، ملحق می‌گردد. قدرت آنها در این جهت»
- « شیخ و خلاصه تمام تسهیلات قابل بهر جوانی، خواه نوزاد می‌تواند، خواه بزرگسال باشد»
- « ملحق می‌گردد. تمام مسکن و مالی که قبل از اعلان این قانون، به نواحی کوشانان، تحت تصرف رسوخ»
- « آمانان، بنگ و درودهای قابل بوده بنگ در این محوطه خواهد شد. این گونه مسکنی بین هموطنی»
- « در این صله احصای زمین خواهد داشت. بوسیله قوانین بعدی که از طرف قابل تعیین می‌گردد»
- « تعیین خواهد شد. و در واحد، با تصویب است فدراسیون را در که آمانان، زمین بنگ»
- « و شیخ قابل را که قبل از اعلان این قانون دارای این می‌بودند، در تعیین این من نظرون این»
- « و کوش را که در مسجرات ساکن اند، و بلافاصله این من را که نسبتاً وضع باوی تهری دارند، به نام»

- « جا داده‌های این منطقه نمره ۲، کوچ دیگر»
- « تسهیلات تسهیلاتی، در دیده، ناحیه، زندگی نمودن دست جمعی، کار دست جمعی در این منطقه»
- « ضایع، برای تمام این صله زبان و در زبان و کوش شیخ خواهد بود. و در واحد، تصویب»
- « قیمت و در این حق در تمام این تسهیلات و کوش را و کوشانند با کمال موجود است آنا قانوناً مشخص»
- « شده بوده حقوق سوزن، همگی با حق سکونت در دولت را ندارند و در شهر تمام بنام نمره آنا»
- « بهر آن، ۱۰۰ که شهر داری باشد»

آیا قانونی بدین استثنای که نیت دولت تمدن است، صبی دهری وجود دارد؟ در راه بلازه یا از راه وطنی تن و کوشه است و در این صورت چرا آنها را منطقه نمره ۲ کوچ می‌شود؟
طراکند آنها اطمینان استم در حال و کوشه که در این صورت باید دید به صدها نفر در آن کوشه؟
در کوشه که اینها ساکن داخل است و کوشه در حالت در آنها را ندارد پس چرا و صدها نفر در آن
برضه ندهای آلمانی و فاشیست های ژانلوانی بود چنان را در شورای ائت راه انداخته؟
آیا وظیفه و صدها نفر است که در مقابل نظم و انضاط با وضع کنونی کار باطلی نماند باشد و کوشانان
را در زیر خود خرد و گیرند علی العرف ن در ام

Library of the University of Paris

« چیتة » های سند رضا در رسم (۱۹۳۷)

مسوودها علیه قانون تبعه مذکور در کورستان ایجاد کرده بود ، دولت وقت را مجبور کرد که این نامه
چنین را بپذیرد که تعداد قانون نامبرده در عرض ده سال آینده احوال خواهد شد . معاهده الحیدرآباد در سال ۱۹۳۴
در سال ۱۹۳۴ در آنکارا دولین توافق نظر حاصل کردند که دولت ایران سرحدات خود را بر روی اکراد
فزاری بنده ، پس که از دول عراق و کردستان قطع در این وقت گرفت و در این وقت که فرمان امر مجتهد
شورایه . کنگران بیت فرمانده قوای دیار کرد در محل جریخ مجتهد وقت خود را داشت ، اکراد که به هم تراز
و از طرف نیروی هوایی استیج اوزر (اوت ۱۹۳۴) کبیر دمان شدند .

وزیرانہ العالی صیاب داماد در ۱۹ اوت ۱۹۳۴ در این باره چنین است :

« در کورستان انقلابی ، علی رغم ادعای بعضی از فرماندهان ، وجود ندارد ، و اگر چنین چیزی میبود ، وقت نه دروغ میگویند
« است که اکراد در مقابل قوای دولتی که میخواستند آنها را از وطن مادرشان لطاف خوب بگویند ، از خودشان بگریزند »
الفیسترون واضح بر توجیح رسم چنین نوشت :

« در تاریخ ۱۹۳۷ قانون جدیدی در تقسیم است و استلاکی ، تصویب شد که در این تقسیم عظمی در رسم شد »
« محل نامبرده علی رغم آنکه زیاد مسکنت گزین ، با تاریخ ، در یکدیگر از اختلافات بر علیه دولت شرکت نموده بود . »
« قوای عظمی هیچ ادوی شده در زمانه ۱۹۳۷ عملیات بر علیه « باغیان » شروع گشت . وزیر داخله وقت صلاح شد
« در این وقت که اکراد اظهار داشتند : که این سند در وجود دارد و « در زمان فتح » در نتیجه استیصال از دستمان شده اند »
« در نظر این دولت شرکتی نیست با اکراد که آنها را « وقت های کوه نشین » میخوانند ، این بوده و نظام چنین است . »
« در نظر این دولت شرکتی در زمان فتح ، بود و مرسوم .

فقط صحبت امروز در ۱۴ ژوئن ۱۹۳۷ در مجلس ملی برای تصویب نامه روز پنجشنبه با جان سنی و با کلمه ای که در این آن
از قضایای رسم و توجیح خود کرده ، دلیل بر اینست و بیفت می نمود دولت وقت که برای « دستک » اکراد است
همه است که من تصور از قسمتهای کورستان در زمانه قانون در ۸ اوت ۱۹۳۴ تحت عنوان « دولت در حال سقوط » نوشته
« در تاریخ ۱۷ . این سند به صورت طراف از آنکارا نوشته شده و دارای روحی است بیاد شده ، لطیفی با کلمه ای که اکراد
این خط مکرر شده در طرف با کلمه دولتی را نه است است :

« پیام بر طلب ، موضوع « اختلافات » ، « طاعت بی شکایات » ، که در اصل نامه که با کلمه ای شروع ، عده « قانون »
« که آن سند را می خواستند از منته . »

« بر همه سعوات ما در باره نامه ای از اکراد سخن باشد خدا بدیدیم که آنها نسبت به این اجماع عقب افتاده بوده است
« فخر و التوا و در هر دو ، آهیلان در یک جا ، و شیخ زنده می گویند . »
« برای بزرگ کردن ارتش در همین این قبیل نامه های استیج ، که که در این باره در روزنامه ، دولت وقت را به اطلاع می رساند . »

فرستاده نقد برالده ساقی و بعد نمودن طبقی را که میخواهد البته سلفین برآورد. امری طبیعی است.....
آیا در ظاهر نالبت بگوید که این «صفت های عظیم در حق» که فرستاده بگویند در صورتیکه آنگاه را بجزر مکتبه ملک
خود را بگویند تا به چه دردی ظاهر خورد ؟

فرستاده بعد از «توقن های متعددی» که مملو از تبعیه شده است تا آنکه خود وین خود را در اوج
توقن از چهره دار های او رسم که بگویند «فرستی به بعد از این که جای می آید در دیار او که بگویند» که حق مسلم
نه خیر! آقای کمرتان مرد ترک و بجزنی عفت و در حقیقت همان ادرال کبریت نامه ؟
دین از خانه نسیب انداخته بپیر بپوش فریم «از خوبی بخواهم بفرستاده کرده بشم به بوم مکتبه او فرستاده
پلیس بوده است» در انصورت دولت ترکه تنها دولت خواه بود که برای از بین بردن
چیزها ازین بعضی اندیشه تصور اندازم فرستاده بجزر خود خواهی عفت ای مثل نامه
حال خواننده مان آرزوی که ترکه را از گزری دور است و حق فرستاده و با ف. بازران هم دارند
و در باره جمهوری ترکه بگویند «جمهوریت در عالمی هر چه خود»

فصل پنجم - وحشی نسبت ؟

آقای ف. بازران نقلی را حاصل دست دارد که در باب «جمهوریت در عالمی هر چه خود» ملاحظه
فرموده : بعد از تمام این بی حیایات اگراد با نظر وحشی مانند
این است که وظیف بود برآه از روی «عجیب کردن» بردارد، حتی آنچه خواننده از کتابی از
ملاقات کرده که بنام کرده اجاره ورود در منزل خود را داده اند. دولت که بجا است و حق
بجا می آید که پس از جوانان محبوب را با او برآه نموده که در این بی نظمی منع الوردی که در کتاب
نامه طالب و حق ملی در این بی نظمی منع الوردی «دارد هر دو که بود» جمهوری در عالمی هر چه خود» نقلی
از این ترکه و از این ترسیم آن محسوس شده باشد.
مشکل است که در این راه باوری و نه، اشرفان سرور، باور که می آید نامه ای از مجلس خواستار
ولی زردی بدوی که از این همه اراده است ظاهر رسیده و در آنجا بگوید خودش :
«افزود جوانی سن ۲۵ ساله و قد و مظهر، با وضوحی غیر عینی از صفت های عظیم را در این مکتبه
با انصاف و عفت مرام است.»

این افسر را بنام وحشی خوانده - اده - است خیر!

کتابت اعدا «دست کم همان یک شیخ از مکتبه جدیدیه را بجا است دارد» آقای بازران
سختی قدیمی بوده از برابری خواهی عفت ای که بگوید خودش :
«فکر مکتب به آفرین عفت ای اراده باشد» شده است.

Digitized by Kurde de Paris

«توجه می‌دهم در اینجا قضایای را که در این دو بخش در روزهای بزرگ از زبان این دانشمند نقل می‌کنم»
 «از این سخن است در خانه‌های این دو بخش نامه و لیستی از شاخه‌های این علم که در وقت ۲۲
 «در گذشته ترک را با خط آوریم و بدانند که این قضایا، منتهی در محلی که می‌خواهد و از این سخن ۲۲
 «در اینجا می‌نویسد»

این قضایا نظر قضایا عادلانه است که از زده سال قبل لیتوانی نقل می‌شود و در
 در کتاب مشهور خود «فرهنگ زبان از ۱۹۱۷ تا ۱۹۲۰» الفونز بریس ۱۹۲۱ صفحه ۲۳۱
 نموده و گفته بود «این قضایای نقل و عادت و ایجاد قطعی که در سال ۱۹۲۹ نگه داشته»
 «توگ» را یکی از بخش‌های زبان در تاریخ تشریح شده است که در ۲۲
 با انواع و اقسام کلماتی از زبان را که از نا اهلان منطقه، گفت و گو می‌کنند از وقت این
 معمول است در محلی که می‌گویند و گویند می‌خواهند که توون «طالاری»
 نقل می‌شود، صنایع دستی ملی در گذشته جمع شده، از هر دو رأس نزدیکان کرد
 که را به گونه گفت به اهل محلی از دستش بگیرند

گرمایان در صفحه ۲۲۴ کتاب خود اظهار کرده بود که «در مقام عادت برای هر اهل منطقه»
 «من بی‌گناه، تقریباً با وجهت چشم آنست»؟
 کتابی خوب درباره خواننده می‌تواند به دست هر یک از سال بدون دیدن حاصل شدن در آنجا بیاید
 و می‌تواند بعضی فراموشی خود این استخوان خود را از زبان
 باید گفت که این افراد بسیار و «توگ» می‌دانند که می‌تواند «استه
 در این قضایا نقل می‌شود که اگر از اسباب لیتوانی در روزنامه لیتوانی پست در ۱۱ آوریل

۱۹۴۶ نقل می‌شود که
 معمولاً کلمه کرد از این سخن می‌رفت و گفته بود یکی از سخن این است که در سخن
 در یک آدرس شده «توون» از «صنایع کردی» نقل کرده و از این سخن می‌گوید
 و سخن آن و دلیل از این قضایا احاطت در دانش، که من برای ایند اعانی نموده باشم، این سخن
 و احاطت را اینجا می‌نویسم، اطلاعاتی در باره افراد دیگر با من می‌گوید :

«تا آنجا که ما بخواهیم اطلاع داریم نه در عراق و نه در ایران در میان کرده‌ها گفته شده»
 «شخصی در این قضایا هیچ نقلی خبر نشده و چون به اردو» «این در مملکت است که با هم کرد»
 «معروف است گفت کوچ کرده و بر آنکه ای می‌تواند که با محلی با افرادی بوده و در عراق و ایران می‌تواند»
 «آدم در وقت مکتوبه ۱۰ آنچه مکتوبه با در بر داشته، در مملکت با این اهل کردی، خواه کوچ کرده»

Kurde de Paris
 Digitized by Kurde de Paris

در حدیثی که نقل شده است:

« در مقابل بعضی از سلفان و در خواستهای نامشروع یک دولت فارسی، دولت متقابل درک »
« حقیقت مطلب از طرف چینیان، حتی لحظه ای نزدیک خود راه نبرده ام. »
باید جواب داد که رفیق منم بر حسابش و قصاصت عجز من صبی خود دارد! او این طرز رفتار
از شما ترک نماید پس چه است!

پس از آنکه روزنامه راسی اولوس در ۱۸ مه صبح اخبار عیبه مکتوب:

« آیا در مورد کرانه برای که کار مکنه؟ - واضح است که برای ترک عیبه است نسبت به در کرانه »

« بعینه دردی دیگری نیست » و چه بجای بود که نویسنده جواب بیاورد:

و اما عقب بر عهد و پیمانان؟ خیال مکنه که اینها خیرت بزرگی نیستند!

باید بگویم که در اوایل روز من سران در روزگات طاعتی در دیار من با افراد عمل آورده

آنها گفته بودند که قرب در کرانه طرفدار بر میزدن دیگران و اصلاح تمام تصرفات است

که در روز ظهوری بزرگ در باره افراد مکتوب شده

ایا این صراحتی است حق بوده؟ آیا فقط یک یا نور آسمانی بوده؟ آینه نشان خاتم دارد

قبل از آنکه بنی فضل خاتم درم میگویم چه کمه ای که تبه خوانندگان از آن مطلع نباشند، این ختم

وقتی ضیاء شده الحوری یعنی چهره لیلان با نقاشی اسبوت کرد از طرف آنکه در دفع حور

سوز، اسکندر و آنتونیس، نظریه ای دریافت کرد که عین آن در روزنامه های عربی را ما

مستتر است و در ضمن آن کتب این فواصی از دولت ترک که شگفتی کرده و گفته بودند در صورت

ترک به اطلاع میبرد که آنها زبان عربی حرف نمیزنند و بجایه دولت ترک می گوید که آنها را ترک کرده

و در ضمن کتب عربی و است بر این است و معانی ای تعلیم که ای مردم بیدار برای اطلاع بختی

(در برای اطلاع بخوبی لایوسه پس بجز من) منظره صبر کرده! و چرا چیزی در باره

« ترک های فراوان مکنه » خطا و « زبان عجیب و غریب » « در زبان محلاتی » ترک

که خود تمام لغات علمی و فلسفی خلاصه تمام نشانه های تمدن خود را از آن زبان بخارید

گفته اند، عین نوشت ؟

Digitized by Kurde de Paris

«ما نمیدانیم که این بیماری در کجای است»
«در این کتاب در این باب نوشته»

فصل اول - تب در این بیماری

از قبل نوشته بودم که در این بیماری تب در این حالت است

عوان که خواننده را با این بیماری مطلع کند، باید بداند که این تب در این حالت است و در این موارد «فصل است»
این تب در بابلون، اور، صده، دهل، زانت، بین النهرین، تمام این اقسام، بجز آنهایی که علامت
بیماری هم دارند، است.

گفته بودم که این تب در این حالت است که بعد از جنگ بین الملل ۱۹۱۸ از دولت روسیه عیناً صادر شده است.
این تب در این حالت است که در این موارد تب در این حالت است، در سال ۱۹۳۱ در این
استقلال این تب در این حالت است که در این موارد تب در این حالت است، در سال ۱۹۳۱ در این
دولت حکومت کند، در این تب در این حالت است که در این موارد تب در این حالت است که از سال
تبدیل به تب در این حالت است. در این تب در این حالت است که در این موارد تب در این حالت است
تب در این حالت است که در این موارد تب در این حالت است که در این موارد تب در این حالت است
تب در این حالت است که در این موارد تب در این حالت است که در این موارد تب در این حالت است

تب در این حالت است که در این موارد تب در این حالت است که در این موارد تب در این حالت است
تب در این حالت است که در این موارد تب در این حالت است که در این موارد تب در این حالت است
تب در این حالت است که در این موارد تب در این حالت است که در این موارد تب در این حالت است
تب در این حالت است که در این موارد تب در این حالت است که در این موارد تب در این حالت است
تب در این حالت است که در این موارد تب در این حالت است که در این موارد تب در این حالت است
تب در این حالت است که در این موارد تب در این حالت است که در این موارد تب در این حالت است

تب در این حالت است که در این موارد تب در این حالت است که در این موارد تب در این حالت است
تب در این حالت است که در این موارد تب در این حالت است که در این موارد تب در این حالت است
تب در این حالت است که در این موارد تب در این حالت است که در این موارد تب در این حالت است
تب در این حالت است که در این موارد تب در این حالت است که در این موارد تب در این حالت است
تب در این حالت است که در این موارد تب در این حالت است که در این موارد تب در این حالت است
تب در این حالت است که در این موارد تب در این حالت است که در این موارد تب در این حالت است

Kurde de Paris

در زیر قفسه را که آ. و ملوک در وقت فریب خوردن از آنجا فرار کردند (۱۹۱۷ تا ۱۹۲۰) خود در آنجا پنهان شدند و قفسه را
 «لا فخر و حرمت و عیبی برای اعلیت کسی آید که تهنیت شده و با برادرزاده و عیال نزدیکت ولی و حرمتت»
 «در استقلال عراق بی چینی نظر میسر شد، زیرا این ملک نه از دست خوفاقی است، نه از دست اقصاوی»
 «دیده از بی نظری و عدالتی ندارد، بدینجهت من بخواهم طلبی در نظر من حق نیست گرفته و خودت می بینی»
 «لایحه و تقاضای بدون دریافت کفایت کسی مادی که در اصل غیر قابل قبول نظر می آید، و چون ۳۰۰۰»
 «دستور و صل از تراویب بیست و ۵ آنها را آزاد و ۱/۸ سکه آنها مسیحی در نوبت با کفایت»
 «در همین وقت و علی رغم اینکه سران قابل قبول هیچ وجهی برای برآوردن مسیحا ندارند، مگر این پیشنهاد خواهد شد»
 «که تحت اقتدار یک دولت فاسق و زورگویی کند»

با اینها اینها تنها خانواده سلطنتی از اعراب است بلکه بهترین رجال دولتی هم از اعرابند که البته
 بر عهده مستقیم و ارادگی میمانند.
 بهیچ وجهی چنین غریبی بودن اوضاع سبب جوار خفا و بیسیاسی زیادی خواهد شد و نیز در عین حال
 برای سیرت و از احکام دولتی برای ارباب و شورش کنندگان شکل خواهد داد.
 و آنچه روی منجم چه در حد تاریخ و در ایام عراق (۱۹۳۳-۴۰) تألیف آید که از آنجا
 قرار دارد، در حقیقت یکی از درازایا با هم سعدون خودکشی کند، صبی دوری از ایدیم که در حقیقت
 را مقبول بین اقلیت مردم در عراق التیوی خودکشی کرده اند، در مساعدا اجتماع کسی برایشه
 در در سنجار انقلاب میمانند، آسوری و راد در سمل قتل میمانند، از آن در سمل جنبش
 افتاده اند، ایجاد اعراب بدوی و مسیحا برای حقوق کردن بین اقلیت، خلاصه ارتش
 بیست و حال دولت است و حکام نظامی فاعلی ندارند، عده از وی قابل که تحت نظر اند
 و در برای این که بعبه شده و یا در حال فرماندهی خود می ندارند.
 آری عراق و اعراب است ولی البته «همین در سینه شکر» و از اعراب را که در
 جامعه ملل مضطرب است، نگاه کنیم، خواهیم دید که اغلب کسی از این عدول کرده شده است.

فصل دهم - اقلیت و اراد.

خلاصه آنچه در پیش وضع از اراد در این جهت عراق میبرایم اعراب میخوانم چنانچه عده ای در باره روابط
 اقلیت و اراد بنویسم.
 تعداد اقلیت در عراق در حدود ۱۰ درصد است و در میان اعراب و اقلیت با اراد سردار داشته اند بسیار است
 و من میخوانم در سنجار و در آنجا اسم بهم ولی که نیست که بگویم بیشتر از طریق بعضی
 که در گذشته، وقتی شده و سردار است که از بیخ و با وضع دولت نه ای کمبود در احوال ندارند.

Digitalized by Kurde de Paris

این اشخاص، خواه سیاسی، خواه اداری کننده، خواه فلسفی، خواه علمی شخصی
 همه در هم وظائف خود را بخود را میجویم که در کردستان انگ گرفته، عملی نیست که در
 تمام این دستجات مآذ در جوان دوره (۱۹۲۳) که در سال ۱۹۰۲ میلادی آمده و زبان
 فارسی و لهجه‌های مختلف کوردی آشنائی کامل داشته است. مآذ در دوره ۱۹۰۶
 بنویس شده در آیه. و اسم خود را بنویس اعلامی سر از بی مبهل کرده و به سر عراق و اردلان
 با زهد در های شخصی گفته بود. در سال ۱۹۱۲ خاطرات سفر خود را که قبول سر از اول
 و ملون (ص ۸۲ کتاب فردوسی) در اسلمه «مکتوبی در بیان سیرت و نظریات او»
 مختلف دایره تلف ادبی «فروانی» بود و خود تشریح ادبی که در اجماع و به تشریح
 لغات کرده در آیه. و نیز ترجمه کلماتی زبان کوردی نموده و معانی آن را داده و بلاغ و کوری
 زبان کورد از وی بیاد مانده است. تا آنکه در دوره در کوردی از او که فقط از سبب حضور او
 داشته، عملی بزرگ بوده زیرا به از «احسان» خود علی و تشریح اشعار کرده
 کمال قبول هم که در کارهای ایران تخصص داشته. دل بزرگی در کردستان بازی کرده.
 کاپیتان های در خوا. اربیل، و لیس در طلب، و جاردنی در دولت، و بلاغ
 کلمات در سینه بجزئیات دانسته که «مردان کار»
 بعد از زمان دهکدهای مختلف، تو-ر-در-ر-ر، کاپیتان موفور، کمال-ت-ج-ار-ر-ر-ر-ر
 مآذ در ملون، کمال الفیضون در صحنه مدیریت پیدا شده و در کلام نیز خود را می بینیم و در آیه
 در وقت این اشخاص فلسفی سر از لاندی، اسم-صاحبون را بنویس و او را که کتاب
 «راه» سر کردنی «اسم که برای او این بار در ۱۹۲۷ و پنجمین بار در ۱۹۴۵
 نه در اربیل صادر است. فلسفی نامیده در سقون راه اربیل-رعبت که از
 روانه در کلام و اسلمه بی بی است کردستان و شمال ایران را تشکیل میدهد. شرکت کرده
 و در کتاب خود با تمام اسم از سقون این راه در بیان سیرت او (احتمالاً در آیه)
 زیاد بحث کرده است
 بعضی از این اشخاص لایه در کتب بی بی خود از زبانی خود زبانی بنی الازاد، یادداشتی
 دارند. بعضی در از الفیض، مخصوصاً در وضع اشغال کردستان، جان خود را در این راه
 فدا کرده اند.
 اشخاصی که از راه حفظ از قضای لایه‌های ترجمه و تحلیلی و غیره میباشند و حتی
 نه عراق هم اظهار ندارند. از آنها در صحبت آمده این کتاب فصلی است خواهم کرد

Kurde de Paris
 Digitized by Kurde de Paris

فصل سوم - برای تابعیت امر فصل به شیخ محمود؟

بسیار از خفا خفت تقصیر تقصیر زنده بود که امر ایرانی عثمانی و آنچه بنامه وطن صمیمه و کسب می شود
و ماه مه ۱۹۱۵ تقسیم عثمانی را تسلیم کرده بودند و در آن سال که استهلاکات غیر رسمی که در ۲۹
فروردین ۱۹۱۶ پیش آمده بود که مساعده این تقسیم بودند - بلافاصله در ضمن یادداشتی که در ۲۶
آوریل همان سال بمقتضای فرستادن شرط واگهاری مناطق کردستان خوب وان ، و طبع
برای ، بر اقصای خود را به صمیمه نام برده اظهار داشته

بهیات که تمام این فرضیه ای پیش نبود و نزدی بدین اقلاب با ترمیم با شروع خود
روسیه تمام کارها را از تون صادر ، این اقلاب باعث شد که بسیاری از مسلمانان
که تا آنروز در خواب غفلت بودند بیدار شده و تغییرات بزرگی در عقیده سیاسی خود بینیم
استاد اعلامیه بالفور که در ۹ نوامبر ۱۹۱۷ که طبعین را به یهودیان اختصاص می داد
مقتضی است ، همین اعلامیه انگلیسی در هشتم نوامبر ۱۹۱۸ از طرف فرانسه و انگلیس
منتشر شده که در ضمن آن اظهارات زیر شده بود:

« آزادی کامل و دائمی ملتها باید از منتهی قدیم تحت تصرف و ترمیم بوده و تسلیل صورتها
« ملی و ادارات محلی که قبایل ملت و از بین آنها است بخواهند ، منظور این دولتین است
تمام این اعلامیه علاوه بر تک در کردستان طبعین انداخته شد

هفتم ماه مه ۱۹۱۸ قانون انگلیس کرکوت را استنساخ کرد ، روشی بیادندگی و زنده سازی
مسئله از انگلیس دعوت نموده و گفته که ما در نظر داریم ، برایتان شیخ محمود از یمنی
که در ضمن عمل خود را مانند انگلیس معرفی نموده ، تحت برجم براتر ، انگلیس حکومتهای
بسیارند ، تحت نفوذ آن که شهر هجوم آورده و آنها با اقلاب بقیایع گوناگون پس گرفته بودند
انگلیس خود را از کسب و تا موقع صلح بیگانی که در امر بیان سال اتفاق افتاد ، قضیه را
دنیال کردند - در میان فرجه بود که کمال فوکل برای بررسی اوضاع محلات کردستان
اقدام شده ، کمال نامبرده از طرف امپراتور روسیه ، سران و له وطن اقتدارت کافی دارنده بود
شیخ محمود و طبعین نامبرده و به بنظر این افراد جای کوفت و اعجاب را در ادارات
استعمال کرده و با قدرت فائوری بر بنیادینی مسئول حل و فصل کارها شدند
در اول و دوم شیخ محمود محلات و طبعین رفته و در وقت زور را که با بعضی بیس از جمله

از روزی قبایل روسیه بود نامبرده ارائه داد:
« در تعقیب تقسیم منطقه از طرف دولت سابق بی بر بنیادینی بر ، واقع با آزادی ملت می کردیم

British Library - Kurde de Paris

« از تحت فشار توت و قول و معادسی که برای برکد استقلال آنها داده شده، ما کورس »
 « عاینه مان ملت کرد، از دولت تقاضای تقسیم که در احوال صحت خود کرده و لغو آن عملی ندارد »
 « که در نتیجه ما از بیخ این التیق بی بهره نمانیم، در حالی که کلمه رسول بنی الهی تقاضای تقسیم کردیم که »
 « عاینه ای با اقتضایات لازم بکرومان اعزام دارد که در نتیجه ملت کرد از در احوال آن برآید »
 « تدبیری وارد راه ترقی شود. اگر دولت دست درسی در صحت لطف دارد از کفر ممانعت »
 « خواهش شد از امر و نظریات او را قبول نمانیم »

در ضمن یک اعلامیه رسمی و مطبوع اعلام داده بود که تمام قبایل بین زاب بزرگ و دیناله
 (صعبا بستهای قبایل ایران) تحت اختیار شیخ قرار خواهند گرفت، البته این امر
 باعث لغو بار ضایعی که در زاب و کورس و کورس شده بود ولی در ادا و در سایر بر اسیطه استوار
 مابین قتل قتل در روانه زاب، خواه را بنیاد کرده اند.

در روز ۱۹۱۹ به استقلال کردستان ادامه داده شد و پس از ویب در احوال دولت، اما در
 استقلال شده و مطبوع مطبوع، ولی شیخ محمود خلیل بن از آنها تقاضای تقسیم، تا برده خلیل
 بی دولت، با صورت و خود می روی را که تحت حمایت بر بنیاد شده، در سر بر داشته، این طو
 شیخ قایل تقاضای تقسیم زاب را که: « از این عمل قایل اجابت است، تقسیم بی حکومت عربی در کورس »
 در لقمه بسیار سهل و آسان خواهد شد» (صفحه ۱۳۵)

از طرف دیگر تقسیم یک دولت مستقل از تحت حمایت بر بنیاد تا زاب نه است، در روز ۱۹۱۸
 ۱۹۱۸ مکه از رودسی مکی در سا و جلاخ (همسایر کورس) بمطرح و اسطه برون بی دولت
 از آن در احوال، نظر مشهور فوق را، به لیتوان قتل لیتوان کرده بود، وزیر در کورس
 سال ۱۹۱۸ مکه از رودسی مکی در سا و جلاخ (همسایر کورس) بمطرح و اسطه برون بی دولت
 خلاصه شیخ محمود خلیل را آنی که تحت آورده بود تقاضای تقسیم از احوال تقسیم و زاب تقسیم
 حاشی خود را طعنه خود را ضعیف ممانعت

فقط که برای سرش با بر سرش خود در اتوک کرده و لغو آن را حاشی خود تقسیم کرده بود
 در ضمن معاشرت، مردم، مردم تغییرات جدیدی را حاشی خود، اما شیخ از این کار ناظر بودیم؟
 بر صورت در ۲۲ مه ۱۹۱۹ مکه سه صد نفر از فرمای خود در نای ایران وارد احوال
 شده و به دستور شیخ به سلیمانیه حمل کرده و قتل گزینی و کورس را که عاینه لغو آن بود
 دستگیر کردند و در انجمن خود کرد که شیخ محمود خود را است، کردستان اعلام کرد.

این لقمه در زاب مکی بود، به جهت دولت بر بنیاد تقسیم گرفت که قوای قشون اعزام کرد
 ۱۷ اردیبهشت قزوین قزوین زاب، قوای خود شیخ محمود که در درنده باز میان تقویت گرفته بود

Kurde de paris

حکومت در ۱۸ ترمین شیخ در ضمن حکمت زعمی و اسیر شده به بنو قریظ اقلیس فرستاده بود
 بعد در دستهای آنها نشوند برای قطع صلح گفت «دانشمندان» و گفته در کوفه بنام قریظ نشسته
 وقت صرف شده و شیخ خود را که بنیاد اعزام کرده بودند محکوم گشت کردند که بعد اعلت اینست
 با فرمان اسیر اقلیس رفتند و اسیر شده ای کرده بود مورد عفو واقع شده و بعد از آن به کوفه
 اینده بنی اقلیس در ضمن بگردان که بطریق فرستاده بود از آن راه نرالی آمده بود که :
 «اما هر وقت که در وقت فعلی ما نمایندگان سیاسی خود را که گفته و اگر اراد کردی که»
 «خود آزاد نگه دارید» حق الحقیقه و صفت در سال حنی در خان نبود در ماه مارس
 کابینن بیرون را گور آنها در داخل قتل رسانیده در ۱۴ اردیبهشت کابینن در ملی
 در آماندا مقبول شده بود و این جریان است بحکم است که سرتوهای صدها بی بی به انار
 و سوادری اعزام و بر روی محرم را مجازات نمایند
 معنی اذیتون نظریات خود را به طریقی ابراز میورد :

«حوادث اخیر در عرصه من را چه تحقیق نیست دولت استیف است که در تمام ماه به اطلاع تمام»
 «در همه در باره دولتهای خودتخیر کرد و بیگانه تعبیری نداده است ولی لازم است»
 «این کنترل صحیح بودی احتیاج است مکتب و لغات فوق الجیس فعلی است بعینه من این نرالی»
 «در ناخوشی است که اهمیت فوق الجیس و خواصاتی را تصدیق دارد بیاید شده به یاد کرد»
 «با بداضانه کنم که مردم این ناحیه عواقب دارند که از زمینها بیعت عمده است است»
 «مطلبی بزرگ است تا به حدی استفاده نمایند در این امر کرد که سلبانیه مرکز قریظ است»
 «در وقت چشم و دارای خطای مقدر است صفحه ۱۹۹»

معنی اقلیس اینست با چنین یاد داشت بیان رسد در ماه اسیر انای بیلی که برای
 آتش دادن در کوفه بسیار با کوا مردم در اول فروردین موقع عبور از زاب در
 کینقاس که اگر در کوفه بوده بعد افتاده و کشته شود و بسیار به در زانی از اراد
 عادت مکنند و حایقین گرفت از بنامش برای خواندن قصه محفل عادت رفته و در آن
 رساندن بیگانه آمیس به قاسی و منزل روستا را آتش زدند
 سپس اقلیس کردستان مسالی را با کله آتش و زنجیر در دانه در کوفه بنامینه
 و ملوک در کوفه در ۱۵ اردیبهشت خود چنین نگریه :
 «لا من در امید شکیه حکوم از اعاب را که سنی در آن اقلیت دانسته بنامه قول است»
 «در ترمین دارم ولی مطمئن که اگر از بیخود چنین درستی را نخواهند پذیرفت»
 «در ترمین حکومتهای کرد ام در این وقت مخصوص نظریات غیر من است»

Digitalized by Kurde de Paris

« حدود سالی عراق تعیین نمود، ما نیز اینم بر روی الارض خط موی می لازم داده و آنرا را »

« داده بنویسند سیاست خود تا سیم . صفحه ۳۱۴ »

۱۱ مارس ۱۹۳۵ فصل پادشاهی سوریه و داماس و عمده ای با دولت عراق مصوب نموده

اول ماه مه بر روی بنای کبریا به طریقی در عراق و دولت فرانسه است سوریه را قبول نمایند

در ترمین و در طبرستان و در حقیقت بر مصلحت و در آن وقت و در آن زمان که در ملاحظه نموده

در تمام گزارشات و در ما بنامه از اردو در حال ارتش بوده در مکتوبه تقاضای نموده که در آنجا

لازم آید . صحیح بوده است . صفحه ۲۵۹ .

فصل که در سوریه از طرف انگلیس و ترکیه میسر از آن عمل را در مکتوبه باره اقرار کرده

با جزایری که تحت تصرف است و در آنجا با تمام محلی بفضول نموده و در تعیین آن هم در آن

شرف را در می سارون شکست داده و شهرهای داماس و حلب را تسخیر کرده و در

توسط در ۲۵ ژوئیه فصل را که با تمام دستها و اش را در آنجا داده بود صلاح نمایند

در ۱۸ اوت بمکه نامه نمود که حق استقلال از اردو را بوسیله تسخیر و الحاق از اردو

عراق را بدولت مستقل نمود پس بین بنیاد ، بسته نمود (در فصل اول وقت دوم این کتاب در آنجا)

زودی انقلاب شروع نمود . ۱۲ اوت کما بین های سوریه و واقع شده و در سوریه

گرفت مجبور نمود خوا را ترک کند . در تمام مکتوبه خود نوشته اند و آنچه افندی در او

تصاریف و این است گرفته و در مکتوبه بنام سوریه که برای خوانندگان کشورش در قبول

تسلیمات سوشل به دست شرط حاضرند :

« اولاً قول دهم که در آن وقت اعانه دولت فرانسه در آنجا و اعوانه با از اردو »

« ثانیاً قول دهم که در آن وقت قوای نظارت نه ادان این صفت که انگلیس نمود »

« قوی سوشل با بر مصل اعرام دارد . صفحه ۲۸۷ تا ۲۸۸ »

و مکتوبه در آنجا خود میسر که چه جوابی به بنی تقاضا داد ؟ ولی اظهار می کرد که :

قوای ما در ۱۴ سپتامبر رسیده و در آنجا خوشحالی با در تیرانه های ما شده است .

در سلیمانه از ارباب و خود سوان از ارتش بر قرار بود . در اواسط سپتامبر ، در ارا

سوریه قیام کرده و مصلحت را که برای بهایی آسودگی تخصص داده شده بود نمود

قرار دادند ، ولی شکست خورده بنامه دارد آنکه که عمده تلفات آن بمکه از تمام

بهایی شده که نهران بنامه و در ۵ اعرامی در جریان ۲۰۵۴ - ۱۹۱۹ تا

وارد آورده بودند . (صفحه ۲۹۱)

در مکتوبه برای رفتن بجمع فارسی عراق ترک بنامه و اینه که سر بر روی کوشش عالی

Library of the University of Kurde de paris

موسسین بودند که صفای بیانی با آزاد سردار داشته باشند و می در «آزادش او باره»
 در اداره عراق از اکتبر ۱۹۲۵ تا مارس ۱۹۲۲ راجع به آزاد و جنرال نظامی مکتب :
 « نقشه اندک عراق را به ده لوار ۳۵۵ قدم و ۸۵ تا صدم تقسیم نمود ، تبه دور ۱۲۲ متری »
 « ۱۹۲۵ تقسیم کرد ، من بیستانی خود را از این طریق تقسیم ، جز در مناطق آرزویی ، »
 « بیان کردم ، مجلس محدود می شد ، هر که می خواست خود بگوید آورده ، از این گران بود و بیست »
 « مستند کرد ، اصل ستر سالن عراق تعلق نمود ، »

شخص نامبرده راجع به قانون اساسی و آزادیش خون چینی ادعا می کرد :
 « نقشه مذکور در باره حقوق و امتیازات محسوب می شد ، نور نجوم آزاد داشته بود و از طریق آزاد »
 « مناطق تقسیم می نمود و در مناطق تازه ، من از نوع واحتمال تقوای نامبرده می دانم که از طریق »
 « آزادی را که سکنی عراق و بالخصوص حاکمیت بر آن می باشد ، مراعات ۲۷۰ از ۱۰۰۰۰۰۰۰ »
 « محصل در ارتکاب و سلب و دستم و اختیار می شد ، حتی بود که آزاد از اندک من است ، من خود »
 « با تکلیف می افشاید و محقق می شد ، در بغداد ، خط افتاد ، حدیث تعلق داشته دیگر »
 « سوز که تکلیف می کار می شد ، در آنجا که آنجا می شد ، تا حدی می شد ، تقسیم رفت که »
 « از شرکت در انتخابات ، خود داری کند ، در ارتکاب نامبری امری فصل به من بتمام »
 « گذشته بود و آزاد می داشته که حکومت دست می از نام آزادان آنجا داشته »
 « در آن آفرین خطرات راه حلی می بینید و کرده که در ضمن آن دست می برای ایجاد تقسیم »
 « از طریق دولت خواهسته بودند ، در حضور نامبرده ، من و تقوای مختلف ، بیستانی »
 « در تقسیم در ارتکاب ، امری فصل را با قدرت عراق تفرقی کردم و خود آشنایی نامبرده را »
 « از طرف دولت بر بیان اعلام دادم ، »
 « از آن طرف آزاد خطرات گوناگونی را می توانم می می دانم ، در زمانه ۱۹۲۱ »
 « برای صلح کردن بر می می شده بودند که دست با قدرت می می شده ولی نام می آنها »
 « در آن راه بیفایده بود ، در اکتبر ۱۹۲۱ با قوای نسبتی خطی ، چنانچه می خواند ، وقت »
 « اعلام می قرار ، قاطع تکلیف می شده که با عبدالرحمن آقا شیخ چنانچه ، در نزد خود بودند ، »
 « با به طرف نام که شیخ نامبرده بعد از صلح عمومی ، عملاً استقلال داشت ، می بود که »
 « شفقت زود تر می بود و روابط دوستانه ای با انگلیس و فرانسوی ، و به جهت »
 « بجز در این امری فصل قدرت ، با سایر ارتقایی قبلی ، شناسایی شده را »
 « در ضمن تکلیف ایالت خود می می خود را در داخل دولت عراق ، اعلام نمود ، »
 « من می می تمام می داشت و در قبول دولت عراق را رد نمود ، »

Library of the
 Kurde de paris

بدین ترتیب علی رغم آنکه از اردو زمین پاره شرت کردند، اطمینان اعلان نموده که ۹۷٪
 اراضی بیخود و بی صاحب بوده و به نظر شخصی نامبرده در ۲۳ ۵۶ ۱۹۲۱ و ۱۹۲۱ و ۱۹۲۱ و ۱۹۲۱
 در سپتامبر ۱۹۲۲ به شرح مورد اشاره به این جهت که به عنوان مراجع نامه و شرح در اکثر مسائل
 خود را حله در «پارسی» کردن و خبری اعلام کرده و تجربه ای نسبی داشته که در این عرصه
 در خصوص مصالح بودن و بجا بوده و بجز آن صیغه از و علاوه بر این ای بسم او در اردو زمین
 «آفتاب گردان» که بعد از غنیمت صبی خود را به «بافتن» «صدای عدالت» داده بود
 مختصر نماید.

و در این شرح تا در بزرگی بی برابری کابینه و یکی از اراضی در کوم عبد السلام وزارت
 دارائی، و حاجی مصطفی یار وزارت فرزند و حاجی صالح زلی بیک (۱۹۴۴+۲) بود
 خفت مضرب شده.

در حالی که در هیئت وزرائی برابست بهر دو کم از زمین و از کابینه بالا، خلی در ۱۵ شمس
 به بختنه نمودی بن محمد و حاجی علی اطمینان است هم خود و در ششم مارس ۱۹۲۳ بر پایه
 دولت شایسته می بایست که بی ۲۵۰ کیلوگرم شمش و البخر بنیانه که سرپرست
 واقع در ایوان فرانسه، کسب شمش در زمینهای آن سال در شماره لوایق مراجعت کرده
 دانسته که خلی دولت که اداره نمود خود را وسیع و گردانه ولی ترانت این خود را
 عملی نامه و بدین ترتیب به بجز آن فرانسه که تا سال ۱۹۳۵ آنجا بوده است.

کابینه کلارک مت در خصوص شمش خود که تا در هیئت دارائی از شمش را در عرصه
 دولت ایوان بگرد خطایست و بعد از بیماری و اینک بنیانه نامه که همان آنها را
 در صفر ۱۳۵۳ و ۱۹۵۰ مکتوم، طبع بنیم کتاب که بطریق خطی نمود، اولی
 از افران در ایوان اطمینان که در ضمن شده اند، و در نظریه شمش آنها را بهترین خودی که در آنست
 برسد بیک در اطمینان و بیان اطلاع به هر که بر وقت وضع مراجعت اشاره داد
 اراضی بیخود و بی صاحب اطلاع می رسد که یکی از افران گفته شده، نامبرده
 نامه مضرب آنری کعبیات مربوط می رسد. و نیز می گوید که در واقع صرف جانی
 خفت را منظور احترام عادات قبده ای قزوق بنیانه!

از این جهت در کابینه کلارک شهر را ترک نکرد منزل خود را خصل کرده و کلبه بنیانه را
 میباید و در مراجعتش با نظر به شمش قول داده بود، علی رغم عدم بجا آمدن
 که توفیق است شهر را خواب کرده بود. اشیاء خود را دست نخورده به اطمینان دیدیم

Digitized by Kurde de Paris

کلمات در باره خبث و سنج خوردن این عقده سرد :
 « خبث ششنگی بوده و موجب تبس بوده ای ششنگی بود »
 و باک دو ساله فراموشی قوا عقده خود را چنین بیان نمود :
 « من خبث با اراد را بخت با ارادش بر جمع می نمودم »

فصل چهارم - کاغذ پاره و سخنرانیهای پراب دیاب

قبل از این عمل پیشتر درم - پزیرست - باک قضای را در بین وضع اراد در عراق است برای اطلاع
 خواننده مان در جمع تمام باطن این ملک و حقایق خارجی ، خوبی بتوان درک کرد که با این
 خوان از بسته دان ترک خود درسی خوبی آورده دیدمانه که با انضامی کاغذ پاره ای چیزی هم
 خواننده کرد و عقده دارنه که این عمل راه حل برای ارضای خاطر « پخته » است در این نوع خواننده
 که مجموع نظر دوی رفتار شود !

قبلا درک زور را که بوسیله دولت پادشاهی عراق در ۲۴ دسامبر ۱۹۲۲ اعلام شده در عراق
 گذشت در باره ترقیات و ان پیش ۱۹۲۵ و ۱۹۲۱ (ص ۲۵۶) بجمع عمل خواننده
 شده در جمع تمام :

« دولتی پادشاهی عراق در بریتانیا ، حقوق اراد تمام و ان را برای تسلیم بد دولت کرد »
 « در داخله ملک و ان بر ستمت متبسمند . و انتظار دارند که شخصیت بی مختلف کرد »
 « برای تسلیم بین دولتی ، و تعیین حدودی آن بر می زود و با هم توافق نظر حاصل نمائند . »
 « شخصیت بی کرد نمائند آن مخصوص برای تعیین دخت در روابط اقتصادی و سیاسی »
 « نزد دولتی بریتانیا دعوی خواننده فرستاد »

صلا حادار در این موقع تمام ارواح در تاریخ ۱۱ ژوئیه ۱۹۲۳ از اینت فرار و ان نامه
 و چیزی را در باره این عمل نگذاشت ، بیان ۲۷ م :

« دولت عراق خطه کرد و ان را برای نوازی کرد پس خواه کرد که مخصوص فی دولت است »
 « علاوه بر این با اینست که اراد زبان عربی را در موصلات رسمی خود مجبوراً بکار آورند . »
 « اگر کسی حقوق نوازی کرد پس حقوق و دولت خود را خواهد یافت »
 « سابقه نوزان که با نوازی کردن صافه تور امیر و از روی ای اراد دارند را در نزد
 استقلال برنده ، بیاد فاداه بود . فقط در نوبه سوم آن ۲۷ م وصل و پس باقی عمل
 پیش منی سرد »

حاصله عمل در حلقه من ام سبتمبر ۱۹۲۴ خود ، گفت عملی را برایت منی از این خود

Bibliothèque de Paris

که چون اوضاع را بررسی کرده و سیم نظریات خود را از این جنبه - از این معیارها
 در صوفی ۱۵ (۱۹۲۵-۱۹۲۷-۲۰۴۰۰۰) درج شده که در این فصل مشهود است
 « از اینجایی را که در این فصل مذکور است، در نظر بگیریم، باید تفکیک کرد بین مسئولیت اول نام...
 « زیرا اراد... این تا صحرای عقلیه... اگر راه ضلالت... تفکیک بین اراده...
 « بعد از اراده... زیرا بین اراده و عقل... در آنجا که اختلاف بین اراده...
 « پس در این موارد... در اینصورت اراده... جمعیت را تفکیک خواهد کرد...
 « کاربرد و دامنه‌های تقابلی از طرف الفلاس و از این جهت... »

صانع علی درسی در همین خط خود ۱۶ دسامبر ۱۹۲۵ تصدیق کرد که در اصل روان الحاق نام
 شرط است. شهر فخریه... ۲۵ سال تحت حمایت ملحق شده، علاوه بر دولت عراق
 دستور داد که اسباب اراد را که عبارت از وجود اراده در اداره است قضای درستی
 درستی بودن زبان کردی در این ادارات باشد، مراعات نماید. »
 این تصدیق صانع علی که برخلاف اصل حکومت صادر بود باعث طغیان و صدور امریه‌های زیاد
 گشت که این تشریح آنها را عقل خواهد کرد.

دسته الفلاس تحت ذریعای آن در ۲۱ ژانویه در مجلس ملی رایین نام :
 « ما با برادر حقوق آنها را اعطای می‌کنیم، کارنامه آن از بین آنها انتخاب خواهیم کرد - زبان معنی ۲۲
 از این درسی خواهد بود، بجز آنکه در مدارس زبان مادی خود تربیت خواهند شد، خواص ما...
 « این بحکم حقوق اراد را محرم بشمارم...
 اعلامیه... وزیر سابق وزارت...
 « در این باره... که تحت ذریع در مجلس ملی اراد کرده و معنی آن در روزنامه...
 « شده بطریق... و به اینجه که در ضمن آن بیان شده بود که کارنامه آن زبان کردی...
 « از این خود را... و در آن زبان زبان کردی، زبان رسمی خواهد بود، خلاصه...
 « در ضمن آن تحت ذریع نظامی را که دولت در نظر گرفته بود...
 « بیان کرده است و در آنجا خواهد بود که نظریات خود را در زبان کردی...
 « بجز اینها... او را... »

خطی... ۲۲۹۵... ۱۸ فوریه ۱۹۲۶...
 موضوع : زبان کردی...
 در این روز نوشتن... که خطاب آنست تحت ذریع در مجلس اراد کرده در...

Kurde de paris

«دانشکده دولت را در باره نواحی اردنی تعیین کرده اند، چگونگی ارسال سواره بود»
«فدراسیون ایران به وقت خوانده و مثل «دکتوری» که با تمام کارهای آنها خواهد بود»
«آنها در نظر داشته باشند»

نطق محبت در عراق در مجلس (فوریه ۱۹۲۹)

«خاکم بپوشید که دولت خطی من سیاسی خود را در باره نقطه اردنی»
«در جهت های فرسایان تعیین نموده است. در نتیجه مساهلات قبلی، راجع نواحی»
«شمال مخصوصاً آنچه تعلق به اوست، دولت حال صل را دارد که این ملت حق»
«طبی خود را بخت آورده و بقیه نفع آن ایجاب نموده، نواحی خود را اداره نماید»
«همه میدانند که این نصیب است که طرف مجلس شورای شریف شده، صل از دستور قبلی»
«در راجع به بی وضعی، مجامع او اولاً آمده است، و بنا بر این به سوم دستور عمل متن در محل باقی»
«در انجمن شده، تطبیق نماید. ملت ما بدون امید حقوق قضایی کلیه عراق را رعایت کند»
«نواحی برالت بریدنی خود ادامه دهد. و در این وقت بعضی تنظیم که تحت برالتی و ازین»
«دولت ترک، این است که حقون ملل مختلف را رعایت نموده و مباح از رزقه آنها کرد»
«و نابود دولت ما برده درس خوبی برای ما برده که باید از آن استفاده نمود. ما نباید»
«دولت دولت گذشته (یعنی دولت ترک) را تعقیب کنیم، ما باید حقون آزاد»
«در آلتیسم، کارندان آنها باید از زمین خودشان اجناس بگویند. زکات آنها»
«نواحی رسانی شده. و بجز آن در مدارس عالی زبان تعلیم داده شوند. (تدریس مختص)»
«از طرف حق ما است که به برالت برالتی ای تمناهای، جمعیت های مختلف»
«مسلمانان و مسلمانان آرمی آوردیم»

«در بعد از اینهمه تفصیل» «از آن عراق راضی نباشند، دلیل بر این چیست»
«آنها باید باشند» «است کم که این دعوه از حدود و حرف های فریبده مینویسد»

فصل پنجم - تحت باطلای نردی براتی نیست

«الطیس مرد عملند، آنها در دولت این حقیقت که عراق ملل نیست که بتوان
در آن حکومت کرد، زیاد تأخیر کردند، و همیشه که این سرزمین برای آنها
مرج و کسلی و غصه دائمی است، و منابع اقتصادی، سیاسی، کون اجتماعی
آنها، تسلیم عراق بواقف است و بدون هیچگونه مانعی بی نظیر خواهد شد»
از ماه فوریه ۱۹۲۹ سرتر. طیتون به دولت عراق خبر داد که دولت اردنی

Surde de paris

خفت نیز اطمینان داشت و در نامه های بعد نوشته که این اراد «در دهانه ای است»
که به زیر جبهه های اعصاب باطل شود»
صفت این افراد «بجانبه عمل در امور منوط شده و تعلقات نبرده که نشان کوبرال
را در ظرف کرد که در تاریخ ۳۰ خرداد ۱۹۳۱ یادداشتی به جمع المذبح نوشته که خلاصه
آن به عنوان است:

- « بعد از آنکه که تقاضای اراد برای نقل یک دولت خودت را از طرف جبهه عمل تقف با وقت»
- « بر مبنای خبر، رفته و تقسیم شکلات نبرده شایه نزدی با اطلاع دولت عراق»
- « در اثنای ذبیح بر سه و لی من بر ذبیح های عراقی توصیه میکنم که فعلاً از این تقسیم»
- « خود داری کند زیرا تقسیم این عمل باعث هیچ احیای است می اراد شود»
- « بحکم تطایب خود را راجع به بار کردن با اراد نبرده نام از اهل»
- « با آنکه به اراد شده بود، ف جبهه های کوبری پیش نیاید، لذا توصیه کرده بودم»
- « که از غل تصرف سلیمان، کس و همین بیک خود داری شود، بعد از این کار»
- « کردیم، استعمال در این کردی، در نواحی کردتین در کارهای قضایی از طرف کس»
- « در این مجلس، بدون در نظر گرفتن تغییرات و مسئله اراد تقاضا شده بود نوشته و است»
- « عاقل کامل آنگاه که در این کس با در پس برای تقسیم و نسبت تعیین کند بعد از»
- « به درون شهره بی و افران خود کرد بنویسید و در این در وزارت داخله»
- « این رسیدگی با بود اراد، در نامه»

در این مسئله از سر دست با آنکه عراق هنوز خبر جبهه عمل نبرده اراد خاتم
این عمل کوبری در سره نری کوبری، کسبه عالی سابق عراق تا سر کرده بود که
در تاریخ ۳۰ خرداد ۱۹۳۱ در یادداشتی خود راجع به تقسیم که صورت بر مبنای
نبرد در کارهای داخل عراق بعد داشت، چیزی به نوشت که قسمتی از آن را
بجای آنکه تقف بر مبنای این در دستا، برای اشخاص خاص بی، کرد استفاده
قرار کرد، زیرا نقل نیام:

- « ۳ - بعد از عمل، علی رغم این سه، مسئولیت در کاره بین عراقی و بر مبنای»
- « تقسیم شده بود و قابل توجه است، قوای عراقی امروز باقی است و اندازند که در قضایی»
- « اراد و نه در مقابل اعصاب بعدی می در حد کج، محض اندام نماند»
- « اراد از دل و جان دشمن اعصاب نبرده و مخصوصاً در کوچه های از تقف بی»
- « شمار مبرونه»

Digitized by Kurde de paris

« و قوای عراق بر عین ارضی در خلیج فارس می نماند، و عوان بود قوی کند »
 « قوای کینه که حملات صبی از او را می تواند رفع نماید. و میخواهد قوای برای »
 « برای جبران این نقصه تسلیم دهد که امروز در حالت ضمنی نشسته و بتوان گفت که دوری »
 « ز جهت عوان در این راه، ترخیص خواهد شد. اگر از این جهت در عین محکمی »
 « ایستاده و هر وقت اعتقالتی بوجود آید. امولا یا بوسیله «لوی» های اموی »
 « یا بوسیله نیروی برای و یا بوسیله اشرفان این دو قوم معتقد بنمود که در صورت دوم »
 « قوای عوان ریل نا چیزی نموده داشته اند. و در جوانی با هی ایتر و ایستاده ای بر سر »
 « در میان طرفداران شیخ محمود شریعت داشته اند. »

« ۶ - با اینهمه در مصیبت . بین ما همه موجوده و او این آن اختلاف نفس وجود دارد »
 « در قسمتی نصف عراق کعبه از بازمانده و کارخانه آن انجمن پس در نیروی برای »
 « کارکنند، که راجع به پیشرفت وضع اداره و سیاست کارخانه آن واقع ، و در این »
 « اعمالی که ممکن بود نتیجه یافت شود، خلاصه در باره تمام و فایده در نتیجه ای احتمالی در باره دوری »
 « امکان وقوع حادثه ای را مشاهده . وزارت لازم را از علم عالی در زمینه نیروی برای »
 « می بیند . و علم عالی به دولت عوان یاد آوری میورد که در صورتی که از آن گونه اعمال حوری »
 « در نشود و بالتبع اعتقالتش پیش آید، قوای اهلین برای بر طرف نمودن این وزارت میگویند »
 « یعنی به دولت عوان خواهند کرد . این یاد آوری های برای دولت عوان که در مصنف خود »
 « در بر طرف کردن در نوع پیش آمدی ، واقف بود ، کافی نظر کرده ولی به احوال عوان »
 « توجه نکرد که کارخانه انجمن را ، از نظر ایتم ترالنت ، تا اندازه گفته ، از ادوات »
 « بر طرف لازم . در نتیجه این عمل ، مانده اهلین ، و اصل لازم برای سیاست آوردن به »
 « اخبار در دولت عوان ، در نوشته های عوان را نداشته دور و واقع اعتقالتش »
 « بدون امید نموده و این حوادث ممکن است در نتیجه یک عمل نامحلی مانده و یا در دوری »
 « پیش آمده باشد ، دولت عوان را در جوانی نماند که خود میباید قدره بی »
 « کار نیست ، ملک نماید . از دولت اهلین قوای خود را در ای کوشی ، که در این »
 « در لغت ، ممکن است در نتیجه وضع نه اداره دولت عوان پیش آمده باشند ، به کار برد »
 « لا وسیع نفوذ انتر حیات اعمالی با هم دولت اهلین نام خواهد شد و از دولت اهلین »
 « در صورت در این عملیات خود داری کند ، ممکن است دانسته این موردش به قدری وسیع شود »
 « که بوجود بیاید دولت عوان را متهمانه اندازد و بالتبع نظر از این احوالی که ممکن است برای »
 « بر بنیادی نیز که آلت در دولت عوان یک دولت شرقی نظر از دوری و حق نمی . بهار »

Kurde de paris

« در روز بیستم اصف به بند، اعلامیه توسط برایمیه منتشر شد که اینگونه ای از آنها: »
 « شیخ احمد باستانی و طرفدارانش: در حاکم اعلامیه و او امر قبل بود قبولان واقع شد، »
 « پسند این آقای لبنا اظهار نمود که عملات نوری هوایی شده به خواهرش، محمد خدیجه است، »
 « شروع میزد، باران بید و سلسل بر روی شا، دعات مان، و کله تا میان خواه بازم. »
 « تا نصیحت میزد که زن و بچه تا میان را صبی امنی نگذاره، بچکلت تا تو قهقهه از دهان »
 « مخالفت در زنده و تسلیم نشده اند، ادامه خواهد داشت، مطمئن باش که حکومت مصلی »
 « و قریب از آنست که تا توانید در تقاضای ملت دلی کنید، خلاصه معادلت بیفایده است، »
 « چرا بگریه در رنج خیزی میروی... ؟ »
 « در بجهت شیخ احمد پس از آنکه تن به بچ بود پس رگه شتر و شتر به ازین روشی ظن را از کس »
 « گفت: گرفتار دگشته شد، »
 « خدیجه، بعد پس از زدن گان تم مایه عن تعدادی خاطرات میسرود که ای نظایرات »
 « (نویسنده نام)، در عراق، شبی اس آن شده که سکوته از کاردار روسی تحت تأثیر، »
 « تا از این تمهید توسط نوری شیخ عراق دیوارهای برزالی امپوزی عملی نمیشد، »
 « سرحدات و تیر زار کرده بود در اینجا بنا به صورت معمول در صحنه ای که ترک از همه حال »
 « قبل دانسته آنها را به ادرخته. این عمل وقت تا در در همه ای از اینها گان »
 « از گوری که تحت قهرت انگلیس بود، بدون اطلاع دولت ما، واصل شد و تدارک شده بود »
 « و چون عمل آن شده که اراد می نمودم، و خلاف انداختن شخصی از نامه مان ما، »
 « در بروردی، حتی اراد را محاط میگردان، نسبت با بدین شده و مخصوصاً به خورا »
 « از نامه، در بعد از نقلی مطلع نمایی. »
 « مستعد از این جهت تا قیام بود ولی در روز ظهور از احسان، ناراضی های زیادی وجود، »
 « داشت، اولاً در هر خانه ای مخالف رژیم مصلی بوده و در ضمن اشخاص دومی و سومی بودند »
 « که از محکمت مستعد به ادرک صافه بنامیده. »

خواننده گان ملاحظه فرمایند که تم صفهای فوق قابل توجه است، علت؟

ولی شخصی را که کشیدن کامل مابین ادعای دارنده و طبقه با اطلاع بیشتر خواننده ملاحظه
 و بعد به گونه تعیین خواهد کرد، در بین طرفین ملاحظه می نمود که ای با تصور شیخ احمد را
 « صابنی نمیکام، نامه و بطور » این شخص به وزارت اشخاصی بود، که در نقاط دور افتاده »
 « دولت انگلیس سرحدات گمداری آنها را دانسته و دست باز کرده سال شوال را به بود »
 « در بیخوردن دلیل مصلی برای از بین بردن، آنها بیاید نامه. »

Kurde de paris

چنین نظر بر سر آنکه عاقبت هر کس که عیب از وی سرزد شود !
 در حال محرمه این اعمال که « عملیات پولیس » پیش بود موجب ابراهیم در وقت :

اسم ناحیه	تعداد آبادی	مساحت در این ناحیه	عدد کل منازل
بردز	۱۵	۲۶۵	۴۸۵
مینردی	۲۳	۳۸۵	۷۰۵
شیردان	۴۱	۷۱۵	۱۱۹۲
جمع	۷۹	۱۳۶۵	۲۳۸۲

با لحاظ آنکه ملاحظه نمودیم ۶۵٪ آبادی خراب شده
 ازین بهر آنکه در زمان زوال آن در خراسان !

و ما با تصور ناپستی سینه محرم
 « بنا بر این سینه عملیات بر ضد افراد در عرض دو سال اخیر در آنجا بوده که البته آن
 « از سپتامبر ۱۹۳۰ تا آوریل ۱۹۳۱ بر علیه شیخ محمود و بعداً از نوامبر ۱۹۳۱ »
 « تا آوریل ۱۹۳۲ که در بعضی نقاط در اولی به دستور شهسوار و بعداً شیخ احمد امان »
 « در حقیقت است » بخاطر آنکه در آن اساسی افراد - تقاضای حمایت و یا هیچ پولی - تقاضای
 « تقاضای پولی - از حکومت ما و همچنین شخصی جانیه مل برای تخریب تحت الحماه بوده است »

فصل ششم - « ملای » سوزی به این مقرر

« وقتیکه در آن قبل از تصرف جانیه مل را نمود ، یادداشتی واضح کتبی حقوق اعلیای کور در آنجا
 « بجای نه صادره شد که در بعضی آن قلمه کرده بود که در فزاینی موصول - ابراهیم - کرکوت - سلیمانیه
 « که از وقت با افراد است - زبان روسی - زبان کردی بوده و علاوه کاره آن را از زمین افراد
 « در ممالا اقل از زمین کس است و آنجا کرده که با این زبان آشنا باشند ، این تمهیدات از سال ۱۹۳۲ »
 « ما در این وقت بین الملل در آن وقت و اعراضه - فقط وضع اداره ما نظم - ساختن راهها
 « به ابراهیم - قسیمی به ابراهیم - در فزاینی کردیم - لغوی به بود که بگویند قسیمی با فزاینی
 « نه است و با قسیمی به ابراهیم - ما در صحنه های زندگی شده بود »
 « این وقت نظر ، که از قبل القیصران فعل شده ، خواهان آن اجازه به به وضع افراد قسیمی را

Kurde de paris

کتاب تنظیمگاه اجدری سال ۱۹۴۳ در کربلا و استقامت
بسیار قضایای رسیدگی ال لیلالی که رفتار اعلیای و اعلیای و موجوده
(اوتیل ۱۹۴۱) شخص داده بود و اعلیای و بعد از آن کرد افزوده

و به یکجای آنها امیزه دادند که حتی بمقام افیری هم رسیدند
در میان عوان چه نواز افغان علیالمقام اعلیای عقیده داشتند که فرامیاید دولت
نموده کرد در نوازی کردنش عراق تسلیم و اعلام کرد

در ۱۹۴۳ ملا مصطفی برادر شیخ احمد که در سینه تپت نظر بود، وزارت عالی در ایما
چون دولت عراق با آنها چون کرده رفتاری کرده و در زمانه با آنها ۳۰ نفر سید که همیوم

کفایت سعیت را میگرد، ملا مصطفی بوقت شد تکلیف شیخ لطف الوردیانی، شیخ محمد
قرار کرده و بایل خود به پیوندد در اینموج دولت عراق دستور داد که شیخ لطف را دستگیر

کنند ولی نامبرده در ایام قرار نموده و مورد استقبال پرور است و در آن وقت
در خانه لایمان و شروع به رفتن و در آنجا چون صفیای باسم شستمان (وطن)

نمود از طرف دیگر تا در آن وقت که در ایام دستگیری ملا مصطفی گفته بودند و سید طرداران ملا
دستگیر و خلع سلاشته و در آنجا سید در آن وقت قوای قوی هم سرپرست آنها در میارشدند

ملا مصطفی رشا اعلان اعلام نمود

دولت عراق در مقابل این وضعیت ابراهیم در آن وقت قوای عراقی تکلیفی در پی آورده

دولت که تا پیش شده بود خواست از راههای سیاسی قضیه را حل کند، بدین منظور

از روی قایل دیگر کرد گفت خواست که آب معاشی دولت عراق بشی داده

معین گفت کردنیم بجهت مصطفی را با تمام ذرات و با تمام از افغان ارشدند علاوه
ملا مصطفی، بطور حل اختلاف، روانه کردند، این کار دادند نامبرده ملا مصطفی:

- ۱- آزادی که سید از قید شورشان دستگیر شده اند
 - ۲- قید اسلحه خود را با تمام آنچه که از قوای عراقی نصیب گرفته می شد بجا آورد
 - ۳- تقیم تمام جزایر به نسبت نوازی عرب نشین، در کردستان
 - ۴- جانشین کردن تمام کارخانه ان عرب بکارخانه ان کرد، در نوازی کردنش
 - ۵- خودمباری کردن تمام کارخانه های خزین و قلم و آیین، ساختن مدارس و رفیقان
- خواننده خان عزیز توهم این نکته شده اند که تصور اگر از نسبت و بیخ صلح می کرده
و عدالت از ساختن رفیقان، بدینسر، تبدیل کارخانه ان عرب بکارخانه ان کرد، بوده که به نسبت
و عدالت آنها داده شده بود ولی خیال نمیکند که این وعده و وعده، احتمالی نمیکند تا صادر شود؟
التمس که به قضای وعده اند و فاشه مصفت و بعضی است

بخت دزدی توری سعید است که در مردش است به قایم کی طریقت مبدع و وقت
 فوق را تصویب کرده بود. وی نظایرت کرد و آنکه زبانی درین لفظ باشد در کتبی
 که کتف دارد پس در حضور بکجه از اصران کرد، نظیر آنچه در وطن کسی آنجا آورده بود.
 آنان بیاد معاصران است نام او که تصویب کرده بود مجلس زد کرد و بدینجه دی
 استفاده در مجلس عهدی التزازی بریست در او تعیین شد که صفا زور کرد ما
 بجه مصطفی را در کابینه صند راه نهاد. علاوه عمده زبانی از اصران کرد و از آنانی
 وقتیه را از آتش افروغ کرده، مدارسی در رضایانه تأسیس در کابلستان ساخته شده بود
 سر باز خانه تا تبدیل شده.

کار همین سوال است! یک دزدی وعده میدهد و مردم در جانشینش میگردد
 «من چیزی وعده نکرده ام» والسلام نام تمام!

ولی ملا مصطفی را و خوا از میان دروفه و بجهت بدی است با انقلاب زور
 یک دفعه دید که در آن و عمده از طرف دولت عراق باعث انقلاب گشته بود
 در بهر سال ۱۹۴۵ (هجری) بغداد با ادوات تلخی تمام به یازده سر باز خانه ای ساخته شده
 که در ناحیه بارز اینها کلمه کرده و از آن بیمه تلا مصطفی با قدرت کامل در آنجا حاضران میکرد
 چون دولت بر صنف خود مطلع بود که تلا مصطفی را با بر جدیدی که شده با تکیه
 و در آنجا کار تا را در کمانه (چنانکه باید) ختم و در این ای نظیر و زور
 فائق و یکی از درهای دیگر تلخی مأمور شده که بهیچ ای از اینجمله آنها گرفته نشد
 دولت به بجهت مصطفی فرستاده، باز نامه ای بجهت

در تمام جوانی این یک قوای عراق در ناحیه را خواست برای تسهیل برای مسافری
 «ما فرجی جنگی کورمانی» بغداد، علاوه حکومت بجهت بجهت شده و نگارانی برین دولت
 شماره شده که تلا مصطفی در ضمن آن اقامت خود را با اطلاع دولت فرستاده ولی حکومت
 خواست این اطاعت عمل را با زور سرسبز حاکم محل پوشانده بجهت تبدیل کند.
 از یازده آورده بعد قوای دولتی در زاخو، کامادیا، اروا، زوایه و غیره مقرر شده
 نصف نگارانی فرجی که بهیچ ای از اینها مأمور شده، و در زاخو قرار دارند و نگارانی
 بمواضع نامور در بالا اعلام شده تمام هوا بیایه ای جنگی و نگارانی که بهیچ ای مأمور
 سرسبز و بیخ بود نمود و نگارانی از بیخ و موصول فرستاده شده.

در اینموقع ما در دوران رانوی با ناسد خود، ره است تعمیر عالی را تعمیر و است
 از این طرف تلا مصطفی بجا نرفته، بجمع ادوی قوا از - نمودی زوری

و آتشی بودی، سردانی من، شرفان که همه اش از جمله باران بود، برداش
 دخت قصبی دو لاله ری، شوه بودی، از رواندوز، روز در کان، گوران از ارا
 مسدانی، برادری از رواندوز، ملک ملا شمس، عماره عمده زردی از ارا
 که از آتش عاق افروخته بودند، منجمه دهن سواد آتش کهنه غوث علی انور لاهی
 و کل این رواندوزی و همچنین مصطفی در دستنظر آن کرد مصطفی بیگ بستند
 بدین طریق ملا مراد است که در چهار تاریخ چهار روز که در وقت زلزله ای کسی که قصب
 عمده آن در ۱۹۴۳ از قوای عاق نصبت گرفته شده بود، تحت اجبار خود در آنجا بستند
 در نیم اوت ۱۹۴۵ قوای عاق از رواندوز که بنام لیسور، بیگن بارانها و صو
 درخت، شروع محو کرده و در منطقه باران - رواندوز حکومت نظامی اعلان کرد
 در تحت حمایت کیم آنها ای هوای و قوای قویانه، بیاید نظام شروع پیشروی کرد
 زرد خوردنای خوش طعمی بود که در ضمن آنها قوای عاق پس از اعلان ملک مصطفی
 برکنده شده در درخت بود (در ضمن زرد خورد (داله) چهار تن عاقی همواره
 و ملا شمس دادند، اگر که به راه مایل استفاده، شمس را می را که از رواندوز
 مرز به لور به باران کثافت، در منطقه قصبه ای آن که بین رواندوز و مرز لور بود
 خواب کرده و پس از ظهر از لیسور ای سر باران و لیسور با خنده ای بر سر کبر، خراش لور، بیاید
 وغیره، شمس ای زاغ، آرا، امارا، زیبا، رواندوز را اخصال کردند
 بین خود مصطفی کوهستان را ترک کرده در دستنظر در آمده اداری لور، نادای
 خود مرز شدند، و در اینجور از کورکوت ۴۵ کیلومتر بیشتر در آنجا ماندند که ملک در
 قوای هوایی است، اندک نهی طر عاقی، ملک از پس افتادن نفت کورکوت دست
 در کرد، ملک عاق شتافت، در مقابل حملات شمس هوایی که باعث حریق و واری
 دخت بارانها مفسد (بیخ دهه کفلی جواب شده و قویانه در آنجا در دستنظر ضعیف شده بود)
 ملا مصطفی دستور داد که زن و بچه ها را در پناهگاههای کوهستانی جای کرده و برای هواری از خرابی
 بهتر که، عوا، عقب نشینی

با امید زرد خورد تا با آن سال ادانه داشت و مرز همان بهم اوت از لیسور خبر میداد
 که طرفداران ملا مصطفی را از آن که از لیسور فرقی نبودند، دستگیر میس اند
 در جریان محاصرت نه هوا بجای زمین آمده اند، است لیس را دو، دو توب، بیاید صو ملک
 و در زلزله و صو بار لیس از قوای دولتی نصبت گرفته شده بود
 ملا مصطفی، بنام فوق الذکر مراد خود را، بران برنده که بوجه خود از آن نصبت خواهم کرد

و شاد و صندیم ابرقانی غیر مخصوص نوزادان می داند در سند ابرقانی ۲۵ است
 که از او شکر نموده و در باره از ویان قضایا بطلع ساخته بود پس از آنکه از سند خفین جان
 مکن است باعث یک انقلاب عمومی برای ایجاد یک دولت مستقل گردد. پس افاضی کند:
 «طرف به قضیه این است که در صورتیکه اقلیت در خواست کردن انقلاب قیام کرد»
 «زین دو عارضه، یکی که در سابق السوکت داشتند، به دولت نامیده میباشند و دیگری که
 «تمام دنیا به این قضیه است که اگر آدم نامیده بود و سابق طرفه حق دارند دولت گرفتار است»
 «تکلیف دهنده» نظریه غیر ابرقانی حالی از منطق بوده و خصل به علت

یک ضرب المثل عراقی است که نوع ملا موجود است: کوههای زمین، کوهها، ابراهیم،
 ما می دانیم که اجتماع یک دردی ایجاد می آید، خف مخصوصه است، و علم این چنانست روزی
 که عراقی و برای هر مدعی از شهر این «جوانان روزی» با هزاران هزاران و انبوه
 مانی «بروشی» میباشند. باید اقرار کرد که واحد عراق در پیش گرفت
 به نمود ولی آن در انصاف پس وقت در وقت تمام شده به قدر اقلیت با اقلیت جان
 عمل خواهد بود؟ پس نظریه که نه، زیرا از زوال رانگون روی ملت قوای اقلیتی
 نامی ندارد، فقط مثل رنن است اقلیت در بغداد، از بودجه این عراق حقوق در دست مکن!

(تاریخ لبنان ۱۳۱۱ است ۱۹۴۵)

از طرف دیگر سره نوری درسی در پیش می آورد «بعضی خطراتی در مورد قوای اقلیت»
 «مثل آنی برای زردگونی و خصل رعایت، در دست یک دولت است و در «حق و است»

فصل پنجم - در انتظار اودوئی لهری

طوبه دار صفات که ضد قیام بود عراق قومیت در کراسی، و حوادث تابستان ۱۹۴۵ در طی ماه
 و آونبه، موجب لطف های طویل و بی عاری در مجلس گردید.
 مصور شده، ضمن تقالای که در روزنامه های بغداد منتشر کرد، چیزی از جوانی زیاده است که من عن
 آنها را از روزنامه کوثر در بهرست مورخ ۲۷ مارس ۱۹۴۵ نقل میام:

- «آقای علی الامین - سکنی شمال میگردند پس حیاتی از ما دارند و مسدود کردی وجود ندارد»
- «من اغاض را که دولت در مقابل یک دسته کومنت نهایی شمع به سرشت اعمال میارند»
- «تصفه منم، دولتها به مکن پس از دیگری روی کار میمانند، بودت باعث می شود»
- «فرستید که حجابی ملی داشته، در صورتیکه این کار نظر خصل به طلی پیش نیست»
- «آقای ابراهیم خطار، پیش - اگر دولت به جرات و خونسازند وارد عمل شده بود»
- «حوالت نوزدی انقلاب را خواستی کند»

« و در بر واحد - ملاصطفی در دستش پیش نیت و راهم خود و طرفدارش پیش آفتاب »

« جانبا نه است . »

« و در دفاع ملی - من از ملت کرد - از آنست که خود در جناب دار در دست ملاصطفی مشغولم . »

من برای در مسند خود وجود دارد و فقط موضع مکتوبه "فرزادان مع" در پیش است
با اینکه من فکر میکردم که خودی قصه خالص شده باشد .

در انصرت اما اعلامه ۲۵ است دولت دروغ کوفت رسمی پیش نبود ؟ - شاید
ملت کرد در جناب محمدی ترک داشته ؟ - دیدم !
علاوه اوقات غایبه کرد شما به آنی محمد مصطفی را گوش دادم :

« در ۲۵ سال با طرف ، ملت در حقیقت طبعاً کلمه بوسه ای که بر روز با اول روز جناب
« خود را بهتر بکنه ، آینه شده ، بین دولت و ملت خود را محقق وجود دارد . این طبع که زبان خود »

« در حق رحمانی و ملی است ، مردم را استوار بکنه ، و بیخیز مردم از اعمال او ناراض بوده است ،
« باره پیش ، نامه را گوش اند . » دولت بعضی اند نظر استقلال ملی باشد ، در فکر استقلال »

« در زبان غوطه در شده ، لای مجلس بر طرف است که آفرین دل نفع خود را انعامه مع الاف »
« در مجلس هم بنویسد درم حقیقت (ملاصطفی) ملت ، راه انعامی بخیزد طلب وی شده ای نقل شده »

« در وقت انجام بیخ کالی را نه آورده »
« نامی صغیر به انی باشی صد قوای انقلابی را با هم بر میگردانند جنس جواب داد :

« در دولت تقریباً تمام قوای نظامی را با هم جمع کرده ای از قوای زانده از قوای خود کرده »
« و علاوه از قبایل سلطنت خواه اراد کف خواستار اراد را نیز آورده ، این با جزای است ؟ »

« آنگاه صدالم - علاوه ای جناب وای خاطر بر آورده ای اینها و ماضی تا زمانی گذشته »
« و قوایی داده ملک سلوک دنیا صرف نمودم ، با قهری فتان در حال باقران در میان دارم که »

« باقران در میان برانغ العظمی رسوا ، آینه داده شده بود ، نتیجتها ؟ یا نمی دانستند ؟ »
« البته که خیر ، و حق و انصاف با بران قرار کند . »

« نامی غایبه از حرف خود را خوب خلاص کرده بود طواریان (که در کتب به از قوای خودی کلمه بود)
حقیقت صادر شده است ، و حتماً همه ارادیده که خود دارند که قوای خاص (باید خود) جوان را

کلمه باشد ، پیش از تلفظ است
بسیار طلب ، بقول کالی رسیده ای ، دولت جدا جدا دولت ، وای از این مردان

در عده کمی از انقلابیون ، نام قوای نظامی در زانده از قوای خود را می طواریان و علاوه از اراد
سلطنت خواه ام کف بخوانند ؟

بعد از جواب این سوال بسیار ساده است: باید به طور صحیح نظر کرد. بعد از
تغییر این فراموش کرده و باید آردش نه، من نمیخواهم آردش یعنی آرد تمام
و باید علاوه بر این قابل حکم نماند. آرد تمام این کارها برای رسیدن به
بهره معدودی؟ برای هر چه به آرد میماند حتی بمبافین العلیین و سلویم نهاده شده بود؟
حقیقتاً که نمائندگان و ان سفایطین عجیب است، حتی کسی صد نفیست هر چه آردش است
در نصب نیست.

- « آقای عبدالکریم العزیزی - از بین بودن یک انقلاب، نفی یک عمل منفی است در آرد »
- « لا علی کسی آن کجایی ترمین دروغ شود و چگونه تری نخواهد داد. من در عده ای از رفقای عده دادم »
- « که آنها مسائل موجوده، در حالیکه وجودشان حتی است، نفی ندارد. وقت آن است آردش را در آرد »
- « و اصرار و تسلیم نه بلکه دست کم در آرد بود و عیب سالی عراق را تسلیم نیستند، ما در نفی »
- « که برادران خود را در اطلاع دهم، به طوریکه ما باید عیب بخیم، آنها هم باید کرد ما بنده ولی »
- « در ضمن احترام مسائل در عیب نموده و با هم همکاری کنیم. کولس و کمان را برای ما بخونای »
- « استند که آردش را در آردش تسلیم یافته اند ما همه است ترمینی بوده و با هم در این مسئله »
- « طغیان کرد، بی شبهه نیستی آردش را اصلاحی است ولی در ضمن اداره به عمل آمد آردش را در آردش »
- « آقای سالم ماسی - من از دولت قضا میگویم که ضرورت محض در آردش را در آردش عمل آردش را در آردش »
- « حتی از ملت عراق را تسلیم نیستند. »
- « آقای احمد الجلیلی - انقلاب ختم نمائند و لا ادرن عمل اس می آردش را در آردش عمل آردش »
- « در مساوات در برابر گروهی زنده کن کند »
- « آقای ابیات اله العاطفی - آردش را در آردش در آردش در آردش در آردش در آردش »
- « ای انقلاب میگویم و هیچ وضع نیست نمائند. »

استند در آردش - هر طریقی موقع این اصلاحات نگذشته باشد!

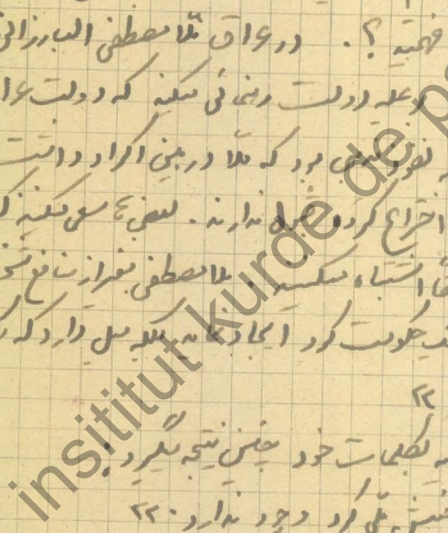
کفل الضمیر که باره آردش را در آردش نگذشته و حق آردش را در آردش خوب متفکرند
یعنی بگویند:

- « دست به بگویم که آردش عراق وضعیتشان از آردش در آردش در آردش ولی خود آردش را در آردش »
- « تفوق را نیستی معنی القلیس نمائند. آنها بطور قابل توجهی آردش را در آردش که آردش را در آردش »
- « لا تسلیم نیستند، نفی ندارند، و بچین ردلس رضی در آردش هم اتحاد نخواهند داشت. »
- « واضح است که آردش عراق مثل آردش را در آردش را در آردش را در آردش ولی صغیر است که نمائند »
- « فن را در آردش که آنها به آردش در آردش را در آردش را در آردش را در آردش را در آردش را در آردش »
- « در حق آردش و معنای آن قضا، برسد به آردش همین المثل را در آردش را در آردش را در آردش را در آردش »

وضع تاثر القلم در وضع اراد است. انکار ادنی نیست ولی ارادی نیست و حاصل خواننده است
که این تاثر در وقت تعلیم و تربیت است که برای آنها خیلی وقت است. وضع اراد است
بمعنی قوی نیروی برائی است. برای بیان اراد. به وقت از بیجاها می خود خارج شوند؟
کامل تمام القلم است مگر آنکه که اراد میگویند اعتمادی بدلت عراق ندارند و در انحصار آنها
توجهی نیست و در اینها می دارند. انعطاف درونی خود قرار می دهند که قبلاً داشته بود
کافی آنها را در حققت آن است.

از طرف دیگر لغت لغوی تحت در عراق در حلقه اقصیه ای که در اجاب
در مصر قابل توجه است:

- « در فهم قضایا باید در بین قبیل ایران میگردد، واقعاً چیزی فکری است. نقل بد گهرو می کرد »
- « با جوانی آردنی آواز میگویم. این اخبار از طرف بعضی منبع تا به و از طرف برخی در حدیث است »
- « حقیقت را چگونه بیان کنیم؟ در عراق تقاضای الیاد را می گوید که در قیام کرده »
- « در دست ای از باغی که در دست و در می میگردد که در دست عراق میگویند به اش گفته »
- « اما قیام نامبرده در دست لغوی می بود که تلا در بین اراد داشت و حق بعضی از اراد »
- « در دست چیزی را که تلا اجراء کرده اند. بعضی معنی گفته که جنس نامبرده را حقیقتی »
- « در بین این اشخاص محققاً است و مستند است. لا صطفی نمراد از شخص جز درونی نمیخواهد »
- « او در فرائض است که در صورت کرد ایجاد نماید و در آنکه بد نیست از تاثر اراد »
- « با اخبار او و اگر در »



وادی است در میان کلمات خود جنس نمیگوید
در عراق میگویند جنس می آرد وجود ندارد »

فصلنامه العنصرین بنفوذ شخص است که در تحت در عراق ام میگویند. تاثر شخصی در القلم
میگوید از این قضایا جدی نبوده و در حقیقتی نه استند و بطوریکه در « تاثر معنی در این » بوده
مادری است که اراد از تکرار دعای حقوقی خود است
خسته شده و خود را در با زبان کسی اندازند که بخوابد آنها را بخت دهد.

فصل چهارم - بین فارس و نوزین

«دو زمین از اردلان به صورت کرد»
«دو زمین است کردی از اردلان به این است»

روزنامه اروانی، تهران، امیر ۱۹۴۵

فصل اول - یک مسئله برجسته

صلح لورستان و عاقبت آن که «خاور نزدیک» است از ملت ما، و ما در این صفت که نتوانیم
برای عراق، شام، این قضیه شدم، محسن قنصل در عید ایران ام صدق صلح
ایران که در مشرق عراق واقع شده و پیش از این در صورت با هم می آمدند، حدودشان
حدود کرده اند اما در عیدیه در شمال با اردستان و آذربایجان خودی و از طرف دیگر
با لرستان خودی می باشد. اقلیتان و بلوچستان خودی و شرقی او را اقلیت می بینند.

و در جنوب مسئله صلح فارس و دریای عمان به این راه پیدا می کنند.
بین علی شریف که در کنگر ملت زندگی می کنند، از همه بهتر، اراد ما را اعلامه دار صلح
ولی وضع فعلی اردلان را در تجربه در کنگر مسئله آذربایجان، که با هم گفتار شام دارند،
و علاوه از این نیز ۱۹۴۵ در کنگر بین المللی شده، که هر دو را هم می بیند. اما واقعاً

این آذربایجانها چه اشخاص هستند؟
استاد بزرگ آ. یوادریار در کنگر صلح و راه، راهی ایران و کنگرال فوق ۱

«آذربایجانهای ایران که در حدود روستاها و کنگرال ۵ نفوس ایران را می بیند»
«با این مسئله در کنگر صلح در قضاوتی در این ایران هم ممکن است. در اردلان»
«فصل اعظم عیبت ما بین کنگرهای قاعده صلح در جنوب میانه و عراق در ۳»
«در حدود اردستان را، گفتار می بیند. در این نامه برادران از همه میانی در ایران»
«بجمله است، علاوه آذربایجانها که فقط تحت تقاضات سیاسی از نامه های قطعه»
«در گذشته اند. از ترادیاک توت و درای یک می بیند، قبل از نامه و کنگر»
«در روز ۱۸۲۸ برودی آنها زیر لوای شاه ایران بودند.»

«آذربایجانها قابل تعدد یا بیانی صفت دارند. در اطراف همه (زیمان) قبل از»
«در اطراف وضع خود شهر اردان یا تحت ایران، در دوه شای دماوند، از جنوب اصفهان»
«در مشرق کرمان - در فارس، در خراسان، در سیستان، کاشان، حوالی اردان»
«در مازندران، گرگان، برالنده می بیند. علی از همتری قبل از ملت اردلان»
«در که در حوالی تبریز، زیمان، اردان منس دارند، علی اردلان مشهورترین قبل از کنگر قاعده»
«در میانه که در اطراف اردان ممکن داشته و مسئله قاعده را اقلیت داده اند.»

« چون کتبی صفه و آذربایجانها دارای یک سبب آوارگی بودند، بدینجهت کاتبان آذربایجانها را »
 « لغزبان کتبی ایران اسم میزنند. برومائی آنها در قرن ۱۳ موقع هجوم مغول بسیار »
 « نضلات ایران، از شمال در عین غرور و ارال وارد شده اند. و راهبهای شمال ایران را »
 « با اشتغال آبادیهای سر راه، پیش گرفته و با زرب کبان رسیده اند. هر وقت »
 « دارای نه هفت شعری است. »

در و امیر ۱۹۴۵ مکتوبی که اغلب کتبی در آذربایجان ایران موجود است که بقول علمی
 تحت ذر وقت ایران، از طرف غرب دیورات توده ایران، که کاتبان مغول
 صحنه، تهیه و تقویت میگردند. حکومت ایران خواسته بود خوانی با زرب کبان کتبی
 و اشغال روسها بود. اعزام کرد ولی این قوا در نزدی از طرف خودی که توقیف شده بود
 علمی با و دانش تعلیم میگردید در تهران بسیار و از طرف غیر مغول کتبی ایران در دانش
 کتبی صحنه علاء و کتب فلسفاتی کرده و آنجا دار است که اینها آنها را خودی
 از دقت در کارهای علمی ایران مانع شده و آنها را سرهای خودی نمانده. آنای
 علاء و علمی صحنه نظر بر سر کتبی خودیها را به صفت در کارهای داخلی ایران
 متمم کرده. از طرف دیگر از کتبی صحنه آذربایجان را در سیم به زرب کبان مغول
 در ایران در آذربایجان علم ادبی است. و کتبی صحنه توسع یافته
 آذربایجانها در ۱۷ کتبی صحنه خودی کتبی صحنه که زبان آنها کتبی صحنه
 خود را اعلام میارند.

بدین اندیشه علمی بوجودت ایران وارد شود. اصطلاحات دیوارهای که مورد قبول
 و خاص با و صحنه و آنرا در کتبی صحنه است. و کتبی صحنه و کتبی صحنه که مخصوص
 جنبه علمی دارند، مثل تعلیم و تربیت مردم زبان کتبی صحنه است. برای کتبی صحنه آذربایجان
 نه واجب علم در (اراد و دانش) آذربایجانها خود زبان خود قرار میبندند. و
 و کتبی صحنه در انبوه کتبی صحنه است. سفر کتبی صحنه کتبی صحنه کتبی صحنه
 برای رسیدن به وضع آذربایجان اعزام دارد. و در آنجا کتبی صحنه دارند
 عده ای که در کتبی صحنه و کتبی صحنه در مواجوا، روسیه و کتبی صحنه و کتبی صحنه
 ولی این کتبی صحنه کتبی صحنه؟ بالاخره ایران اصل کتبی صحنه کتبی صحنه کتبی صحنه
 که آنای کتبی صحنه کتبی صحنه کتبی صحنه کتبی صحنه کتبی صحنه کتبی صحنه
 پدید بود. و کتبی صحنه کتبی صحنه کتبی صحنه کتبی صحنه کتبی صحنه کتبی صحنه
 ۱- دولت ایران کتبی صحنه کتبی صحنه کتبی صحنه کتبی صحنه کتبی صحنه کتبی صحنه

خواهد بود که جنبش از زبان بیان از اراده مردم سرخنده بگذرد.

۲- دولت ایران نواقص نیست که این کمبود در باره زبان اغلب با وسعت خارجی دولت مطابقت نداشته، زیرا اوضاع فعلی فقط فقط جنبه وجودی خارجی در امر است.

۳- از کمبود سه جانبه از اصل مسأله خارج شود، دولت ایران ناچاراً مسأله را اصل از بیان اولین دوره شورای امنیت، در آنجا مطرح خواهد کرد.

چنانکه می بینیم محدودیتهاست برای کمبود قابل توجه است، علاوه بر این کمبود را می بیند.

مسلطه دولت مجلس اکثریت را در مجلس از دست داده و تقسیم گرفته شود که اختلاف نظر شورای و ایران بطور دوستانه حل شده و نتیجه شورای امنیت را از دست داده شود.

موقعیت مسیبه احمد، اجری و زرخفت، اعلام داشت که در احوال ایران و کشور در شورای امنیت مطرح خواهد شد، مسأله نقطه جالب توجهی نخواهد گرفت.

از اقلیتان، که بر دلیلی تکرار صدای سخن ایران بلند کرده و مکتوبه «بواد ایران» در حاله آقای لوسین را تکرار می کند که:

«در این مقدمه که با غرض از دست گرفتن ای ذرات سلطنت بر روی میزیم، با ناخوشی می شود»

«آنها سخن است درام و آبی سخن است»

خبر اصلی از مسوولان است که در بیان از دست گرفته و در صورتی که بیاید، در صورتی که بیاید، در صورتی که بیاید.

که در واقع نامبرده خود را برای هجوم تهران اعلام می نماید.

در نهایت همه در اقلیتان خواهد داشت و بلاخره در نتیجه است که محکم است و ضمیمه می باشد.

معروف نیست زیرا ادعا کرده که وضع خاور میانه بحرانی است.

سر کبر ایادی در نتیجه آقای ادوی و کمون آقای سران او غور الملائه است کرده و وعده قیامی میدهد. مردم تقیری از خود بیان نشان میدهد که دولت ایران بجز برتر رشا اعلام وارد که دولت نامبرده بگنجینه است، برای بار دیگر مکتوبه می کند.

داد شورای امنیت مطرح نمائید. در این بین آقای حسن علاء که بگفته استوری برای طرح مسأله در شورای امنیت

نداشته و در ضمن نتوانست شخص خود ببرد ، لغیر آنکه در صورتی که در آنجا بود
 تبادل نظر می دولتی ، و شاید در حقیقت در زمانه قاجاران که در آن زمان
 روزنامه های ایرانی که به دست قمر محمد اخبار میمان آنرا میخواندند خبر میسرینه که اهل آن
 آنستل نتوانست لغت را ، لغویان تنها چاره عمل اختلاف ، ایران و شوروی ، شرح
 کرده است ، قطعا اطمینان از شیوع چنین خبری بسیار آشفته اند .
 بالاخره چون عمل اختلاف شوروی و ایران شورای امنیت اجمع شده گردید و توافق مبنی بر
 بحث در اطراف این مسئله به ۱۵ آوریل برکول شود .

دینا نظرداران است ، ۳۰ آوریل شورای امنیت تصمیم بگیرد که دولتی ایران و شوروی
 باید قبل از ختم نه گزارشی های خود را راجع به نتیجه از یکدیگر از قوای شوروی ، اطلاع شوروی
 امنیت باشند .

صحن علاء بادرین میخاییم ، زواد دولت ایران در ۱۷ آوریل شورای امنیت اطلاع میدهد
 که از دولت شوروی که در آن وقت و لغت مبنی که مسدود ایران را از دستور روز پنجشنبه
 نیویورک تا آنکه خصمانی شده بود لغت مبنی بر شوروی در تهران آغازی ساد جکیف دولت ایران را
 تحت فشار قرار داده است . شوروی به راهی برسون برعکس بکار خود ، و دلیل آن حتی میسر
 و از این طرف تان نوو ، پوسید و ادو از آنکه خبر میسر به که شوروی عمل دارد در حقیقت شروع شده
 ماه مه براه حوادث است . در حقیقت هم در حقیقت شورای امنیت اعلام مبنی که اگر تا به
 بیستم خبری راجع با وضع آذربایجان برسد شورای امنیت و قطع خود را انجام خواهد داد .
 حکومت ایران با دولت شوروی وارد شد در . سده و در ضمن ، دولت آذربایجان
 بر اطراف برقرار نیامید .

در اواسط ماه مه تا سینه کان آذربایجان از تهران دست خالی برگردند و این کار باعث
 تطهیرات زیادی بشود .
 در تهران بعضی از روزنامه ها که مسدود را بخوبی حلالی کرده بودند عقبه داشتند که سفر شوروی
 باید در این خصوص با یکدیگر نامه ، عده ای از روزنامه ها مانند اسپر دیکت و وزیرای میسکی
 قنلا و در پیترو و نیز آگاسی سپهر را (که در پیغم آورنده از طرف قوام بچشم تقیض های ضد ملت
 گرفتند) لغویان ایجاد کننده نواحی مهم می کنند .
 بدینجهت خوب کرده وضع بعضی از وزراء را تقاضای کند . در طرف این جریان است
 قوای دولتی در اطراف آذربایجان بحکیم مواضع ببرد ارجح است .
 صحن علاء در و استثنای روز ۱۸ مه ، پس از تبادل نظر با کارکنان عالی رتبه آذربایجان

بروزنامه گفردان اطلاع میدهد که اگر روس ها تا دو روز آذربایجان را تحکیم نکنند، خطری
آزاد دوباره سید را در شورای امنیت مطرح خواهیم کرد، زیرا علاوه بر سید و علاء ارد
در تبریز آقای پیشه روی ضمن لفظی چنین اظهار نموده که :

« دولت محلی، از حفظ تشکلات قوای آذربایجان، سید من زبان آذربایجان (دیوانی)
لا، لشکر، اداره صحت، لغات اجتماعی، ... بهیچ وجه دست بر نخواهد داشت
وی البته در است که بادل نظر بین حکومت مرکزی و دولت محلی دوباره شروع کرد
و اضافه میکند، به حال با علی رغم صل خود، برای حفظ آزادی خود حتی بجنگ
برآمده است ام حاضریم.

آقای قوام السلطنه در تهران سیاست ضد اجتماعی خود را چنین دفاع میکند :

« این اشخاص باید بدانند که سیاست من حفظ تعادل بین انقلاب و شوروی است
« همچنین آنها باید بدانند که هیچ دولتی حق ندارد در کاری داخل ایران مداخله کند. این اشخاص
لا باورفت و آن خود لفظی است که در طی موجودیت ایران را تهدید میکند. ...
قاعده و رئیس یک دولت با هر چه دارد و هر چه کار باشد. ولی به نظر من آقای علاء
از هزاران فرسخ فاصله از محلیه، فقط درسی که هست که از آب گورده باقی گرفته
و از این اوضاع استفاده نمائند.

در ۱۹ مه روزنامه «طلی مقالات» در روزنامه «خبر» در ایران را باستان
و ادبوی تبریز اعلام داشته و نوشته که اولین جلسه در تبریز

در بیستم مه علاء از وضعیت، برای ارسال به دولت است استفاده کرده
اگر معنی سیاست را ایجاد تفان قبول نمانم باید بگویم که در تبریز آمده و بدست مبار
سیاسی بوده است. به نظر من که دیوان پیش بینی کرد عمل مناف از لیون رسیدگی،
کاری بود برنده او صبا، زیرا در انصورت نموده همه که آیا در صبا در لباس کومل
در آذربایجان مانده اند یا نه، به حال رسیدگی در لفظ مختلف آذربایجان بواسطه
سقف قدرت تهران غیر قابل عملی نظر میاید.

و هر چند آقای علاء راجع به اکران ایران و آذربایجان، اطلاع رسمی از دولت
تبریز به دست نگرفته بود، معذرا، اصل قبل الوقوع خود کیفیت که از این اختلاف
منبر بجنگ شود «خط صلح عمرین و امنیت بین المللی صبی و فوری خواهد بود»
این عمل علاء نیز که خاوش کردن آتش با ترسین میاید
تکذراف قوام السلطنه هم نفس کل شده ای امنیت با انواع مختلف تجزیه و تحلیل شده.

و در این بین علاء را برای تجزیه و تحلیل که از آن سرگرد، باید گفت
 از جنس درجه رفیق ایران، پیشه روی ضمن لطف خود جنس اطمینان است
 « در صورت احوال نفوذ از طرف قوای خارجی در خاک ایران، از طرف پروردگاری که نخواهد باشد »
 « قوای ما برای دفاع ایران را آذربایجان خواهد ساخت. »

گذارد روزنامه نگاران خارجی در پی این باشند که مردم را بمباران کردن را می عادت دیند!
 تو زان بیابان خواننده دانشه افتری بجز فصل رسیده! این خبر کاملاً صحتی بود
 دینی نگار و سایر از همان موقع که اطلاع آن ناقص را از امر خود بود، راجع باین صفت
 اصلا ب چنین اظہار نظر نکردند:

« پیشه روی در نقاشی باید ادعا کند که بنام ملت کار میکند، با دلائل قانع کننده و عصبانیت
 « بمقامت نمایندگی خود بر سر سرزده خارجی. »

حقیقه سخمه پس در نگار خود از تهران ساعت ۱۶ روز ۲۱ مه حکومت
 تهران با اطلاع و استنوا بر آنست که ارتش سرخ در ۶ مه تمام آذربایجان را محاصره کرده
 از تبریز و تهران خبر رسیده که نزاع صحنی محتمل سرحدی قطع شده و نزدیکی این از ختم مذاکره
 در رسیدن گزارش وقت خارجه، مجلس شورای ملی تشکیل خواهد شد.

در نبودن عده ای از بیبری که بدون اطلاع بودند، شش نفر از بیبری
 اهل و دوستی حلقه تهرانی است در ۲۲ مه ساعت ۱۵ دقیقه ساعت ۱۵ دقیقه در محل تجمع تشکیل شد
 از دستو حاضر بود و عینت نامبرده باینه نامف است در این جمع و بی و دستا خود گفته
 آنی سقیوس نمائیه ادله، مقدمه است که آفرین نگار راجع به ایران از قوای شوروی
 قانع کننده نیست و علاوه آنی علاء اصرار دارد که در محراب این نگار از دست در آید

و بیخیزه لازم میباشد که یک کمیون تقیض از طرف تهرانی ملل سخن بگویند و بسال ایران اعلام شود.
 عصبه الک اندر کار دهان نمائیه اطمینان چنین است. نمائیه اطمینان لا اثار از
 آنی علاء میگوید که آیا روشیه تنها دولتی است که در کارهای ایران دخالت میکند؟
 علاء خود نمیداند که انقلابیون آذربایجان را قوای شوروی صبح آوری کرده و تسلیم داده است
 و اضافه میکند که شما مطمئن نیستید که حتی در حال حاضر هم روشیه دست از انحصار کشیده بایستد
 و علاوه بر این است که هیچ دولت دیگری در کارهای داخل ایران دخالت نکرده است.
 بلا فرجه با چشمه رودی کشیده ایران بجله صدی موقوف شود.

این کار باعث گریخته زیادتی برای روشیه و ملی آید تهرانی است
 پس از حصول نگار و مجلس دولت ایران، که در زود درج نفوذ راه عمل دیگری پیش میبرد؟

«در تحقیق اخبار واحد که قوای خودی آذربایجان را خنجر کرده اند، تقصیر قسم کمترین و سنگینی نطق است»
 «آذربایجان، تبریز اطراف، مرند، باکو، خوی، سلماس، حلفه، رضائیه، ساندو آب»
 «اغام دارم، گزارشات واحد صحتی است که اثری از قوا و وسائل عمل و فعل خودی در آنجا»
 «وجود ندارد، لغوار افکار دشمن با وجود آن عملی، اثرش خودی در ۶ ماه مه آذربایجان»
 «در آنجا خنجر کرده بود. انشاء قوام السلطنه»

نمی‌دانم دیگر می‌تواند ایران امرکف و انگلیس اتحاد خود را نسبت به علاء خط خواننده گردانند ؟
 ولی احوال دست چپ تهران و آذربایجانها در قوه‌های خود حق داشته.
 حال آنکه روس و عثمان آذربایجان را خنجر کرده‌اند و شورای عمل خود را خنجر کرده، طرفین وضع
 محلی و بیرون تحولات زیاد، خواننده توانست مسند را چنین خود عمل نماید.
 قوام السلطنه بعضی اصلاحات لازم را کرده و با نفوذ شخصی خود گروه‌های پانقلابی ایران را
 را از بین برده بود.

احوال دست چپ و راستی است ایران، در تقاضای خود راجع نتیجه در قوا دارد
 نفت انگلیس و ایران، در قوا و ادبتهای خودی راجع نفت شمال
 یافتی سنگین، و بهر طرف خودی که هنوز قوای انگلیس بحسب و جوهر را
 خنجر کرده‌اند، قاعده انگلیس و بهر طرف خود می‌روند، معلوم نیست
 و احوالی حسن علاء مسند را خنجر لازم بود، در تهران این است مطوع شود ؟
 بلافاصله سوم اردیبهشت یعنی همان زمان ایران در تبریز معاهده‌ای امضا نمود که موجب آن
 قوای طرفین با حفظ وضع فعلی خود از اقدام به عملیات خودداری خوانند کرد.
 در نوزدهم اردیبهشت خواننده ایران معاهده‌ای را که همان قانس در تبریز با دولت پیش خودی
 امضاء کرده بودند تصویب نموده و بدین طریق از جنگ مسلحانه جلوگیری نمود.
 موجب معاهده نامبرده زمان از تبریز جدا شده و ولی زمان ترکی و ترک خودی را
 وسیعی برای آذربایجان برکتی نتوانست نمود.

تا نیز با یادآوری اینده شهرستانها به برای تهران «گادشیره» بود و دولت
 مرکزی علاقه‌ای به منابع و احتیاجات آنها نداشته چنانچه اضافه نموده :
 «راه جاده نفت که به تهران هم، آنچنانکه با آذربایجان داده شده، و غیره»
 «سپردن کارهای محلی به همانند همان وقت و تخصص وقت عمده وزارت با احتیاجات محلی»
 «و توفیق مردم فعالیت های سیاسی بود، بدینجهت این زمانه که قوام السلطنه»
 «در خیال اجرای آزاد دارد مورد آذربایجان و قبول محرم ملت انگلیس است و انتظار مردم»

« در اثر اجزای این برنامہ ایران دولتی نبردند و با جدت نمود. »
آیا بهتر نبود تا نزد برادر آذربایجان از اول چنین اظهار عصبه کند ؟

فصل دوم - ندای آزادی

در توفیق رضیت در ایران جوانی خود را طی میکرد ، آنگاه با سلطنت در جواب آنکه کون بگویم
که اوضاع ایران را خلاصی که امیرالمؤمنین شخص داده بود ، در روزنامه کرامتیه در تاریخ ۲۳-۲۴
دی ماه ۱۹۴۵ چنین اظهار داشته بود :

« ایران که اسم صبیح «پری» میباشد ملک بسیار وسیع است که علی نصف از دست برادر و از لحاظ آب و هوایت
« در صحتی در آن زندگی میکند ، حکومتش در دست طبقه مالکین بزرگ میباشد که در آنجا با او در جنگ است »
« گناه خود و دیگر کرده اند . در سال ۱۹۳۳ ، تصدیفی من این بزه داد که مستقیماً با آذربایجانها تماس »
« حاصل نام ، آنرا از طریق سیاسی و اقتصادی مملکتان با من صحبت کردند و میخواستند در برودند »
« توئی خرابان و آشنایان است صبیح بنام مرفقه . »
« آیا برعکس دیدیم که شما برای ملک ایران از حکومت خود اهل ایران ، از میان برعکس ، همان است »
« متحمل شده ، برای دولت قضایای گامی نیست ؟ »
« بنظر قبول نمیکند که احکامات آزادی را محترم شمرده شود ؟ »
« برنامه ای نزدیک به براس ، از برنامه اولی که آذربایجان تدبیر کرده ، برگزیده کرد ؟ »
« رعایت خودمندی آنها در داخل دولت ایران ، یکبارگی این یک برنامه وسیع برای اقتصاد »
« در وقت ، چیز نیست که آذربایجانها میخواهند »
و آذربایجانها آنچه را که میخواهند به دست آورده اند

تا به علی رغم احترام بدش ، به خاطر با او بلا تشرف دارم ، مقصد بود که این عمل همین راه حل
قضیه بود . لکن واضح است که بدست آوردن این اقیانات میدان باسانی هم صورت گرفت
این تغییرات به یونان وجود آمده و این اصلاحات در بر آید چگونه در مملکت که هنوز دوره خودتالی را
حل میکند ، توانسته عملی گردد ؟

در این باره در روز دوشنبه ۳۱ مارس ۱۹۴۶ تحت عنوان « دین ایران » چنین مکتوب :
« دینی نبود که در دین او کسی را تقصیر بخواند ، برای آسمان این مملکت و دنیا دارایی است خواهی بود »
« در اقسام الامم ، مردم ایران عالی بنی و مسازت با او ، وان بود ، از زمین با علی تا اروز »
« علاقه خود را با دنیای خارج قطع کرده و در غایت آن بوی جوانان کشید بود . »
« غار صبیح با او در خود در اینجا روح حیاتی در این مملکت تحت دعوت و دعوت و باز در مملکت تقویت »
« دمی که می آید آن برادر و کسب در مملکت و مملکت را به کز سلاطین رسیده از میان خودتالی »

« و بالذات عمده و مقصد از شمار غیرتند راه آینه با و تیره تا جای راههای بیادین و کاروان لورا »
« اگرچه طلای خراجین مثل آب در امیرالمؤمنین شاه لکار افتاد »

اما غیرت آدی نه غیرت حاصل از ورود خراجی نبود بلکه تا آنکه در اجتماعات غیرت
محسوس گشت. چنانچه نوشته اند آنها نور زنده را بخوبی دید، گوشهای گشایی شده است که
بروز حکایت « آزادی » و غیره واقعه بود شنید. البته افراد هم بی نصیب نماندند.
در نوشته ای که گشت و شنیدن در سال ۱۹۳۸ نوشته چنین گفته بود:

« در کار رسیدن اسس خردی و زبانی و طرز احسان باور اینها مثل نوز یکسانه و این دلایل بسیارند »
« که افراد در در خواستهای خود بدست قتل و آزار می رسیدند. بعد از اینها امید داشتند که در آینه در آید »
« اهمیت همکاری دولت کرد و ایرانی را در دست نماند »

افراد در در خواستهای خود بیای می گفتند؟ هنوز ده سال از این قضایه نگذشته که او این
مشغولی کرد در ایران شنید. حال کی کیفیت موجود آن این جمهوری را به حق نام.

وضع افراد ایران قبل از جنگ چگونه بود؟ در این باره کتب الفیضون ماحول خواهد داد:

« در ۱۹۲۲ رضایان که بعد از جنگ شده و هزار تنه در حق راجع آوسی افراد آغاز کرد »
« صد تا نفوز از لورا سهران و غیره تبعید گویند، اطراف آنها فرا حاصله صحت در آید »
« در در این نواحی صفت های سرخیزی، بطور مختلف و مطابق المقتضی را به هم بر مصلحت »
« افراد که بزرگای خود را از دست داده در زورق رسیدند و بی وسیع اداری ناچار کارخان »
« در ایرانی تنگ آمده بودند احسانت بی در آنها، نسبت به دولت ایران ایجاد شده بود »
« اینها در اینست و بگویند از آن درسی هم نیست که بگویند »

« در زورق رسیدند و وضع ناچار کارخان ایرانی، بلکه نوشته شد در الفیضون
و حرفهای نامبرده کاملاً صحیح است »

« در هر فرضی سخن میزد که ملت کرد را خلق صلاح نماند، تمام تقاضات اجتماعی افراد ادبی »

« یا اقتصاد، کتب منوع شده، و در دستهای گرامفون بگردد، قدغن شده است. به طوریکه »

« در در آنجا افراد لایق کرامت می گویند، در او اینهم آنها را در او اینها می گویند، خفته »
(از مسائل ادبی و فرهنگی نیم سال ۱۹۳۴)

نصفه از خلاف آنچه که در نوشته در آن بروج میروست، افراد ایرانی هرگز بر عهده دولت
ترتیب نگرفته بودند. اسلحه آنها مسکون در ۱۹۳۲ اید این برای این خود می گویند بود
که دستگیر شده و در آن محله بقیل رسید. بازم کتب الفیضون مراجعه کنیم
« واقعه خورای الفیضون در آن وارد ایران شده، آرتس ایران بزرگی بر آید »

« از بین رفتن کنترل قوای ایرانی، نکته مهم دیگر، حسن نیتی آزاد را میسر کرد. »
 « در نطقه اسلامی از طرف شوردها، که تمام قوای ایران را بر کرده بودند. آزاد را از بین آید کرد. »
 « در غارت کرده و خود را مسلط نمودند. فرزند آن دزدی را که شروع به اجابت از ایران کردند »
 « دولتی از بین رفتند همه رتبه که استوار جهانی می باشد است و از طرف طایفه سزاده بود. »
 « از دستهای اطراف خود جمع کرده و کنترل بر دست - بانه - در آن را در اختیار خود گرفت. »
 « حکومت ایران که قدرت بقایده با هم رتبه یافته است. خطا اکت قوای فروری را با هم ده »
 « در سال ۱۹۴۴ یعنی بزوان حقوق است را به میر داشت. در تاریخ ۱۹۴۴ یعنی هم رتبه دکل دیگر »
 « از دزدی کرد، محمود آقا، که حکومت در آن از طرف دولت ایران با هم رتبه شده بود. »
 « از خلاقی اتفاق افتاد. محمود آقا با گفت قوای دولتی که عبارت از دولتی غیر قوای »
 « از خلی بود، هم رتبه بود که بزوان در آنجا. با هم رتبه قوای ایران. در سر حده خونی کردن »
 « از زمانه اتفاق در آن وضعیت حاکم شده. »

قوی هم رتبه بر سر جمع است

بویای فرج حسن آزادی در کردستان دمه شده بود

« از ادواتی نفس می کشند و بدون آس و آس بر این مادی خود حرف میزنند، او زمانه های کردی صاب
 و منتشر نمود، و خلاصه افراد مستقل از دولت ایران زندگی می کنند.
 او زمانه های تهران که شده آسان رتبه از این و حال خوبی میزند. با قضاة انقلاب
 تلاصق در عراق فرج پیوست و هم آن وقت که این انقلاب از بین ایران را هم را هم
 صفا خارجی ها، مخصوصا روس ها و انگلیس که ادنی تقصیرات است. با دولت گرفته شده.
 یکی از روزنامه های ایران، اوس در شماره ۱۲۸ مورخ ۱۵ شهریور ۱۹۴۵ خود
 در این باره چنین نوشت:

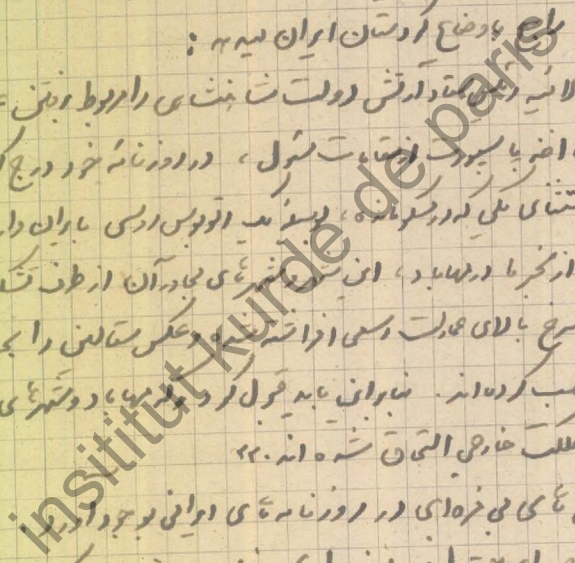
« اگر ما از خودمان سوال کنیم که چگونه از زمانه استقلال کردستان بوجود آمده باشد می گفت بر ارام »
 « در حقیقت لازم است که بگذریم از سلی دور نظر است. و آنچه را که در درای بود های صحنی »
 « که در روی کلی از جزا وارد کرده باشد، نگذرد. از این تمام، قیت این بوده است که این »
 « مسئله حل شده و از آنجا بجای می آید برات کرده است. »
 « ولی اگر انگلیس با در این قضیه رل اول را بازی کرده اند، شردی هم در وجود آن آن
 بی تاثیر نبوده اند. »

مصدر ایرانی ال صبا (سال سوم شماره ۱۵ - ابر ۱۹۴۵) به عنوان خبری را از هم میگوید:
 « مدت زمانی است که افراد آزادی در کردستان مستقل می کنند، آنها دولت ایران را تحت »

« عنوان عاملی خاصیت متم کرده و میباید که دولت سبهای تمامی با ما مثل برده رفتار را است »
« قضیه جنس ارادکارانهای نبوده و از اینجاست که پیش شرح شده بود ولی دولت ایران محض جنس است »
« و از این جهت اعتقاسی، خواسته بود قضیه را مکتوم نگه دارد »

« یکی از اجواب هم اردستان، خوب گوید است که نظر ارادار با تمام و سلی که درست دارد برای »
« در مثل با آزادی و استقلال کامل، پشتیبانی کرده و در این راه مردم را بابت انقلاب عمومی دعوت گفته است »
« از این جنس انقلابی بود که قدرت خارجی تقویت نمود که در صورت لزوم دستورات لازم را »
« تجزیه نام کرده بود، چنانکه در موقع حاکمیت و برای از بین بردن شورشیان است به این قضیه شده »
« و دیدیم که تا در حمله دستور از آن قدرت خارجی رسیده، انقلابیون بجوای دولت محدود شده... »
یکی دیگر از روزنامه های ایران، ایران کوشی در شماره ۲۵۰۲۲۸ تاریخ ۲۵ آذر ۱۳۰۴ خ
اطلاعات دقیق بر این موضع اردستان ایران میهم :

« خیزش قبل اعلانیه (مجلس) که در وقت شجاعتی را مربوط به بنی عمه ای از ارادکاران »
« برکنده، بدون اغراض یا سبب است قبول، در روزنامه خود درج کردیم. چنانکه روزنامه »
« تمام این اراد با بستنای ملی که در روزنامه، پس از آنکه او پس از سی ماهان دارد شنیده »
« نظار اطلاع واحد از خبر ما در همانجا، این سخن را که میگوید آن از طرف تشکلاتی که بیان کرده »
« اداره میخواند، بر هم سرخ بالای عدالت و مساوات و عکس متعادل را بجای عکس ارادکاران »
« در اینجه اولی لقب کرده اند. بنابراین باید قبول کرد که در اینجه، در دستهای مجربش از ارادکاران »
« صراحتاً و بیست مطلق خارجی الحاق شده اند »



تمام آنها عکس العمل های بی خبری در روزنامه های ایرانی بوجود آورده اند
ندای عدالت (صدای حق) یا آزادی (مجلس) : « در این ارادار با همه با هم بود »
« در وقت کردی آنها را باید از بین برد ». عمده ای دیگر احصای و در نتیجه که در فاشیست است
و نه در مکتب است. همان اراد که حقیقتاً روزنامه می گوید « باقی خواندن در متن »
« زبان کردی را منجم کرده »

اینها را که نقل کردم خلاصه ای از نشریات اتحادیه جوانان کرد بود که روزنامه ایس ام آنها را در شماره
۱۳۸ خود آنها را نقل کرده است

کمتر می زند استن یک قوه پیش بینی از طرف بعضی که لازم بود دستور از نقطه نظر قدرت نگاه داشته
باعث شده که در پس در اراد کارتری داشته باشند، توده کرد در یک محدودت اجتماعی که نقش
از سبب برالین بزرگی چون ذوالفقار، زلف بگرد، حرف زدن و در این زبان کردی برای آنها
منجم شده بود. خواستارینش آنها در پس، این است که در این قوه از پیش بای ارادار داشته

الفیستون سلوین :

« در سال ایران آزاد شود و رسیدن بود ، و در قید سرودن در سال ۱۹۴۱ با ایران وارد شدند »
« اگر از خود میدهند که در مس برای نسل با استقلال ، از آنها پشتیبانی خواهند کرد ولی وضعیت مطلقا »
« درست درس با باطل بودن چنین عقیده و آرزوی راتن داد . »

شهادت این اقلیت برای ما بر اهمیت است . به نظر آقای تون کیج وقت ده محفل او اثر
بیشتر سلوین که نماینده یکی از انجمنی آزاد برای بزرگترین وضعی خاصی بود و واضع کننده
« سرودن با بیست و سه خود را ، در حالیکه استقلال مکنه ، روی استفاده از درجه پنجمی انجمنی »
« قرار میدهند در آذربایجان آنها از برج در شقت در آتس که حتی قادر بر حرف زدن »
« زبان خود نبودند ، استفاده کردند . »

مبارکی جاندار که با خود دریا را مقصود کردیم . یک روز از باره (پروژه امینی ۲۵ ۱۹۴۱)
در این عقیده با ما همراه :

« این نامه در محفل مکتوبه که برای آزادی بخشی برداشته ، بگویم دست مسوولان است »
« واقعا چنین ادعائی بیشتر اقمه از خود را در . چنین آزاد در خارستان یک عمل خود بخود است »
« و از ترکیب دوست با پیچیدگی در اس آن در حالت دارد . چه اجدهی دارم که برای محفل عملی است »
« قضای محفل دور بردم ؟ اگر چنین است عطف از محفل است . یک وقت پنج دهم برای ۲۴ »
« است آوردن حقوق خود و احتیاجی به حقوق خارجی . لازم بود در دلهای مسوول در عده ۲۴ »
« خود را بجا میآوردند و حقوق آزاد را محم مستردند و آنوقت ملاحظه که تمام این محفل »
« بود سلوین خاتمینه گرفت . لکن آنها نسل انده با بچه سرورده اند . خط فسط و این است »
« مسند کردوا اظهار کنند ، چگونه چنین مسدای هرگز در دست است . »

در معرفت آن ملت که در دلهای مثل دولت ایران بعضی ایالات را با استفاده از دیگر
تا نیز نمیزند « گاد شیرده » فرض نمایند ، روز آن رسیده که این گاد با خطرات خود در میان
دولتها را تهدید نمایند .

وارد پس یک روز نامه فزونی کاری لبی از دست طولانی در گرفتن عاق و ایران چنین
دلها حصه نمایند :

« در دلهای مسوول کاری برای آزاد کرده اند ، رسیده بپاران و اعزام تواریشین نیز مسدود است »
« بهترین راه تحقق مسد این است که مثل وارد بر پس محفل واضع در این که قضیه
از چه قرار است . »

فصل سوم - جمهوری خودکام بود در مهاباد.

از ماه فروردین ۱۹۴۵ که روزنامه های بین المللی تازه شروع به شرح فرسایشی در مهاباد را کرده بودند
آنگاه بیکر کوفمن در ۲۸ فروردین نامه کوه صاحبان المپاد عهده نمود:

« در ایران قسمت کوچکی از آزادی بحال مستقل زندگی میکنند و در آنجا من است پس قسمت ناخوش
« باعث یک انقلاب عمومی گردد. محل آنها در جنوب در حایچه اردو می باشد و جوداع یا مهاباد کوهی است.»
« منطقه اشکالی اقلیت های بیانی نقل نموده و در حوالی سفر خاتمه پیدا کنند. حوالی روسی هم فرانسوی است را»
« در استقبال کرده اند. در این منطقه کوهستان است که ملامصطفی با قوای خود پس از فرار از عراق است.»
« مبارزانه ای قوای ایرانی اقلیت، ممکن کرده است.»

تا اینکه بیچ روزنامه ای فتنه ای از خود حین نقلی را نموده که از او در آن دور از حور
در آن آزادانه و ضمیمه از هر گونه اشغال خارجی ها، زندگی کنند. حتی روزنامه های ایرانی
در سپتامبر تا اکتبر که در این قسمت گذشته بودی از آنها مردم نواله بودند روزنامه نگاران
اروپا و امریکایی بی مسئله کوه نمایند. فقط در ۱۶ مارس سگوانی از نجر جزایری زان
در قاره شکل یک حکومت مستقل در اعلام کرده و حین گفته بود:

« در حاصل سیاسی قاره میخیزد. بر اینست که با طریقه حکومت ایران از شکل بد حکومت
« جمهوری که مطیع بود، حکومتی می نماید و آنرا در آن بنحیض نودند. و علاوه بر این است»
« مقتصد که حکومت کرد ممکن است تمام اگر او قسم از کوه تا اکتبر به در مهاباد و نوالی»
« در شمال عراق، بر وصل و کوهکوت را بباری بطبقه. از اینها در مهاباد قوای کوهی است»
« با دولت آنگنه، از باطلی با دینی قضیه خواهد داشت.»

از لندن، نمایند جزایری زان در همان تاریخ خبری در مهاباد بود که با بیانی اطلاعی
نویسند. و اجمع میکنند که در باطلی اساطیر اقلیتی است اوقات بخردند، و دولت نمایند:
« قبایل کردی که اعلان جمهوری کرد خود نمایی کرده اند، قبایل ولسی ای هستند که در آن است»
« آذربایجان و کوهکوت و عراق زندگی میکنند. عده انقلابیون تقویت یافت و از آنرا است»
« در کت فرانسه می ملامصطفی داشته نامردن در بار گذشته انقلابی در مهاباد و در کوه قوای»
« اقلیت سرکوب شده در ایران فرار کرده بود، دولت عراق از هم شر انقلاب قوای ایرانی»
« بحال فرستاده بود.»

نگارانی که از لندن خبر به فرود حین معلوم است! باید با کرد و حین خطاب کند و برای ملامصطفی
که این آری نه است، و مایه خواهی بود، برلی در این جمهوری قابل خود را
من پس ستم اخبار مصطفی را که از روزنامه های کوه مهاباد جمع کرده ام، برای آستانه در خانه

وضعیت این صند جمهوری مستقل کرد. بیان ۲م
 خلاصه از وضع درآمد قوای متقاضین با بیان، منطقه کردتین واقع بین حدود و دریاچه ارومیه
 صورت خودتیری اداره منطقه و تنها ۱۱ ژانویه ۱۹۴۶ بود که جمهوری مستقل این ناحیه
 رسماً اعلان گردید. رئیس جمهور، قاضی محمد که در حدود ۴۵ الی ۵۰ سال دارد یکی از
 دانشوران است که با عیب زبانهای خارج آشنائی داشته و از برای خود برای یک مجلس از اسما، دولت
 سعی در گفتن نموده است. اما وی بواسطه قریباً اطلاعات نسبتاً خالی که داشته سخن نادردهای او در
 برقرار و اجتناب شرح نمیکند:

- « در نزدین قاضی محمد، در سرد هم و انوس، در مهاباد یا پت جمهوری جدید، در وضعیت بر هم آورد،»
- « (سر یار و عودی، ترتیب فرزند خند و نیز، که در و سلطان از نشانی سر شده) اودی عمارت»
- « دولتی از اوسته منطقه در بر هم کرده و چنین قسم یاد کرد:
- « ای پر هم از ادلی که بعد است، ما در مقابل تو قسم میخورم که برای همیشه متحد بوده و نشد،»
- « اتفاقاً ما با پر هم، ای پر هم، امروز ما فقط موفق شدیم که قوای قس از کوردان»
- « بر از انیم، فردا که در تمام کوردستان هزار دو آبی، فردا کوفی و باغی را از این خواهی بود،»
- « فوند، باد کوردستان بزرگ!
- کوردستان خودتیر، کوفی از ذنب برنگه و از کوردستان، با و غنی (ار از برای ن ایران) در جو بی
 مجلس عراقی کوردان که در عراق محدود میبود. کوردی و کوردی در خود خورده این جا بود.
- ارامه در شهرهای خوی، مابو، رخانه، سینه و آب، کوردستان، با و کوردستان
 از ادانده است آورده اند استفاده نباشد و در عین حال کوردان کوردی می بود آن و به کوردان
 خود که نظر مصلحت و حق نیستند.»

و در اقصای شمالی کوردستان که در روز اعلان جمهوری است، قاضی محمد کوردستان و کوردان ای
 افتتاح کرده و شروع نشر اردنانه و کوردی دولت «کوردستان» نمود؟ در بالای ادین
 شماره های این روزنامه بخط در است «بنام قوای متقل دی مابا» نوشته شده بود که برای
 مراستیجیم کرد. در شماره هفتم (۲۵ ژانویه) آن کلمه قوای راجع به بارانی و در شماره ۴۳
 (۱۴ مه) شماره قانون قوای که از طرف ابراهیم صالح رئیس دوران خواطج شده بود، و در
 شماره ۴۷ (۱۵ مه) قوای مخصوص مالیت زمین را منتشر شده بود.
 هنوز مجلس ملی وجود نداشته و کلمه سی و سه نویی باسم شورای ملی کرد، کار را اداره می کنند
 که نمایندگان معتدلی مختلف کوردان آذربایجان هستند. و علاوه در بر ناصح یک مجلس
 در خط مصلحت آن ناحیه سر پرستی نیاید. قوای پس که از آرتش قوای ایران در مصلحت وارد قوای

محققین بعبت گرفته شده بود، نیز نوشته اند و تعدادشان به چهار هزار نفر می رسد.

نوار اطلاعات روزنامه رسمی کردنان در شماره ۴۵ (۱۸م) خود اینت را داده

یک پیمان اتحاد دولتی مقابل در برابر بی ادبیا کون کردنان انصاف شده

شماره بعدی (۱۵م) افتخار و ایوی معیار و اخیر به چه که در حضور نمایندگان ملت انجام شده

و بهی نسبت نطق عالی از طرف نمایندگان قابل برای دولت، یکی از نمایندگان، که در آن

دوستان، به ارس، یکبار در آورده که تمام این نطق تظلم را می گویند بود

همین در طی ماه به تجدید زمانه ای با اسم خلاصه منتشر گشت

روزنامه گوهرستان در بهمن ماه ۱۹۴۶ یک سلسله نشراتی را باج بر تقدی روز خورشید که عنوان

نمانده دولت تهران تا در بیایان رفته و در دست و پای کردنان گرفته شده در اختیار دارد

شهر و مخصوصاً روی رفتار خوب، دولت مخصوص خود را می نهد نسبت زنده اندیشان و ای ایرانی

در معیار، است از زنده است

شهر از ملی از زندانیان را باج بر تقدی نشراتی که در آن سینه، وی بی بی که جواب می دهد:

« ما در حال که برسد آفت نطق را باج بر تقدی می گردم، دفعه بعد در آن کرد یا تقوی بر همه در حال»

« گوید ای نطق با ایوم برداشته، بی بی ایون ما را اسم وضع موعودند»

در همین موقع عده زیادی از افراد برجسته که در معیار را از نفوذ قاضی محمد زندگی میگردانند، از قبل

به روزنامه گوهرستان، گوه نور، ما، و همچنین نمایندگان کردنان در مجلس شورای اعلی ایران

باید داشتی حکومت ایران در دست و واقفان کرده بودند که

« دانش عالی کردنان، مشکل در سه نفوس نماینده دولت ایران (نخست وزیر، وزیر فرهنگ و وزیر

دولت) معیار کردار دشمنان و اضافه میگردانند: « مسئله شتابان کردنان»

« البته در دست زحمت خود، را می زندگی میکنی، علاقه دارند، بلکه تمام افراد ایران»

لا در ای مسئله علاقه اند، مسئله که در معیار و مسئله تقسیم یک جانبه دولت ایران حل شود»

« رفتار ما با هر اجناس شاهنشاهی و ایران در این مابست و انتظار داریم که دولت»

« فرضی را که باقیه بخش میکنم، از دولت خود»

روزنامه ای گوهرستان که یک روزنامه سیاسی خود، و ما که از شخص معانی علمی و ادبی دولت

به وزیران کردی و فارسی در تهران منتشر شده

در شماره ایکه در اول اردیبهشت ۱۹۴۶ بهی قاضی محمد و نماینده خبرگزاری زانه عمل آمده

قاضی محمد اطلاعات زود را کرده بود:

« اگر خواندن دستور دهم، سه یا چهار روز به چهار روز نفوس (زخیره ضایع) از ایران است تمام»

« گفتند خواهی کرد که بگرفت، که یکی از شده ای هم کردنان در کار تمام وقت است و در تهران»

« ملحق می شویم خواهیم کرد که از ریختن خون باورمان خودداری شود. جمله اوله از طرف ما نخواهد بود. »
در جواب نامه شماره نامبرده راجع به وضعیت فعلی کردنان در قبال دولت مرکزی، قاضی محمد بطریقت خود را در نامه شماره فوق خلاصه نموده و گفت :

- « ۱- اگر از خوشوقت خواهیم بود که دولت مرکزی حقیقتاً توانی دیگر کراس داد و ایران »
- « عملی کرده و آنها را که فعلاً در کردنان اجوا میگردیم بکسبیت بنده این توانی عبیرتنداز: »
- « تدبیر در برادر اس زبان کردی، خود مختاری در اداره امور محلی و قوای ارتش. »
- « فعلاً ما بکسبیت چنین راه عملی قانع و بیان شرط صاف خواهیم بود دولت ایران از تو بکسبیت نامم »
- « ۲- دولت مرکزی در حال حاضر قادر به حل کردن این توانی نیست. »
- « ۳- ما میخواهیم که بوجه زودتر زبان امتحانات مجلس شورای اعلی صادر شود. شرط اوله »
- « که ارتش در امر استواریت دخالت ننهد. »

در جواب سوال « اگر حکومت برادر حادثه بین قوای کردنان در قبال دولت مرکزی از احتمال »
« دخالت خارجی و غیره » بفرمایید: بفرمایید این چنین جواب میدهد:
« وضعیت کردنان با آذربایجان تفاوت است، مملکت با حقوق از طرف قوای »
« شوروی و استقلال شده و از روز فارغ شدن و پیروی، نه قوای شوروی و نه قوای ژاندارک »
« در کردنان وارد نشده اند، و بدین نحو ما عمل مستقل بوده ایم و به نتیجه ما میگویند و دولت »
« خارجی با دراجول نخواهیم کرد، مسئله کردنان یک عمل مستقل است که باید بین اگر آمد دولت »
« مرکزی حل شود. »

« پس قاضی محمد تابع ملت کرد را که برای حصول آزادی بدینست خلیفه اند و در آذربایجان کرده است که در بار »
« خدیو بک گذشته ضمن معاهده روسی قبلی یک حکومت کردنان مستقل بین می شده بود »
« که امروز عمل شده و اگر گفت در خارج چنین نمی بیند: »

« اگر امروز ما در ادعای خود می خوریم با قاضی سلیم تقصیر کرده دولت مرکزی »
« که بیخفاری برای پیشرفت ما انجام نداده است مانده طرفدار روسها در طرفدار اعلی نامم »
« در در ضمن میخواهیم مثل چهار بیان مملکت شدن زندگی نامم. »

موجب معاهده امده در ۱۸ آذر سن ۱۹۴۶ بین حکومت تبریز و ایران منعقد شده
گرفتارن شالی باذربایجان ملحق میگرد و ماده ۱۳ منضم را که برای آذربایجانها
داده بود برای اگر از زیر قائل میگرد.
بنابراین عمده زاید از اگر از ایران که تابع دولت آنها و نموده از این حقوق بهره مند نخواهند شد
دولت اتحادیه در صورتیکه از آنجا بخواهد راهی بداریم، قابل توجه خواهد بود.

در ۱۱ مه خانات تبرک علی بود در غم آباد بوقوع بیوست و طریقه اخراجی از کلبه های
 ترکیه که مصلحتاً در آن در تبعه کلبه بود، نرفته بود، «دره» یکی از کلبه های مکتوب کرد ایوان است»
 کرد کردن اسم راه را جزو آزاد بشود. بخند بهای از شب چهارشنبه تا روز اول فصل بهار
 به نظایق راه علی که مختار صلواتی از نهران اربابان نامی، در حضرت شاهزادگی
 در حدود عراق پیش گرفته شده، دائمی و مستقل نظایق است.
 تمام روزنامه های کوردستان، در ضمن مقالات متعددی کرده اند که این «چگون» به کار
 سایر دولتی ایوان نیز اطلاق شود.

آیا آقای توأم اللطف که را که شروع کرده ناقص خوانده است ؟
 لطریقه یکی از روزنامه های اخراجی از نهران رسیده نوشته بود، رفت و آمد کلبه های
 شماره ۲۸ یعنی به بوم سوزند کرد (قرن، صد، خورشید در وسط) و نهران به
 دولت علی حسب نظر کرده، خدایان با شین معانی «نهران»
 از کوردستان بطور کلی به هم قرار دادی راجع خود می روی کردن، نهران رفته اند.
 حل کرده است.

insitut kurde de paris

فصل پنجم - در برابری آزاد

در آرمستان شوروی آزاد

نام و نام کوچک در برابری لطیف بود

فصل اول - آزاد شوروی

موسسه آزادی در سال ۱۹۲۶ اتحادیه برابری زبانی تاسیس شد که هدف آن برابری زبانی در تمام کشورهای روسیه بود. این اتحادیه در ابتدا در روسیه تزاری فعالیت می‌کرد و به منظور برابری زبانی در تمام کشورهای روسیه تزاری فعالیت می‌کرد. این اتحادیه در ابتدا در روسیه تزاری فعالیت می‌کرد و به منظور برابری زبانی در تمام کشورهای روسیه تزاری فعالیت می‌کرد.

در سال ۱۹۲۶ بعضی از آزادی‌خواهان آزادی‌خواهان شوروی، آزادی شوروی برای تشکیل یک الفبای کردی بجدف لاتین را پیشنهاد دادند. برای اجرای این نظر بر ضرورت ایجاد الفبای جدید تأکید شد. در ۱۹۲۹ الفبای جدید حاضر شده بود که حرکت زیادی در لغت‌شناسی عمومی کرد. آفرین شکل خود را گرفته و تقریباً در سال ۱۹۳۴ به یک الفبای رسمی برای مردم آزاد روسیه آرمستان، آذربایجان، ترکمنستان و تاجیکستان از الفبای الفبای تعلیم و تربیت لغت‌شناسی استفاده نمود. برای تدوین زبان کردی در مدارس ابتدایی (که تعداد آنها در ۱۹۳۳ - دو هزار نفر بود) و کتب درسی (که کتب درسی) تهیه در آن سال ۱۹۳۴ (طبع رسیده) مورد استفاده قرار گرفت. آثار علمی و فلسفی نیز به گونه‌ای که همه می‌توانند از آن بهره‌مند شوند، به زبان کردی ترجمه و در آن سال ۱۹۳۴ - ۳۹۵۲ نفر به آموزش و ۴۳۵۴ نفر به تدریس پرداختند. (۱۷۵۵ نفری آرمستان وجود داشت)

کتابنامه تشکیل نیمه ریاضی (راه نو) ارسال ۱۹۲۹ به، بجدف لاتین در ادبیات منتشر کردند. تربیت معلمین، تدبیرات عالی، کارشناسی زبان شناسی، ادبی و اقتصاد در کتابهای ادبیات علمی، کتابهای جدید، تاریخی، فلسفی، سیاسی، علم الاجتماع، همه در همه با همی الفبای جدید است. از آنستوی زمانه در دانا، از پروردگانه، جدید پنجم صفر ۲۳ از نشریه در بخش شرقی، تحت عنوان سه ترجمه برای ابجد الفبای لاتین کردی در ضمن این لغت از منبر کردی تدریس شد و نوشته‌های جوان فرضی برای این لغت، آثار خود را در میان کردی از عرب شگوف، داستان زبان جوانی که در انقلاب کما لیس از منبر با همی با همی در نوشتار دولت آرمستان کتبی تحت عنوان «دو فرهنگ لاکرمانجا»، که دارای ۴۰۶ و ۶۰۶

و تخری، حکایت، خاطره، اشعار، وادارهای محلی کردی بود در سال ۱۹۳۶ صاحب کتابخانه
بغداد لقب و مدرکس، اجازات ملی ازاد برسد سنما هم به اینگونه از حکایات تخری
کرد فیله را می شده است، و مدنی ترتیب سلطان اردو صلاح الدین که ایل کردی است
او را هم در لیف و شاکر کورد و دیون میانه (مدیران، مرزوبند، کرد، ص ۳۳۸-۳۴۲) در اول
وردی برده سنما ظاهر شده و همچنین بیوان از نمودن، خانی دهم، صبا سنما بیوان، که به زبان
ناطق وند، اسم برد.

بر روز ساعت ۱۱:۵۵ دقیقه مدت نیم ساعت رادوی اروان روی برج کوه ۴۲-۴۳-۴۴
زبان کردی، خبری را کن کرده و از روشی در قصه های می کرد صحنی بسع خنوبه گان بر سینه
همین رادوی تفلیس (آذربایجان) ساعت ۱۷:۱۰ روی برج طویل ۱۴۱۰-۱۴۱۵
اجداد خود را زبان کرده اند.

معباره در تفلیس یک مجله کردی - لغوان «د کور اتفقا» (مؤلفان) که در ای
۳۳ صفحه است منتشر می شود.
خوب خبث بین الملل، با تمامی سباج در هر روز می داد که می گفت خیلی معروف بود
به بیاتان داده و بارش می کردند، همه سالها که می گفت، معروف می، در عقب تقسیم
عالی صاحبش بود که لقب کماب «سباج اتحادی کردی» لقب کرده.

سابق در سال ۱۹۵۹ در ناحیه فارس در آغوش می خانواده دهی چشم بینا کرده
و خانواده اش در حسن خبث تفلیس قرار می داد و در آنجا می می بود. در ۱۹۲۶
از تفلیس به آبادان تغییر محل می داد. سابق در لندن زاد، در آنجا لقب می کردی
روسی، تحصیل نموده در ۱۹۳۸ از طرف افراد الا کوز بچیس عالی توسط می از
انتخاب شد، در حسن خبث بین الملل دهم، با لقب فرماندهی قس از خوا در دفع مکر
شکست کرده در سال ۱۹۴۴ در جنگهای فینک و یورینگ عده ای از دشمنان
محاصره وستی را نابود و ۴۴۷ سرباز در آلمان را اسیر کرد، تکلیف ام سربازان
محت فرماندهی او باز در حد تقابلی واقع کرده و شخصه سربازی از دشمنان گفته بود
بالاخره از رودخانه نادر عبور کرده و در حسن می که رسید عمو برقیه خوانده بود،
موفق گفته بود. و مدنی ترتیب می سیم که استحقاق ارتقا لقب نام کرده را داشته است

روزانه در روزنامه شماره ۵۵۶ تا ۱۹۴۵
آلبه اگر می که حسنه و نه بود، اخباری را که را و لوی می می کردی منتشر می
می شوند. افراد اروان، در موقع انتقال این کشور، فرض می است آوردن که با هم از

خود که در ارتش مسلح کار نموده گفتو نمائید و نیز ضمایر را که در گذشته بر اهل انبار داشته
 و کلماتی از طوالت اجابت آن بود. ببینید و وضعیت خود را با وضع عساکر هم برآوردان بفرمایید
 خود تقاضا نموده و امیدوارم که بعد از برآوردن تکلیف بدینجهت است. برای آنچه در امری وجود دارد
 و حتی باید نیز تکالیف آن از ارتش بخوانند. لایحه ای تا بعد از اجابت خود بهادار دارند. برای جواب
 بودن کودکان آن خوانند. بگویند آزادی روحی آنها در تنهای بهر طعم تبعه را خشنود
 و حالا چه میخواهد؟ حالانی از جهت کارهای آن، از تمام ملکی که تحت حاکمیت
 فاشیت زخم میکنند. میبرسم. آیا بوجوب بدینجهتی شما در کوهها است که در طیف
 دانشیت خود را بنحوی که می انجام دادند و یا اگر دادند که چنان خود را برای نسل باورای
 نبودند؟ و یا بلا فوه تمام تصرفات که در آن است که برای رفاه
 ملت خود، برای تقویت آن از نوع استوار. برای ملکی که هر کدام با ندهان آن بیان
 بلا سر. حتی زندگی را در آن با ندهان از دانش بشری که در آن نمانده اند؟
 چگونه تقصیر در جهت است؟

فصل دوم - اراد و اراده در زبان

در حدود خوبی ترکیب درجه هفت است. اراد و اراده ولی در دست زبانه بر اراد
 مورد فقط در جزیره و نواحی عربی و کرد و باغ سالی است. بعد در سده های، و اما
 (ناقص است مخصوص اراد که در ابراجیب دارد) و بر و (بسیار است) همانا (بسیار)
 طلب (جهت برار) بر و در زبان
 در بین این اراد، میتوان اراد را که از ساهای این طرف، که در بعضی صفات عربی و اهل آن
 از اراد که در او ظلم و فساد است، نواحی تحت آفت از فرمان خوار کرده اند
 تحصیل داد. در مورد و زبان، اراد با آنند قوانین تجارندارند. بعد از تمام ملکی از
 ارادی استفاده نمانند فقط اشخاص مهمان حق نمانند درمی است حدود که
 ملکی کند. اراد در دیات خود مدارس کردی بازرگانه و در مدارس دولتی
 فقط زبان عربی تدریس شود. در مدارس کرد مطلقاً. قرآن و اصول تدریس
 شود و دیات ملی، تدریس نمانند. در بعضی شهرهای نزدیک مثل داماد و بیروت
 حتی مدارس شبانه برای پیشبرد آن زبان، قرآن اکتفا شده که نمانند زبان خود خواندن
 در پیش بیانورند.

تمام این اعمال نیکو دعوات ارادان به درخان میداند که پس از آن امر مشهور و زبان
 به درخان است که آفرین شایسته مستقل کرد و تا سال ۱۸۴۷ بوده است.

برادر ارشد بسیار دانشمند بوده و برای ایجاد یک انجمن لایتنی و دکتر زبان کردی
زحمات قابل ستایشی کشیده اند.

برادر بزرگتر، جلالت بدینگونه کردی، لغوان حادار (فریاد) و کلیل نصران و دانی (روشنی) را
طبع و افتاد بسیار که برای مطالعه زبان کردی و غرب الفبا نوشتی، بهترین وسیله هستند.

برادر دیگر کاروان محمد عقیلی در پیروست بنام روترا نو (روزنامه) که مکتوبه زبان کردی
و دفته کتب لغواته طبع میگرد، افتاد بسیار. این مجله هم عقیلی با هم شتر (مکان) دارد.

برادر ارشد، نزد هم فرزندان خود اهمیت خصوصی دارند، احترامات در تمام مجالس کردی حفظ میگرد.
تا اول آوریل ۱۹۴۵ امر کاروان، در مادری نامور شتر اخبار، زبان کردی بود ولی از این تاریخ
دستگاه رادیو به دولت سوریه واگذار شد.

عشق و علاقه محبت از برادران شتر، شوای ملی خود را است.

چرخش ملی از این جنبش ملیط که در سال گذشته بهترین جوانان این راه را ای ۱۳۴
بر افتاد داد و راجع باین دوران تا به دولت جاب برست در ۱۹۴۵ در صحر ۱۲۶-۱۲۷ یعنی مکتوبه
ادنی قسمتهای این دوران علاقه و کمالی را نقدی تبیح کند که کتب جوان کردی است از دین مشهور
خود همان اندازه بسیار آید.

« در ایام دیار غربت تمام هم فرزندان زننه نموده و آبا بای را نسل خواب بچمنان مبرود؟ »
« آتش و نفس در جبین خود را که از سبب دهن وی آتش برشته اند، همراه باد و شقایق
تخلف گردستان نموده »

« خنده های اشک برای مرام این زخم دل کافیه نیست، در شب زاریات که خفته اند،
در جویهای زنده مکتوبه، یاد شیخ سعید، فدایان راه آزادی، شوای ملی مثل الهی خانی »
« جوانان را بیه راه پرزنی به امید کند، اگر دوزخ و جاف خود عمل میکند، توده ملت به
« مردم اراده، برای نیست کردن حقوق خود قیام خواهند کرد »
« آنگاه چه خطابت « پر دانه نوحه، انقلاب کبک، شکر بر وجه، تمام این خطابت ها
« بهایت خورد که تنها اتحاد موجب غوث است »

همین چرخش بود که در موع مساوت کسی این همه بودیم شوی کوی، به فرزه در مقابل
از لطف زبان کردی برادر کرد و امسال زمین همورین آید، لغوان خوش گند
لطف زبان عربی کشید، لغت: « آیا خیه لطف هم زبان کردی خواهم کشید؟ »

روز انوشهر ۶۶ ۱۴ فروردین ۱۹۴۶

فصل ششم -

اتحاد موجب قربت است

« و در مذکر حسن علی از ادبیه است و در مؤنث به هم »
 « شکر و تقویٰ نهند ، تا در خوانند بود در یک لحظه »
 « ایران دعوت و تو که از ایشان یکسان کند »

« ایران در در دست »
 « ۵۰۰ های - لندن از کتاب دلال ایران »

فصل اول - حسن ابعاد اراد

منازکی که بخار و زردی روشن افنده ، بلکه ام ، صفات مخصوص اراد اجماع در کتاب توضیح داده اند .
 « علی رغم تشنگی که برای استمالک اراد عمل آمده ، آنها بر تحقیق جوهر خود را از دست نداده اند ، »
 « در لحاظ براد ، غریب زبان ، از همه لغات خود متمایزند . برادشان آریایی و از زبان آریایی داعی است .
 « در ساسانی مشخص است . اقصای عمرشان بجهت اسلام ، آنها را از آریایی و آریایی ولی مسیح ، از آریایی ،
 « در آریایی ولی شیعه (از آریایی های نهیب شن شنند) مشخص شده است .
 « در آریایی ساسانی ، انقلابات اراد ، بیدار شده اند و از زنی شده ، »

این خلاصه نقلی ظاهری بود ، در این کتاب به مسوولان از اهل بیت خواست ، تا در مورد کون بکشف
 غرض اهل عاری که دارد در کتاب تو فرود بیاورند که در کتاب در نیز ، با جواب شده است .
 « اراد یکی از شیخ ترمذی طهنا و با بوش ترمذی آنها (ص ۴۲) ، برای نمونه نوعی که همه را با اراد ،
 « در اراد نمونه ای یافت شود . گروهی همانند که استند ، با در ای ام زدی علی رغم عده کم شدن است .
 « در آنها دانند که در طبیعت نظمی بزرگی قفسل داده ، و با طبیعت استند ، بعلب احرام هم لغات شان ،
 « که در این لحاظ اغلب براد آنها شنند ، با سینه . (ص ۳۹۸ - ۳۹۹) ، در کتابی که در سنی شنند ،
 « در سینه های در مقابل قوای دولتی است و دولتی بوده ، زبان در خون خود را حفظ کرده اند . (ص ۳۷۱) ،
 « در اراد صفات اراد ، مثل غنی ، نمونه ای از زهد و تقوی بسیارم ، با سینه ای صفات و حتی با آنکه بگوید که ،
 « در برابر دنیا زاهد است و طبیعت استند که با سینه و خود خوانند توانست صفات بزرگی را در این مذهب ، این صفات ،
 « که با سینه از : شایسته ، وفای به عهد ، محبت های خاص نسبت به اقوام نزدیک ، وضوح بین تقصیر ،
 « در مقابل دنیا (بین اراد و غیره) ، نزد مسلمانان دیگر که یافت نموده ، عشق و علاقه مخصوص ،
 « در با دیانت و سحر ، مثل نظامی برای سینه و سلطنت در واقع مردم از صفات سینه آنها است .
 « اراد در واقع مردم قدیم کرده و سلویند ، از کما هم ، و با سینه ، « می گویم » یعنی از مردم .
 « ص ۳۹۴ - ۳۹۵ »

در حکایت سربازی ، در واقع مردم زود را اول را با یکی کرده اند ، بین سینه و شیخ ترمذی ،
 « در زوال های بزرگ ، اراد سینه ای را بر ایران کسم برد . ص ۳۸۸ »

« ۵۰۰ های نیز اطلاعات روشنی در این باره با سینه به :
 « در سینه منور استم زدی را جمع با کوا که کنم ، آنها را به دستم ، آما یان خوب ، آینه ای به ، »

« و توده تعمیر کرده بودیم. قبلاً از توده اردبیل ختم کرده. آنها بر تمام ملت های شرق زمین برتری دارند »
 « وضعیت توده تبعیض نژادی است و درست در نقطه تعادل وضع تفرق اعراب و نژاد و انحطاط ایرانیها
 « میباشد. در قبل از این هرگز نژاد فرزاد شکست تقصیری است. صرفه جویی و ابرودل فرقی مبین می باشد »
 « باستانی اشخاصی حلی می پذیرد و همگی مردمانی یافته اند. زمان در روزهای آفتابی که در روزها
 « نشسته در حفت های خود را مقبوله. همچنین آنها اخلاقاً پاک و درست نژادند. عصبانیت جهانی
 « که در شرق پیدا می شود. در کردک موجود بوده و اساساً ایران ادعا کرد که اگر او باقی قبیل گارک »
 « اصلاً آشنائی ندارند. صفحه ۶۲ - ۶۳ »

« مکی دیگر از وجه تسمیه نام زد و عرب است که اعراب اکثر خانه بدوش اند. و توده بدیگاری می باشد »
 « در گذشته باستان در هرگز اراد با اند وقت خود را صرف تربیت چشم نیانند. فقط از مراسم مردم »
 « دیگر تمسک می بیند و در صورت هم از جانی پیدا کرده که نبود از آن استفاده نمود مابقی »
 « اما است مکتبه. صفحه ۶۴ »

توزیانه ای همه از جمعی حاصلون در کتب اردو زبان کردن اطلاعات تازه می بیند
 « که توده زمین کمی فرق دارد. خیلی کم و بیشه جاذبه زمین اردو است. بخورد و پختن کراز »
 « در اعراب اهمیت میدهد. توفیق مخصوصاً آنها را در پیش مقب باستان دوست دارد. »
 « در کی تفریح، کمی صلوف و این فرات است. و تفریح قول در کی داد. بیشتر از عرب سروده بود »
 « البته در کی مکتبه. تفریح داده نوع مکتبه و دنیا را از در کی مکتبه یافته خود بنویسد. علی رغم دولت علی آناه »

« در مکتبش، معلوم و قول صوبه بیدر علاقه نند است. صفحه ۶۵ »
 « و قتلیه مهمانی میرسد، مثل عرب، از او بخوردی توفیق بوده و تفریحی مکتبه و ملی در عوض »
 « باید بگویم که صفات خوب دیگری دارند. یعنی گفته بودند که اگر اعراب کراز اعراب بوده در کراز همان کراز »
 « در مکتبه، ولی صفات شخصی من برخلاف این عقیده است که در همه ای از اکراد بخورند زنده می ماند »
 « و قاتلی داشته باشند. مکتبش مکتبش و زنده ای در اعراب کم و در عین حال محصل فرقی نمیداند »
 « ملت حق و در عین حال مورد است. صفحه ۶۶ »

عین همین سخن را از الفیستون در کتاب «الجزیره» امس (صفحه ۷۹) سال ۱۹۴۰ء عروان
 « از اکراد جزیره، استقامت و ازوری و روح کار کردن خود مشهورند. بزجران کرد بر بطن صوب »
 « در برتری دارند. اگر هم فانیک نباشند، از نقطه نظر منی، در محفوظ مکتبه اشخاصی صادقات و زبانی دارند »
 « در بسیار سعی مکتبه »

مارتین و عین آلمانی. در کتاب فولف فراتر او بردن اسلام « (الجزیره ۱۹۱۲)
 (صفحه ۱۳۷ - ۱۳۸) مقاله کرد و عرب را اخصی بالا آورده و مکتبه :

برای از بین بردن این «دزدان مسلح» با همه بیهوشی میشوند
در ویدیه اول هر که نام از آنها بطور مخوفی کردند که «ای بی ناموارزنده» را از من خود
دور کنه ولی نمودی نمیدانم که این طرز کار کافی نیست. در حقیقت اگر ادب از طرف آنها
قل عام نمیشدند بحدودهای مورد فراموشی و بر طبقه از خان وایه نمیشدند، تا سانی
در اغوش بار هم زردان خود در ایران نیز رفته نمیشدند.

گردشهای جنسی که شده بود پس از خیمون در سال ۱۹۳۰ تهران تا وقت نکرده بود؟
در موقع باز دیدن شاه ایران از آنوقت در ۱۹۳۴ برای اولین بار. معاهده ای بین دولتین
راجع میشد کرد تصدیق و از آن بعد بود که «قوانین تبعیه» در ترکیه اجراء شده و در ایران
هم تصدیق و تصدیق شد با برادر افزوده شد.

نهایتاً این اندازه هم که تصدیق نکرده و لازم دیدیم که عمده ادعای دفعه دوم را داده شود
بدین منظور در چشم زدیم ۱۹۳۲ معاهده تصدیق بین دولت ایران - ترکیه - فرانسه
امضا گرفت.

امید دول نامبرده تصدیق نمیشد که با همه بیهوشی مورد قبول میمانی است ولی بنده هم می نمایم
در گوشه ای خواننده طنین شخصی دارد.

«د هر که نام از دول امضا کنند» تصدیق نمیشد. در حقیقت خود «و بعد» قتل و محاکمات
«در دستهای مسلح» ایجاب نمیشد و تا تسلطی که بطور سرنگون کردن عملیات جدید «و نظریات»
«انگشت صفت» نامش از من از دول امضا کنند، بوجد و بیسایه اقدامات لازم را نمایند»
منظور این بوده چیست؟ که بتواند رسته های مسلح و ایجاب نمیشد که بوجد داده شود که بعد
تصدیق نگردد و اینها؟ این اشخاص اراده که نموده و باید در حال نابود شدن باشد. بخواننده بود
و بالطبع عمده نمیشد و آنکس که ایجاب، شمع و قابل بعدی اعجاب، آنجا هم نمیشد «بدین
ترتیب می بینیم که این ماده حضوراً برای خاطر افراد در مساعیر گنجینه شده است.

علاوه این مساعیر «بدون تأخیر» تأخیری بودی اگر اکتفا نمود. در ۳۵ ارد ۱۹۳۸
تورتر غیر متعادل ای در دولت سطر، از آنجا که بر زبانها خطا در فرستاده که من قسمتی
مهمش را نقل بنمایم.

«از منابع عمومی خبر نمیشد که قبیل باغی بود اعلی باالزادیه در حدودهای ایران کشتی دارند»
«در برقرار نموده اند، اسلحه و تجهیزات از الزادیه ترس نیست گرفته شده و بکنان نمیشد»
«د که جنس آنها نیز به تعلقات خارجی نموده تا بزرگ ترس دارند»
«که نام او را که ترس در اینجا بروجع پیوسته، از وجود باغیان پان نموده و دست او را که تا کمال»

« در قبول تغییراتی که دولت شهری با آنها تحمل می‌کند، سرمایه زده بودند، نقل و انتقال کرده...
« در بنده زین ان تغییرات تجویز شده... »

« بلکه فعلاً در خواننده‌های قانونی اصلاح رسی! » می‌گویند که اگر ادعای خواننده داریم خود را که خود را
کنار گذاشته و عقب بلفات جدیدش خارج کرده اند!
« ما به سه سال گذشته که در سال ۱۹۳۸ تصویب شده بود تا پنج سال اعتبار داشته و هیچ‌کس
بسیار خود بخود به بل که وارد شده اند واقعه‌ای رخ ندهد (ماده ۱۵) ولی بعد از
خفت، در صورتی که مخصوصاً در ایران تغییراتی بوجود آمده و از ارزش سه ساله گذشته
رخه اگر ادعای جعلی داشته شده...! »

« اگر وسیله‌ای برای بهبود اوضاع موجود باشد آنها عیب است از آن با ايراد خواهد بود.
راجع به این گفت طوطی تلقینات عبد الرحمن غلام بیگ قمش علی اتحادیه اعراب در مجله
نصری الحلال (الکبر ۱۹۳۸) گفته واقع خواهد شد. استقلال فزونی و عملی شدن بوده
رایج است، ولو بجزئیات بسیار بلکه میانه آشنایی محضی هم داشته باشد. الله اعلم بالصواب
« در ضمن سه ساله در عراق به عیب اظهار نامه، مسدود کردن کرد و ثابت. من می‌گویم...
« در این احکامم راجع به کار و اعراب زنی قابل شک نیست. اگر در مردمانی با حقیقت بوده و سودی...
« از آنها ساخته عیب و بنده که آنها اتحادیه اعراب را اضر منافع خود تلقی نمائند...
« از آنها مسلمانند و در وطن تابع، به حقیقت در مقابل حملات اسلام اسلامی، جان فانی کرده اند...
« از آنها خوبی می‌دانند که اتحادیه اعراب، شکت اسلام را، با نام خود از آن آبروی می‌کشند...
« در دوباره بمقام دولت خود خواهد رفت... »

« آینه مسدود کننده عراق را با مقصود بخردن اکراد، می‌توان تمیز کرد. گفت عیب اجازه...
« انتخاب یکی از دو طریق زور یا باهاست... »

« در صورتی که تمام می‌توانند با عیب عراق تمیزاً زندگی کنند، و در هر دو طرف قابل نشد...
« هر وقت که بخوانند می‌توانند مثل یک ملت مستقل و خود مختار زندگی نمایند در صورتی که...
« در حتم بدانند که اعراب می‌توانند بخشی از آنها باشند و کمترین دردی که بخوانند...
« در عراق مسدود می‌شود کرد می‌توانند وجود داشته باشد، زور اکراد...
« چه قبل و چه بعد از صلاح الدین، پادشاهان بزرگی تحمل دولت عربی داده اند...
« این اکراد نمونه علقه و طرفدار و بیستم بوده اند... »

« اکراد باید از آبروی خود بی‌خبر باشند به منظور عراقی هم باید عملی...
« احتیاط نگارنده که با اعراب اکراد را چون دار سازند در اصل مسدود کرد... »

« بسیار ساده است و ضایع عمده آنها اینست که است. اگر عوان در آینده قویتر از آنچه است»
 « در کشور بازم ملت کرد ملی از شغ و دیوهای این ملت شرقی را تشکیل خواهد داد»
 « لیس، عراقی که گویان بحری کار نکردن اجناس الیاد به یار، فرود صدای که عرب استند»
 « وضعیت اراد ایران، در عراقی در کتبه بازر کرده بود، فی الحقیقه اراد ایران در بعضی موارد
 با اراد خود بخاری داده بود، این اراده در بین اراد کرده و عوان طین صحرایی انداخته اند که بود
 بدین مناسبت دولتین عراقی در کتبه پیش و از پیش هم زدند شده و مناسبت خود را بر ضد اراد
 قویتر کردند. ۲۸ فوریه ۱۹۴۹ نوری سعیدیت با کار آمد. البته برای حکم مناسبت
 شخصی کمتر از نامیده گفته بیدار کرد، زیرا با اینطور در وقت بزم این کتاب بنده شدیم
 وی برادار خود از لحاظ تبعیت عراقی و از جهت افکار سیاسی مخصوص خاص القلمین است
 بدینست وزارت خارجه کتبه و خدیو مرتبه کتبه که در اراد از بی گفتان گرفتند»
 « بنا بر این خواننده آن نویسنده میفرماید که تخصص در افکار و گفتگو خواهد کرد نه خود است
 و نه عراقی بلکه بنویسند خواهد بود»

در موقع دولتین کتبه و عراقی در اطراف این سند بودند بدو روزنامه اولی
 روزنامه دسی دولت کتبه، چنین میفرموده بود:
 « بر بنیادی کتبه، مخالف کتبه اراد، این دو جا هرگز نرود، تبعات کتبه آذربایجان»
 « در از قبل اعاب، اراد، در داخله ایران خود بخاری بسیار زنی داده اند که من به صورت»
 « در قدرت دولت ایران امری نظری خواهد بود. این امری که نظریش سند کرده بوده
 نویسنده از خود چنین سوال گفته: « عوان سعید حدود کتبه بخاری با بیجا خواهد کند؟»
 « محققانه القلمین حدودی این خود بخاری آینده کتبه خود بخاری را از اراد دولت
 که به لظ بد بنیاد خود گفت با کرد، در بزم یاری چنین نوشته بود:
 « با بعضی روایت، در گفتگوی افکار، سند ارد مقام نمی راد است. مانند»
 « تصمیمات کتبه نیز معلوم شده، بعد از حدی زده میبود که دولتین موافقت خواهند کرد»
 « لکن بزوغ چنین اراد که ممکن است بحول بچند خشم خانیه، وقت در لظ»
 « وجود عمده زبانی از اراد که پس از انقلاب آخر کتبه خورده و فعلا در آذربایجان بود»
 « در کتبه، در صورت وقوع چنین امری ممکن است کتبه غیر نامه»
 « این قبیل که از طرف شوروی مسلح و غیر شده اند، خواهند توانست خاک عراق و»
 « با خیه حدود کتبه، عراق را متقیان آینه خانیه، که احتمال این آینه در واقع»
 « در نظر شوروی با تشکیل یک کردستان مستقل، ممکن است موضوع کتبه افغانی را برانند»
 « خواننده آن ملاحظه میفرماید که تصمیم غیر نرود و بقیه عید است از « عوان خدیو این اراد» است»

و منظر نوع افرا دیده گمانی و بکار بسته نیز تغییر نموده است در صورتی که در مواردی که در این مورد گفته اند
 از جنبش اراد استانی نموده و اسلحه و تجهیزات باقی مانده اند.
 کتل القسام در این باره وضع صحیح را قهلاً قهلاً متوجه شده و علاقه کردی که
 سازشی از ایران و کسبه تحت نظر قتل را بمن قاضی نمود. سال گذشته بعضی از افراد
 از صفات شوروی در جاسوس گردیدند که آنها فرانس کرد از آن سرب کتلت آنها فرستاده شود
 ولی خود و با جواب منفی داده و گفتند که بهیچ وجه نتوانست وای آنها نظر خسته ای باشند.
 با اینکه اگر از موضوع صافه تو که در عراق که در مارس ۱۹۴۵ با صفا رسیده خوبی مطلع بوده
 چنانکه خبر دلی پس از از رسیدن این امر را اقرار نموده در وقتیر از قول خبر نامه در اولین
 جنبش خبر رسیده :

« موجب انضامی بعضی فون سه دلیل زور بوده : اولاً آنکه در عراق در حدود ۱۰۰۰ نفر
 « با شورویها پیوسته و چون شورویها آذربایجان را اشغال نموده، خطر اشغال در دلتین نامبرده »
 « دلتین صرف ثانیاً تصفیه مساجد است که بین دولت ایران - آنکه - عراق - افغانستان »
 « در سال ۱۹۳۷ انضام شده بود. ثالثاً خطر عظیم مسدود کردن برای صبح صادر شده ۲۰۰
 فی الحقیقه دلائل سه گانه فون در آن فون حاصل میگردند زیرا « این اراد استانی »
 « که با کتلت روس و موجب انضامی میگردند و همچنین مساجد آباد فقط یک بار اراد
 انضام شده بود »

ولی از اخبار رسمی راجع باین مساجد را نتوانید مسلم را چیزی نیست استیجاب فون نتوانید
 خبرگزاری عرب در ۲۹ مه تصویب مساجد نامبرده را که در آن کتلتش داده (دارائی)
 گریس - ارباباط - شرکت مسیحی - مسجده مسجده - مایل بیستم در آن) بوده
 بیع جهانین رسانیده

اراد از این خبرگزاری استیجاب کرده و آورده و اعلام نتوانید که کسی در این باره ای
 فکر نموده !

فصل سوم - نقطه ضعف اراد

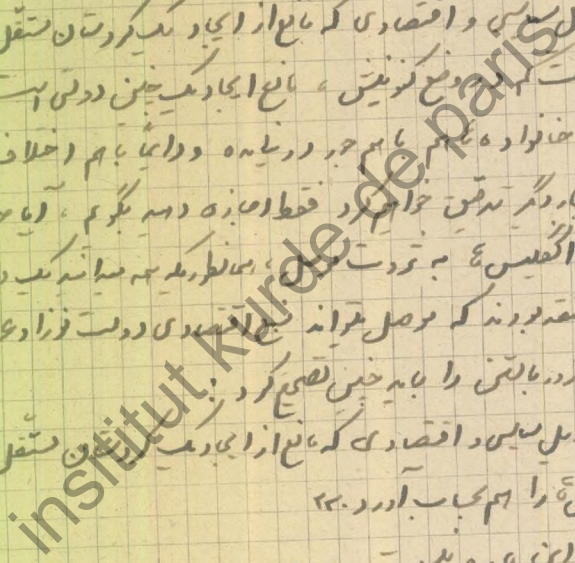
انظرس که از عمده دینیه گمان کردن مستقل بودند و امروز بعلت بیثباتی شورویها از این طریق
 علاقه ای بجهت فرقان نمیدهند لکن چون عینی و ضریح نتوانند صحبت گفته بمانند آورده میگردند
 نگران مساجد عقبی را حفظ کرد و ولی در باب کتلت این مساجد چه ابهامی دارد ؟ اگر چه
 انظرس بود نگران این بعلت که بوجهی بی درمی خود خطا دارد پسند ؟
 فعلاً گوش کنید ببینید مانند لفظ جرم جیل مشهور چه میگوید :
 « همچنین یک مسجده کردی وجود دارد ، امروز حسب احوال یک یا چند نفر از این مسجده را »

«بر آن حال نخواهد بود. رای آستان کردن این مسئله خاص منوط به جنبه های اقتصادی است:»
 «در گذشته که روی صورت بود و عراق و ایران واقع شده، تا سید ملک گوشتانی، از لحاظ»
 «تجدید خلق فقیر بوده و بنفوذ باجی دست یافت، اینها حاصل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی»
 «بر آن خواهد توانست ملک مستقل نبود.»

آیا داشتن یک اسم مشهور، کافیست که بتوان مسئله بان فیزیکی را به این شکل حل کرد؟
 کردن خلق فقیر است؟ در انصورت چرا برای حفظ وضع آن مجادله با این مسئله مجرب بود؟
 بنفوذ باجی دست یافت؟ پس چرا مسئله مشهورها باجی دست یافته اند؟
 بنابراین... کلمه نرم از اینها!...

یعنی همان طور که ما در بالاقت با اضافه کردن دلایل دیگری پیش مسئله:

« علاوه بر دلایل سیاسی و اقتصادی که مانع از ایجاد یک کشور مستقل میزنند، مسائل حقوقی»
 « از ادب، دست که در وضع قوانین، مانع ایجاد یک جنبه دولتی است. نه تنها در عمل بلکه»
 « در طایفه و حتی خانواده هم با هم جر در میانها و در اینجا هم اختلاف نظر دارند.»
 نظریه آخر را بعد از مدت مدیدی خواهم در خطا مبارزه دهم بگویم. اینها حل نشده بود که در
 سال ۱۹۲۰ انگلیس به صورت رسمی، با نظریه هم مانند یک دولت گردید،
 کلمه داشته و متوجه بودند که حاصل نتوانند. علاوه بر دولت فراد عوام را تشکیل میدادند (در آن)
 بنابراین جمله ما در بالاقتی را باید جنبه قضایی کرد.
 « علاوه بر دلایل سیاسی و اقتصادی که مانع از ایجاد یک کشور مستقل میزنند، لازم است»
 «دولت انگلیس را هم بحساب آورد.»



الته شکی در این باره نیست...
 اگر نظر از خود کردن، کردن آستان و کلمه باشد، همه است کتاب «عجیب کردن»
 خوانوا با زبان را از کلمه خوانند تا بحقیقت بی برد، ولی آیا میخواهند حقیقت را بفهمند؟
 حتی کل الفیستون علی رغم صمیمیت مخصوص که نسبت به کرد دارد، تشکیل یک کشور مستقل را
 با درک میکند:

« تا اینجا نمیتواند یعنی ثابت میکند که اگر تشکیل یک ملت متحد و مستقل را داده باشد»
 « در در آستانه هم بزرگترین دلیلی وجود خواهد داشت. گفت کرد، گفت شیخ و خوش بگیا»
 « که نتوانند بروند از خود. فداکاریهای بزرگشان در ولی حقوق دارای ایجاد کردند»
 « از آن دست که بی عمل بوجود آمده که فقط ادامه زمین جبهه خود را اجا میکنند و در عمل»
 « در دشمن مشترکی، برای دفاع، با همه بر متحد میزنند و در غیر انصورت برقیله ادامه زمین»
 « جبهه دیگر را رد کرده و از آن دست در کارهای جبهه خود را پیش نمیدهند.»

« در از حدی با شیخ فاضل علامت علی تقی میرزا و غیره گفتن میباید که قدرت روحی قابل گم نشود »
 « در این امر احوال ضعیف برای تسلی ملت محمدی، میباید »
 « بالاخره و ... های نظریه ای شبیه نظریه فون دارد :
 « در همان نظریه اگر از آزادگی بگویند، در باب هم اختلاف نظر دارند، آنها از اصحاب قبیل،
 « بدون اختلاف بوجود آورده اند » و بعد اضافه میکنند :
 « در روزیکه حسن علی ازاد پیدا شود و موقعی با هم متحد خواهند گشته »
 « تا در زمانه بود در یک لحظه، در آن دوران در کتب و کتب را با هم میخوانند »
 « هرگز آزاده در دست ... » (در سال در اردستان ص ۳۵ - ۳۶)

فصل چهارم - ازادیم نبوده بود متشکل و متحد میگردیدند.

فصل اول اختلاف کلمات این اشاره، با براد ازاد گرفته شود، حتی پیش از این خود سازایم ترجمه ای
 عیب کرده و یکی از سواحل کلمات، احمد خانی در اول مجیدیم در کتاب مجیدی (از بند ۷۹ تا ۱۸۶)
 این نقیص را با بعضی تمام جمل بیان میکنند :
 « از نظر کرد هر قدر به بیجا است و جرات خود بالا، همان اشاره از ازاد و فارغ نقیصی و تقویت »
 « در بعضی مورد و عطف نفس گاهی کدی میسر است که این نوع سخن شناسی را در روح ادبانه »
 « در بعضی دلیل هم هست که نه تنها ما این ازاد را میخوانیم ازادیم آری وجود ندارد بلکه به هم میزنند »
 « در حال و عدم توافق آسانس آنها را هم میزنند -
 « در آنجا با هم بر آنجا داشته و میزنیم همه آنها خود را ازاد میخوانند از همه بر اطاعت نمودم »
 « در این نوع قوه خارجی در مقابل ما خورد شده و دولت عثمانی، عرب، هندوستان،
 « و غیره ما را با هم میزنند. »

از براد اعلمت اطاعت بهائیان خود بوده اند ولی بنیاد چنین بنیاد است
 که بیوقت در پی جاره گشته و سعی نموده اند که با هم متحد شوند.
 از سال ۱۹۲۷ تسلیل خویبرون (استقلال) تمام ازادی را که خون گوار در سراسر
 خود داشته، تحت تسلط واحدی جمع آوری کرده بود و بعد از آن وقت، مجلات و
 روزنامه ها، چگونگی تسلیل کرد، بدنیای تبیین تسلیل کرده و در بعضی حال بیوقت
 اقرار مختلف در خارج بود.
 میدانم که علامه مصطفی خوارزمی که در میان ما، که نام برده شده نماینده از عراق و جلالت
 از ایران و دو نماینده از ترکیه و بالاخره یک نماینده از سوریه دارد.
 هفت، ازاد را مجبور کردم در خفا تشکیل شده و آتش مقدس ملت پرستی ازادی

۳- همکاری برای تشکیل دولت که براساس دموکراسی با مردم رفتار کند و نیز برای ایجاد مجلس شورا و انجمن های شهرداری که اعضای آن از طرف ملت انتخاب شده و با بنیته معروف ملت باشند تا این مجلس بتواند قوانین و آیین نامه های قانونی را که خلاف قانون اساسی عراق است حذف نماید .

۴- تدبیراتی حق تشکیل اتحادیه های سیاسی و غیر سیاسی ، تشریح آزادانه عقاید ، تشکیل اجتماعات عمومی ، انتقاد از روزه نامه ها ، مجلات و کتب برای اراد بدون کنترل غیر قانونی .

۵- توصیه اقسام دیات زراعی کردن زمین ، برقراری کارخانه های در کردن اشتغال زنایع شرفی ، تشویق منظور سعادت ملت و عنین کردن آن - لغو بردن اصول جدید صنعت ، بهره برداری از خاک با نواع جدید برای رفاه ملت و مایع شدن از صنعت دولت و یا ترویج با از این صنایع شرفی ، فروش آزاد مواد گه شده براساس اراد . تشکیل و ایجاد شبده های تربیاطی مکتب و رحل و نقل این مواد .

۶- حفظ زمین های دهقان و تقسیم اراضی دولتی و مالین عمده و آقایان ، تسلیس سند های دهقانی برای آنها از دست بردارند و استفاده کنندگان

۷- تحویل زمین های بطور عمومی و قبایل بنده چادر کشی استوار آنها ، گذاشتن چراگاه ها در اختیار رانندگان .

۸- تسلیس محافل و قضای مکتب و رحل اختلاف موجوده بین قبایل مختلف با طرز دوستی

۹- تسلیس زندگی اجتماعی مردم ، تنظیم قانون کار ، برقراری بیمه اجتماعی برای مواقع حرجی کاری ، مرضی ، پیری

۱۰- تسلیس خدمت سربازی اجباری در عراق و تربیت سربازان نیز بان مادری آنها ، دموکراسی کردن دبستان . خلاصه تشکیل ارتش برای حفظ منافع ملت و دفاع از استقلال کشور

۱۱- تسلیس حقوق جوانان مرد ، تعلیم لغویات عمومی ، آموزش برای تسهیل در طرز خواندن و نوشتن زبان کردی ، تسلیس مدارس ابتدائی ، متوسطه و عالی مردم مکتب و تأمین کار این از خامه کتیل برای جوانان مرد

۱۲- تنظیم عدالت مالیات لغوی که بجا می آید و حذف مالیات از طبقات

کارگر، همیشه دوران متوسطه.

۱۳- مکتبگری از اسراف و تبذیر مرفهین مبعوض است تا حتی تقدیر مردم، قیام منافع تجار.

۱۴- آیین مردم بدون هیچگونه فرقی برای آموزشش، ایجاد مدارس فنی و علمی فلاحی و فاشنی سازی تا انتهای حد خود در نواحی روستایی ایجاد آگاهی های فنی و فروعی و اجتماعی، ورزشی، علمی برای توسعه زبان و فرهنگ مردمی، ایجاد کتابخانه های ملی و غیره.

۱۵- حفظ حقوق نژادی و مذهبی اقلیت های موجود در اردستان مانند ترکمن ها یزدی ها اعراب، آسوری ها و سایر دینها، از لفظ لغز مذهب و زبان و مذهب از لفظ لغز مذهب و غیره.

۱۶- بهبود سعادت نژاد و توسعه فاسل مردم، شناسایی حقوق ملت های برای زن و مرد.

۱۷- همکاری با تمام اراد اقلیت است بمقتور آزادی ملت کرد و پیشرفت اجتماعی آن.

اینها بودند منظورهای این اسناد که تمام برادران کرد ما در راه بدست آوردن آزادی و سعادت و پیشرفت اجتماعی ملت ما آنها مستفیض خواهند شده حزب مقدمت در عراق اخراج صفت بومی شده با اسم (شورش) منتشر کرده بلاخره از ژانویه ۱۹۴۶ بعد روزها بپولی کوی شده.

(رزگاری) (آزاد شدن) لبه زبان کردی و عربی و فارسی منتشر شده همین جنبش آزادی خواهی در ۱۹۴۶ در قاهره لبنان در عجم صخره بومی لقب محمد شریزاد تحت عنوان (بزد اراد) منتشر شده است.

از تمام اینها چنین میگذریم که بین اراد دو نوع تمایل مختلف موجود است که در قزوین در کتاب (جمهوری خود مختار کرد آذربایجان) آذربایجانیه می بینیم و هم چنین بین جوانان دیران می بینیم.

راجع با این سند دو نوع تمایل در بین مردم کرد موجود است اولاً جوانان که تحت تأثیر شوریهائی هستند که مفاصل جمهوری خود مختار را اشغال کرده بودند و شاید هنوز هم تعلقه ندرده باشند و فکر میکنند با کمک شوریه می توانند انقلاب ملی خود را عملی سازند. ثانیاً قدیمی ها که بر عکس فنی

مخاطبه کار بفرمایید و مثل عربی یا معتقدند که اگر درستان مستقل تشکیل شود
هیوستی آن با اتحادی پیر شوری همین است
آنرا بفرمایید از قبول تابعیت روسها متفرزند که قدر مسلمند در هر مرتبه منوع از
اقتضا کند آنها را قربان و عدت ایران خواهند نمود و این تنها عملی است که
قدیمی را بکجو رسانید که با ائمه الی افتخار نمایند .

برای مهم این مسئله جوابی و راهی دیر جوانان کردی ایران در مقابل حملات
روشنامه با داده ضللاً درج دینایم :

بدانید وقت آنکه خون جوانان کرد برای اجراء نفعته های مستورم سها رکنه نشید
گذشته است . آری ! حقاً اگر ادعای زاورق زده و میدانند که قربانی بیانی
را که در حال حاضر در پنجاب و مرز پوتامی داده اند فقط برای آقایی و نفع
دشمنک آنها بودمانند .

اگر ادعای آنکه که لکل حریفه و بدستمان خود خدمت میزده اند ساطحی هموی
خلفای عثمانی و پیرلسن های دلمون را در پیش جنبی آنها نفع خود استفاده کرده اند
و بر اخطار آنها اگر ادعای ارفع نفع خود میزده اند و در عرض بطور ناخواسته با آنها
رفتار شده ولی حالا اگر ادعای ارفع نفع خود میزده اند و در عرض بطور ناخواسته با آنها
ولاز ۱۳۰ سال به این طرف داده دارد مثل جنبش شیخ عبیدالله ، شیخ سعید
احسان نوری پاشا ، سلطنت شیخ محمود همه بمشغول سیدان با استقلال بوده
است این بیبر زامت نفعی سوس اگر ادعای ارفع نفع خود میزده اند
و بدین عهده ستر هم باید بدانید که زحمت یک ملت ۱۰ جلوی در دنیا بدون
نتیجه نخواهد ماند .

اگر شما در جریان زحمتی نیستید هم اگر ادعای ارفع نفع خود میزده بروید روز نامه های
بنی المللی را بخوانید ، بروید روزنامه های کردی را بخوانید .
صفت کرد که برای خوشتر کنید نادرش . راه دلی را بپروا است و برای
حیتان زیبایی همغویه در راه کوی تبریز و قزوین نلبانی دارد و در عرض
همه آنها با داشتن بقعه از سواحل دریای مازندران بمنزله افغانان
یا فتنه بوده آری این ملت دیگر آلت دست شما نخواهد شد این ملت
که عده زیادی از حاکمان پاشایان را تا دروازه های ایران
لغقت کرده بود ، تا مدت بعد از جنگ خلفای عثمانی نیت خجسته

تا در دانه های اعجاز محمد ایتش رانده بود با اسحه که حمل کرده در دشت های
 عراق و لیبی در گره های بفرستان و در حالی کردن آن آذربایجان
 خون خرد را تا آن فرنی قطره ریخته بود این چنین علی دگر عتوا اند تا تلین و دشمنان
 خرد را به چشم بی اعتنائی نگاه کند روح جنی مردان تجاوزان بهره
 و هرگز نخواهد مرد و در جهان دولت و مای بزرگ دیر نمی تواند قبول کند
 که این بی عدالتی با او راه یابد نه ، هر روز نموده آن و نه بشیرت یعنی در آن دهن
 ناید که شاه با این متد های خون در لعل و کت لوانی (سبب است نزادی)
 ما را استنار نماند!

خط با یک سوره دعوی تقاضای اراد را کت عدوانی (اگر اراد خود فحشاری می خوانند)
 (پرو و مره از پیشین ۲۰ مه) جنی میزاید :
 فعلاً ما تقاضای یک دولت کردیم متقی یعنی لغت حال کلا و کجانی بید ایم که هر وقت
 برای جنین تقاضای مناسبت . چیزی که ما می خواهیم عبارت از اینست که
 در حالیکه کار زندگی می کنیم ، ما را در اداره کارها در وقت زبان دفرانند
 خود فحشاری دهند . با حق به بهند که بر این مدارس افتتاح کرده و کارمندان
 ادارات را از بی خودی تقاضای ما می کنیم خلاصه ما اجازه دهند که در دهانیم نه اند
 ترک یا عراقی و یا ایرانی بتریم . این حق را از ما می خواهند و نمی خواهند
 جنی حق را برای ما بکنند زیرا می خواهند ملک خود را از زمین ببرند .

(ولی این امر محال است)

ما قدرتم و نه عرب ، طلب نتراد آری این هستیم ولی بهیچ وجه منظور ما این نیست
 که شما هم با دولت خود و بی نه بهما می کرده و در صلح و جفا با آن زندگی کنیم ولی
 قبلاً ما خود فحشاری ما را بکنند .

اضرایکی از سبب عدم ازاله العلیس خاور می نه تمامی پیدا نموده و بیاموده و شرذ
 کردم که وقتیکه ایکی ب مسلطه که دی دولت عراق را راجع بحل دولت نه
 قصه کرد قانع کرده و شجفا در این امر دخالت ناید و اگر نه احتمال دارد که
 اراد او برای یک دولت کلا مستقر نموده و بتبع قضای خود فحشاری جنی
 قضا بکند . اراد خود و بی نه که به خوشی کی رویم جنی را که برادران
 کرد آنها در آنجا به سروری در کت آن زندگی مسلطه میکنند چنان است
 تقاضای الحاق با آنها را بمانند .

بگذار که الطیبه در پیردال « رادر عراق و سوریه و در جزایر » رادر ایران و ممالک
دیگر پستیها کنند. و اما اسب مسند تغییر ناپذیر خواهد ماند.
و اما من مطمئن هستم که همه در جبال و پیر راز نیاچی که برادران کرد و آنها در ایران
به دست آورده اند خوشگانه و روزی که میسوا ای بزرگ قاضی محمد رسا از حسنیت
انها باری طلبه اندر دیگر جبال و نه پیر و نه کهنوسیت و نه مالک و نه عراق
نه ایران و نه ترک فرقی نه است بلکه همه دیده آمد بوده و کرد بودن مقدم بر همه
چیز خواهد بود.

insitut kurde de paris

قسمت هفتم در نگاه و جدائی جهان

اگر خواسته ایم یک معنویات عمیق
از تاریخ بگردیم بدانیم بقیه خواهیم گرفت
که عمل استوار ازها خارج از افعال
بوده است. (کننل الفیستون)

بدینجهت که نگاه ملت کرد از نسبت و بیخ عمل با نظریه با دل دست بگریبان است
توانسته اند رخنه نه در سبب است که و نه در اعمالش را جمع بصحت هدف نهائی که رو
یعنی دورند.

اگر اداریال ترکیه و عراق به نفعات صدای خود را بپوش جامعه ملل متفق
را نبندد اند.

بعد از جنگ و اینطور پس از انظار ال، نهانیدگان کرد و بوسه مل مکنه سعی
کرده اند که جنب نظر دنیای تمدن دستهای لوتنظام جهان نبندد را نبندد.
از جهان سیاه ۱۹۴۲ در اراد ادعا نامه باقی و بیدل و ملکی و
زیرال دوصل و کننل الفیستون طرح مسئله رد تقدم کرده بودند که برای
نورتن فصل لول این کتاب گفت که این سخن کرده. ذنب بزرگ دیگر:

۱- بر آنچه آگاهیم ارادیه گفتار این نویسنده (۱۹۴۵)

جناب آقای رئیس هیئت، بیادگی کشور... و این نویسنده
جناب و بدون اطلاع قبلی از من می که در گفتار این نویسنده حل و کت
خواهد شد، پیش بینی میکنم که در این جنبه ان محصول من عمل صلح بشود.
مفهوم بنام آگاهیم ارادیه گفتار مسئله کرد در این پیوست تقدم بنام.

پایداری صلح در خاور میانه و یا بطور کلی صلح عمومی، بدون پیدار مل راه
صحیحی با من مسئله مریه نیست. مسئله نامبرده مربوط به نه لیون بعضی
است که در قاعه به همی با لفظ کیوتی مرع زنده میکنند که از دردی
سینه با صلح فارس ادامه دارد در ضمن میا به طور استوارانرا
نه ختم بود. چون اهمیت خاک اراد کت تسلط بیگانه
است و این ترتیب کمزور است در این گفتار این صورت داشته باشند
من که آنها خواهم میکنم که در دست هیئت نامیده گان دولت خرد
برای مقاصد زیر نظر برید:

۱- قبول اینکه اصل شناسائی حق ملت آئینه امروز سوانه اند استوار

خود را بدست آورده و تفصیلات را در مجلس بن المللی شرح نمایند. بدولت بگوید
 قبول این اصل باید ضمیمه الحاقی باشد که ملت ژور را که از این حقوق استفاده
 خواهند کرد و در مکانی که باشند و از انتظام دولت متبوعه شکر امیران را
 ۲- قبول این حکم مسئله گردد در صورت جلسه یکی از حجت ممکانات کنفرانس
 ۳- نموده و نسبتاً به یک کمیسیون بن المللی که قسمت می آید است مسئله ژور را
 بدقت نماید. گذارش این کمیسیون باید راه حل خواهد بود که کنفرانس صلح منظور
 حل مسئله گردد قسمت می آید است از انتساب خواهد کرد

احکامات فائده آرا به پیروی

احکام ژوری است رئیس استن شورای ملی کرد بوسیله نامه موفقه ۲۲ ژوئیه ۱۹۴۵
 خود را از ادعای نام حق نسبتاً کرده است

۲- استادی که در خطاب به جلسه هیئت وزرای خارجه در لندن (۱۵ سپتامبر ۱۹۴۵)
 رفتار دارم بنام آگاه در یادگیریها ذات زیر را حضورت عرض نمایم .

لعل مشروطه در ادعای نام که در پیوسته های ال دولت عراق از هیئت دولت
 ۱۹۴۵ به لجه شروع به تعقیب کرد و یک سلسله عملیات قضایی بر علیه اراد
 عراق در خصوصاً با برانی آورده است

در استیضاح که ملل متفق از حق ملتها برابر است با عراق در کتبخان (۲۲ اوت ۱۹۴۵)
 نسبتاً به مسئله بنام اخبار را در کتبخانها می خواهد که دولت عراق بخواهد برای
 اهدای دولت و قتل عام و نال و کینه در این واقعیت است و بویا استگنی و
 برای استیضاح استفاده نماید

مار علیه این روش بوده و از شما است عاقد ما میم که برای امر را به نظر دولت
 خود را بدست آورده و از این هیئت وزراء خارجه که در لندن مجتمعه مطمح
 خواهد شد احکامات ضمیمه آرا به پیروی

۳- در اجده جدید آگاه در اراد (۲۲ ژانویه ۱۹۴۵)

بنابست روشکات رسمی و از آنها از همی خبر که از راه حوادث مختلف که در شورای
 حاد و میان به بزوغ پیوسته اغلب از یک جنبش ملی زد کت شود
 بدکت نه می خواهد بعضی از نظارات این جنبش را بمنزله آلتی که در کت بازر
 خارجه بوده و برای بوجود آوردن اعتشش در بعضی از کشورهای است و انمود
 نمایند. آگاه در اراد موقع معتم سمرده و اعلام می آید که تفه های اراد

Handwritten text at the top of the page, likely a header or title.

Main body of handwritten text, consisting of several lines of cursive script.

Handwritten text at the bottom of the page, possibly a signature or date.

Final line of handwritten text at the very bottom of the page.

Handwritten text in Arabic script, likely a manuscript or notes, covering most of the page. The text is written in a cursive style and is partially obscured by a large watermark.

سنة

قائمه از شرکت آب در اسباب نفت خانه. زیرا با بود است ۱۳ و از به شرح نمود.
 کفایت در این وقت، در آید استیجاب، تا ما نیز تمام می وقت و ادعا کرد (از ذوق) که نفت
 ایران نسبت کموت قوام اللطیفه معده است و چنین افشا کرد:
 «دادن اعتبار نفت بر وجه و سایر احوال ایران - امری است که بود در آنکه قوام اللطیفه برای او ای»
 «در بنانه اقتصادی و اجتماعی خود لازم دارد تا معنی و اوله گردد.» در این تاریخ تا آخر بهروز
 از بیان مصاحبه آنکه در چشم و از به بین در زمانه و بیعت ایران آنای اراکس و در زمانه که ایران
 عمل آمده بوده اطلاعیه است و در زمانه بوده بود:
 «دولت ایران نیز از سبب مواضع نامه گویی نفت انگلیس و امر این و در گیتی نفت ایران»
 «در عمل آمده، اطلاعیه نه ارد.» و در نیمه از به بین اظهار کرده بود:
 «در من خیال نیکم که صورت های خارجی من در دسته باشند از منابع دولتی نفت ما استفاده نمایند.»
 با این بیانات ~~تاریخ~~ استیجاب های وزیر در استیجاب نامه به معلوم بود!
 از همان روزهای اول استیجاب در تهران (۱۲ دی) استیجابات خوب بی نهایت و از این است
 دولت در این امر شروع شده بود. مدت است وزیر بازار در کابین منظر تقصیر از
 کارهای دولتی گشته و عده ای از کابینه های نه می در صحنه مجلس جمع شده و توقف
 عیبت استیجاباتی را خواستار شده اند. ۱۵ دی (۱۳۰۲) مجلس حکومت نظامی عمل شکلات با اطلاع
 من شده که: «در حوای دولتی منی دخالت در استیجابات نمایند.»
 اطلاعیه ای شد که استیجابات آزاد برای بعضی، به معنای استیجابات
 ۲۷ دی استیجابات منی که به بود و ۲۲ دی ۱۳۰۲ و ۲۳ دی ۱۳۰۲ و ۲۴ دی ۱۳۰۲
 خوب دیورات ایران (غرب انای قوام السلطنه) دارای ده هزار رای بوده و با آنکه
 هنوز نسبت به رای قرائت نشده بود، اکثریت را خوانده بود!
 بدین نحو، نتیجه را قبلاً پیش بینی کردن مردم را متکون کرده و خواننده نفت که آزاد را است
 خود در ضدون استیجابات رخنه اند. بنجم خورشید قرائت آزاد تمام شده بود و بالطبع نتیجه
 مابقی پیش بینی های منی کاملاً واضح داشت
 باید اعتراف نمود که صرف ۲۰ روز برای قرائت مقدار هزار رای، در نظر گرفتن
 اندک است بلون رای دهنده و رای دهنده که از ۲۳ ساعت، از سبب آزاد خورد طبع میز
 و کورد بسیار عالی است.
 همان روز خبر از این شرکت نفت انگلیس و ایران در تهران خبر در اطلاع روزنامه تا رسانید
 لا محاله مواضع نامه امضا شده بین شرکت نفت انگلیس و ایران و در گیتی نفت»

« در ارضای منظور از نفس خاتم النبیین نامبرده، و این دلالتی بر اصل نفس یعنی طبع انسانی و غیر آنست »
« مورد نظر آن فرستاده شده است. موافقت نامه ظهور منقحاً بجای آورده و همچنین خبری باقیست »
« نفسی شرکت نفس اقلیس در آن وارد میگردد. »

حکومت ایران که از این طرف فاطمه جمع شده بود، موافقت بجمع سلاح با علی خامنه را از زبان
شروع کرده و با یک روح دیگر اس، به منظور بدویم، باقی بگفته تا آن اواخر دهه که
گانه های خود را در سطح صحنه وارد اندازی استجاب نمائید!

بطور اتم این اعمال تغییر در جهان کار ۶ نموده، مخصوصاً با آنکه در خط با برادر است.
این امر را آه های ب. نیلین که ضمن وارد شده کرد است. در طی مقاله ای از سایت فارسی
از روزه (۱۹۴۵) چنین شرح میدهد.

« این سند خود که در صورت حقی بخود گرفته بود. وضعیت آن ی غریب و ناماییده، »
« در دو نیم کرده است. نهانی از ارضای آورده و اصل سند خود لغزانه تا روز فاطمی عقب افتاده، »

۲۵ فوریه ۱۹۴۷

insititut kurde de paris

ای گورستان، مکتب در راه تو عالمیست مگر ما نیست!
در باب خانه خود بودن، در درستی تلاوت، صلاح نامی
که سوت افتد است فراد نزارید و مگر زین غریبان بدست
براحتی در این دیرانه های کردی سردن، سادگی
به بالاتر از این برای ما نیست

ازادی، دست داشتن، این که سرت آینه
و بالا فیه بودن، این که سینه آینه ال یک کرد
تو از دی چشمه نوال کن و لیکن که در صحنای دراز
خود چگونه دانستن بران انقلاب، بران
دست چشم، بران آرزو دایم را بر تو با نوازیست

۱۱ آبان ۱۳۲۷

پاریس

۱ - برداش

insititut kurde de paris